



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



المراد
علیهما الصلوة
والتسلیم

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

مکتبہ اسلامیہ

اخلاق و ادب

اخلاق و ادب حجرتہ شریف

محمد سعید میمن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگ حجره نشینی آداب و اخلاق حجره نشینی

نویسنده:

مهدی محمدی صیفار

ناشر چاپی:

حوزه علمیه قم - مرکز مدیریت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	فرهنگ حجره نشینی آداب و اخلاق حجره نشینی
۹	مشخصات کتاب
۹	اشاره
۱۴	فهرست
۲۱	مقدمه
۲۵	حجره و برزخ
۳۱	حجره چیست؟
۳۴	حجره نشینی
۳۶	شکل و ساخت حجره
۳۷	ترکیب هم حجره ای ها
۴۰	رازدار بودن هم حجره ای
۴۱	شرط مقدس اردبیلی برای هم حجره شدن
۴۲	فرصت های حجره نشینی
۴۳	تغییر حجره
۴۹	مسئول حجره
۵۱	قوانین حجره
۵۲	وسایل مشترک و شخصی
۵۳	چینش وسایل حجره
۵۴	ساعت خاموشی و بیدارباش
۵۵	نظم و نظم پذیری
۵۸	تقسیم کار
۶۲	خرج مشترک
۶۶	انعطاف و مدارا با هم حجره ای

۶۷	نور و روشنایی حجره
۷۰	نکاتی که باید رعایت کرد
۷۳	قفسه کتاب
۷۴	عکس های حجره
۷۶	نوشته ها در حجره
۷۷	استراحت در حجره
۷۹	مطالعه در حجره
۸۵	شوخی در حجره
۸۹	رفت و آمدها
۹۱	شب نشینی و گرده گیری
۹۴	حضور اساتید یا مدیران در حجره
۹۵	مباحثه درس
۹۷	فعالیت های فرهنگی در حجره
۹۷	میز مطالعه
۹۸	رادیو و تلویزیون
۹۹	خواندن روزنامه و مجله
۱۰۰	مراجعه به سایت ها
۱۰۱	کارهای غیر معمول طلبگی
۱۰۲	پلاس بودن در حجره های دیگر
۱۰۳	ورزش در حجره
۱۰۴	مهمان آوردن به حجره
۱۰۶	تنها ماندن در حجره
۱۰۷	نصب اطلاعیه بر در حجره
۱۱۱	تمیز و مرتب بودن
۱۱۳	استفاده از عطر و خوش بوسازی حجره
۱۱۴	گل در حجره

۱۱۵	لباس ها
۱۱۹	آینه
۱۲۰	چوب رختی
۱۲۱	وسایل خواب
۱۲۳	حجره تکانی
۱۲۴	سفره غذا
۱۲۵	ظرف شستن
۱۲۶	بیماری و تیماری
۱۲۷	غسل
۱۳۱	رعایت ادب و احترام
۱۳۴	خرده فرهنگ ها در حجره
۱۳۶	احترام به حساسیت های شخصی هم حجره ای
۱۳۹	رو به قبله بودن
۱۴۰	سلام کردن
۱۴۳	ورود بی خبر یا سرزده به حجره
۱۴۴	محترمانه با نام صدا کردن
۱۴۶	غذا خوردن
۱۴۶	الف) آداب غذا خوردن
۱۵۰	ب) مقدار خوردن در سن جوانی (افراط و تفریط نکردن)
۱۵۳	ج) همکاری در تهیه غذا و جمع کردن سفره
۱۵۶	تنقلات
۱۵۸	سبزیجات و میوه جات
۱۵۸	ترشیجات
۱۵۹	مرباها
۱۶۵	عبادت در حجره
۱۶۷	خواندن قرآن در حجره

۱۷۰	نماز و نماز شب در حجره
۱۷۴	توسل در حجره
۱۷۸	مراقبت از نفس با هم حجره ای
۱۸۱	فهرست منابع
۱۸۷	درباره مرکز

فرهنگ حجره نشینی آداب و اخلاق حجره نشینی

مشخصات کتاب

سرشناسه : محمدی صیفار، مهدی، 1352

عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ حجره نشینی آداب و اخلاق حجره نشینی / مهدی محمدی صیفار؛ به سفارش و نظارت مدیریت مطالعات و برنامه ریزی تهذیبی معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه

مشخصات نشر: قم، مرکز مدیریت حوزه های علمیه، 1396

مشخصات ظاهری: 176ص

شابک: 5 - 75 - 7550 - 600 - 978

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

موضوع : طلاب - راه و رسم زندگی

موضوع : Islamic Seminarinas -- Conduct of life.

شناسه افزوده : مرکز مدیریت حوزه های علمیه مدیریت مطالعات و برنامه ریزی تهذیبی.

شناسه افزوده : مرکز مدیریت حوزه های علمیه

رده بندی کنگره: 3 3 1396 / م 3 / BP7

رده بندی دیویی: 297/07

شماره کتاب شناسی ملی: 4714815

خیراندیش دیجیتال: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب : خانم نرگس قمی

ص: 1

اشاره

فرهنگ حجره نشینی

آداب و اخلاق حجره نشینی

مهدی محمدی صیقل

ص: 3

سرشناسه : محمدی صیفار، مهدی، 1352

عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ حجره نشینی آداب و اخلاق حجره نشینی / مهدی محمدی صیفار؛ به سفارش و نظارت مدیریت مطالعات و برنامه ریزی تهذیبی معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه

مشخصات نشر: قم، مرکز مدیریت حوزه های علمیه، 1396

مشخصات ظاهری: 176ص

شابک: 978 - 600 - 7550-75 - 5

وضعیت فهرست نویسی : فیا

موضوع : طلاب - راه و رسم زندگی

موضوع : Islamic Seminarinas - - Conduct of life

شناسه افزوده : مرکز مدیریت حوزه های علمیه مدیریت مطالعات و برنامه ریزی تهذیبی.

شناسه افزوده : مرکز مدیریت حوزه های علمیه

رده بندی کنگره: BP7 / 3 3 1396

رده بندی دیویی: 297/07

شماره کتاب شناسی ملی: 4714815

فرهنگ حجره نشینی

آداب و اخلاق حجره نشینی

به سفارش و نظارت :

مدیریت مطالعات و برنامه ریزی تهذیبی معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه

مؤلف : مهدی محمدی صیفار

ناشر : مرکز مدیریت حوزه های علمیه

نوبت چاپ : چاپ اول، بهار 1396

شمارگان : 3000 نسخه

قیمت: 90000 ریال

تمامی حقوق برای معاونت تهذیب و تربیت حوزه‌های علمیه محفوظ است *

نشانی: قم، انتهای بلوار پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله وسلم (جمکران) مجتمع دار الولاية .

معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه

www.tahzib-howzeh.ir

مراکز پخش :

معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه

قم ، مدرسه علمیه دارالشفاء، فروشگاه انتشارات مرکز مدیریت حوزه های علمیه: 025-37748383

ص: 4

فصل اول: انتخاب حجره و حجره نشینی

حجره و برزخ 13

حجره چیست؟ 19

حجره نشینی 22

شکل و ساخت حجره 24

ترکیب هم حجره ای ها 25

رازدار باش هم حجره ای 28

شرط مقدس اردبیلی برای هم حجره شدن 29

فرصت های حجره نشینی 30

تغییر حجره 31

فصل دوم: مدیریت حجره

مسئول حجره 37

قوانین حجره 39

وسایل مشترک و شخصی 40

چینش وسایل حجره 41

ساعت خاموشی و بیدار باش 42

نظم و نظم پذیری 43

تقسیم کار 46

خرج مشترک 50

نور و روشنایی حجره 55

نکاتی که باید رعایت کرد 57

ققسه کتاب 61

عکس های حجره 62

نوشته ها در حجره 64

استراحت در حجره 65

مطالعه در حجره 67

شوخی در حجره 73

رفت و آمدها 77

شب نشینی و گعده گیری 79

حضور اساتید یا مدیران در حجره 82

مباحثه درس 83

فعالیت های فرهنگی در حجره 85

میز مطالعه 85

رادیو و تلویزیون 86

خواندن روزنامه و مجله 87

مراجعه به سایت ها 88

کارهای غیر معمول طلبگی 89

پلاس بودن در حجره های دیگر 90

ورزش در حجره 91

مهمان آوردن به حجره 92

تنها ماندن در حجره 94

نصب اطلاعیه بر در حجره 95

ص: 6

فصل سوم : رعایت بهداشت و تمیزی در حجره

تمیز و مرتب بودن 99

استفاده از عطر و خوش بوسازی حجره 10

گل در حجره 102

لباس ها 103

آینه 107

چوب رختی 108

وسایل خواب 109

حجره تکانی 111

سفره غذا 112

ظرف شستن 113

بیماری و تیماری 114

غسل 155

فصل چهارم : رعایت آداب و اخلاق در حجره

رعایت ادب و احترام 119

خرده فرهنگ ها در حجره 122

احترام به حساسیت های شخصی هم حجره ای 124

رو به قبله بودن 127

سلام کردن 129

ورود بی خبر یا سر زده به حجره 130

محترمانه با نام صدا کردن 132

غذا خوردن 133

الف) آداب غذا خوردن 133

ب) مقدار خوردن در سن جوانی (افراط و تقریط نکردن) 138

ص: 7

ج) همکاری در تهیه غذا و جمع کردن سفره 141

تنتقلات 144

سبزیجات و میوه جات 145

ترشیجات 146

مرباها 147

فصل پنجم: معنویت در حجره

عبادت در حجره 153

خواندن قرآن در حجره 155

نماز و نماز شب در حجره 158

توسل در حجره 162

مراقبت از نفس با هم حجره ای 167

منابع 169

معرفی کتاب های جدید 174

ص: 8

حجره نشینی فصلی از دفتر زندگی طلبگی است که با خاطره های بسیار تلخ و شیرینی که هرگز تکرار نخواهند شد، همراه است. حجره نشینی فرصت های زیادی برای طلبه ها ایجاد می کند و زمانی برای آموختن و یاد دادن است. در حجره اتفاق های زیادی می افتد که آینده بسیاری از طلبه ها را رقم می زند. این اتفاق ها جنبه آموزشی، تربیتی، سیاسی و فرهنگی دارد. کتاب «فرهنگ حجره نشینی»، تنها به آن چه در حجره اتفاق می افتد، می پردازد؛ تلاش دارد بیشتر از لحاظ اخلاقی، آدابی و تربیتی به موضوعات بنگرد و ادعا ندارد که همه اتفاقهای حجره را آورده است؛ بنابراین برای تکمیل شدن آن، علاقه مند به شنیدن پیشنهادها، مطالب و هم چنین خاطره های ریز و درشتی هستیم که با طرح و بازتاب آنها، سایر طلبه ها نیز می توانند از تجربه ها بهره مند شوند. امیدواریم ما را از نظرات خود محروم نفرمایید.

در پایان از پژوهشگر محترم جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای مهدی محمدی صیفار که این مجموعه را تدوین کرده اند و نیز از حجت الاسلام و المسلمین آقای کاظم علی محمدی که بازبینی و ارزیابی اثر حاضر را بر عهده داشتند، تقدیر و تشکر می شود.

مدیریت مطالعات و برنامه ریزی تهذیبی

معاونت تهذیب و تربیت حوزه های علمیه

خیلی ها، روزهای اولی که وارد حوزه شده و سپس در حجره ساکن می شوند، چنان حس غریبی پیدا می کنند که انگار در عالم برزخ گیر کرده اند. از خانواده جدا شده و اکنون در تنهایی خودشان به فکر عمیقی فرو رفته اند که تا به حال، کلاه خود را قاضی نکرده بودند. دیروز کجا و امروز کجا؟ آیا راهی را که انتخاب کرده ام، می توانم ادامه دهم یا نه؟

این افراد، بدون این که اطلاعات زیادی از حوزه داشته باشند در مقابل دو حال و هوای متفاوت قرار گرفته اند: حال و هوای دیروز و حال و هوای امروز.

دیروز به گونه دیگری مدرسه می رفتند، درس می خواندند، شیطنت و شوخی می کردند، خانه می رفتند و...؛ و امروز باید به گونه دیگری باشند، به گونه دیگری درس بخوانند، حساب شده تر شوخی کنند، دور از خانواده باشند.... سرانجام در تنهایی خودمان در حجره، چه تصمیمی باید بگیریم؟

بعضی ها دوست دارند فضای تازه ای که در حوزه و حجره، همراه با هم حجره ای های جدید ایجاد شده، تجربه کنند و اینکه از خانواده خود جدا

شده و تاحدودی فاصله گرفته اند، آن قدرها برایشان سخت و شکننده نیست که زود، قید همه چیز را بزنند و برگردند پیش پدر و مادر و خواهر و برادر. حجره و تجربه های زیاد آن، برای عده ای بسیار خوشایند و مبارک است. البته حجره را برای حجره و خاطره ها و تجربه های جدیدش نمی خواهند، بلکه هدف بالاتر و مقدس تری دارند. اینان آمده اند که بمانند، درس بخوانند، عالم شوند و تا جایی که توانش را دارند، خالصانه خدمت کنند.

اما بعضی ها همین که وارد حوزه و حجره میشوند و یکی دو روز در آن سپری می کنند، هوایی می شوند. هنوز تصمیم خود را نگرفته اند که بمانند یا بروند. طلبه بشوند یا نشوند. این چند روز ماندن، محض ارزیابی خود و حوزه برای ادامه راه است. هنوز کاسه چه کنم، چه کنم، دستشان گرفته اند و نمی دانند چه کنند.

بهتر است به اینان بگوییم هرچه زودتر انتخاب کنند؛ اما آگاهانه و با مشورت. زود تصمیم نگیرند، بلکه با چند نفر از اساتید، روحانیان و دوستان دلسوز مشورت کنند، بعد تصمیم درست بگیرند؛ چراکه با تصمیم درست، هم خود را راحت کرده اند و هم دیگران را.

عده ای نیز چنان وابسته خانواده هستند که پس از چند روز و بدون مشورت، کوله بار خود را جمع می کنند و برمیگردند به آغوش گرم پدر و مادر. این افراد، یا هنوز چندان مستقل نشده اند یا نیت دیگری در کار بوده است که خدا داند همان بهتر که راه خود را زود برگزیده اند.

و سرانجام بعضی ها نیز هستند که با وجود علاقه بسیار به تحصیل در حوزه، مانعی سر راه خودشان می بینند و آن، نارضایتی پدر و مادرشان

است. والدین آن‌ها به هر دلیل موجه یا ناموجهی راضی نیستند فرزندشان درس طلبگی بخواند. اینان در مرحله نخست لازم است رضایت پدر و مادر را با مهربانی و احترام فراوان و با دلایل قانع‌کننده، به دست آورند و اگر دیدند که به هیچ وجه نمی‌توانند والدین را راضی کنند و از طرف دیگر، خود به دروس حوزوی علاقه و استعداد دارند، در شرایط حاضر که نیاز به طلاب با استعداد و درس‌خوان فراوان است، شاید نیازی به رضایت والدین از لحاظ شرعی نداشته باشند. در زیر، فتوای بعضی از مراجع ذکر می‌شود. سؤال 1: جوانی هستم که مایلم در راه وظیفه و خدمت به مسلمین مشغول شوم و اکنون بین تحصیل در حوزه یا دانشگاه مردد می‌باشم. لطفاً با توجه به نیازهای کنونی کشور بفرمایید، کدام مسیر را انتخاب نمایم که رضایت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را جلب کرده باشم؟

پاسخ آیت الله العظمی بهجت رحمه الله: تحصیل در حوزه به رضایت آن حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف نزدیک تر است، ان شاء الله.

سؤال 2: آیا فراگیری و تحصیل علوم دینی در شرایط کنونی جامعه، واجب کفایی است یا واجب عینی؟

پاسخ آیت الله العظمی بهجت رحمه الله: به مقدار مورد مبتلای هر فردی در احکام شرعی و اعتقادات، واجب عینی است و اضافه بر آن کفایی است، که نسبت به افراد مستعد، با نبودن مجتهدین مورد نیاز و کافی در جامعه، واجب عینی می‌باشد (1).

ص: 15

سؤال 3: این جانب علاقه زیادی به طلبه شدن دارم و از رفتن به دبیرستان یا هنرستان نسبت به اخلاق خود بیم دارم؛ ولی پدر این جانب با طلبه شدن من مخالفت می کنند. لطفاً وظیفه این جانب را مشخص کنید؟

پاسخ آیت الله العظمی فاضل لنکرانی رحمه الله: در شرایط فعلی که نیاز به روحانی متعهد زیاد است، طلبه شدن شما بسیار خوب است؛ اما بهتر است رضایت والدین خود را جلب کنید و اگر آنها به هر صورت قانع نشوند، لازم نیست سخن آنها را اطاعت کنید؛ زیرا طلبگی به نحو واجب کفایی مطرح است و نیاز مبرم به روحانی ارزشمند وجود دارد. (1)

آیت الله بنابی، مدیر مدرسه ولی عصر شهرستان بناب درباره شرط رضایت والدین می گوید:

این يك مسأله فتوایی است و باید از مراجع محترم سؤال شود؛ اما آن طوری که از نظرات تعدادی از بزرگان به دست آمده، در مسائلی که به کمالات علمی و معنوی مربوط است، اجازه پدر شرط نیست. به ویژه این که یک وظیفه مهم بعد از تحصیل علم و معنویت برعهده طلبه است و آن این که نه تنها می خواهد خودش را به کمال برساند، بلکه می خواهد در جامعه هم به عنوان اسوه و سرمشق در آید. جامعه به چنین مهره هایی نیاز دارد. حال اگر جوانی می خواهد طلبه بشود و والدینش به طلبه بودن او روی خوشی نشان نمی دهند، به هر وسیله ممکن رضایت آن ها را جلب کند و اگر نتوانست، چاره ای نیست از این که خلاف میل آنان عمل نماید و در مواردی میشود به آیه شریفه (وَإِنْ جَاهِدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا) (2) نیز استناد کرد.

ص: 16

1- فاضل لنکرانی، جامع المسائل، ج 1، ص 598 .

2- اگر تو را وادارند تا درباره چیزی که تو را بدان دانشی نیست، به من شرك ورزی، از آنان فرمان مبر والی در دنیا به خوبی با آنان معاشرت کن.... (لقمان، آیه 15)

برخی از بزرگان عصر حاضر را می شناسم که والدینشان از طلبگی آن ها راضی نبوده اند، اما پیشرفت عالی داشته اند. مرحوم آیت الله شیخ محمد تقی بروجردی می گفت: «پدرم شدیداً با طلبه بودنم مخالف بود؛ ولی گویا در اواخر اظهار رضایت می کرد. بعد از وفات او را در رؤیا دیده و حالش را پرسیدم، با این که پدرم فرد متدینی بود، می گفت: مرا به جهت اینکه از طلبه بودن تو راضی نبوده ام، بازخواست می کنند!

پدر یکی از مراجع بزرگ - که مقلدین زیادی در داخل و خارج دارد - از طلبه بودن او راضی نبود؛ ولی با تلاش زیاد، درس های حوزوی را ادامه داد و الآن منشأ آثار و برکات است.

در این مورد خاطره ای در ذهن دارم که بد نیست آن را هم بگویم. شاید سال 1361 بود. آن موقع جوانان کم کم به حوزه ها روی آورده بودند. در مدرسه حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تبریز بودم. برخی جوانان از ارومیه آمده بودند تا طلبه شوند. از جمله ایشان جوانی بود که در عملیات بدر به فیض شهادت نایل آمد. انگیزه فوق العاده ای برای طلبگی در او می دیدم. تنها يك مشکل داشت و آن این که پدرش راضی نبود. پدرش می گفت: «اگر طلبه شوی، نامت را از شناسنامه ام پاک خواهم کرد!» من از يك سو به پاکی و انگیزه عالی این جوان نگاه کردم و دوست داشتم که به جرگه طلبگی در آید و از سوی دیگر عدم رضایت و امتناع شدید پدر او مسأله ساز بود. آن زمان آیت الله ملکوتی رحمه الله، نماینده حضرت امام قدس سره در تبریز بود. از مدرسه به ایشان زنگ زدم، جریان را به ایشان عرض کردم. در جواب گفت: «اسمش را بنویسید، عیبی ندارد. بگذارید طلبه بشود. اگر بنا بود رضایت پدر شرط باشد، بایستی خیلی از علما طلبه نمی شدند».⁽¹⁾

ص: 17

1- دیدگاه های تربیتی آیت الله بنابی مدیر مدرسه علمیه ولی عصر بناب، پایگاه اطلاع رسانی مدیریت مطالعات معاونت تهذیب و تربیت حوزه شناسه خبر: 14955 .

همه این‌ها، فایده اول حجره نشینی است: خلوت با خود، اندیشیدن درباره حال و آینده، مشورت، سبک و سنگین کردن، خالص کردن نیت و سرانجام تصمیم.

اما چه تصمیمی؟ کدام یک تصمیم درستی است: رفتن یا ماندن؟ رفتن از حوزه یا ماندن در آن، بستگی به هدف دارد. هدف از رفتن چیست، هدف از ماندن کدام است؟ کدام یک مقدس‌تر است؟ کدام یک امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را خشنود می‌کند و کدام یک مؤثرتر است؟

پس، از فرصت خلوت و تنهایی حجره استفاده کنیم و سرانجام تصمیم درستی بگیریم.

یکی از نوه‌های حضرت امام خمینی قدس سره نقل می‌کند:

«یک روز وارد اتاق امام قدس سره شدم، دیدم آقا مسیح، نوه امام هم پیش ایشان هستند. سلام کردم. امام جواب دادند و فرمودند: «بنشین»، نشستم. چند لحظه بعد رو کردند به مسیح و به او فرمودند: «اگر می‌خواهی در آن جهان سعادت مند باشی، برو آخوند بشو، که بتوانی همیشه از حق دفاع کنی و جلوی ناحق بایستی و از چیزی نترسی و به حق عمل کنی، حتی اگر برای خودت ناگوار باشد.» [\(1\)](#)

ص: 18

1- ستوده، پایه پای آفتاب، ج 1، ص 353؛ به نقل از رضا مصطفوی.

طلبه شدن، یعنی پا گذاشتن در طلب علم، تققه دین و تبلیغ آن، از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

(لَيْتَ السَّيَاطَ عَلَى رُتُوسِ أَصْحَابِي حَتَّى يَتَفَقَّهُوا فِي الْحَلَالِ وَالْحَرَامِ)؛ (1)

کاش تازیانه ها بر سر اصحاب من افراخته بود، تا این که در حلال و حرام تققه کنند.

حجره چیست؟

حجره در لغت عربی به معنای «غرفه»، یعنی «اتاق» است. لغت نامه دهخدا آن را چنین معنا کرده است: «پاره ای زمین دیوار در کشیده مسقف» و «در تداول فارسی زبانان، اطاق طلبه در مدرسه». (2) حجره اتاقی کوچک با معماری سنتی اسلامی است که معمولاً مساجد و بازارهای قدیم را به صورت حجره های گنبدی شکل، متصل و کنار هم می ساختند. طلاب برای اینکه بتوانند شب ها در جایی بمانند و درس بخوانند، در حجره های مساجد می خوابیدند. برای همین یکی از معضلات و مشکلات طلبه ها تهیه حجره بود.

مرحوم آقا نجفی قوچانی رحمه الله می گوید:

چند ماهی بود که جهت تحصیل به نجف اشرف مشرف شده بودم، ولی حجره پیدا نکردم و به ناچار در محل نامناسبی به سر می بردم تا اینکه طلبه ای اصفهانی عمویش نیز در نجف بود، جهت تحصیل به نجف آمد و از من اجازه خواست تا زمانی که عمویش برای او حجره پیدا کند، در آنجا بماند. پس از يك هفته، روزی با خوشحالی آمده و گفت: «عمویم برایم حجره پیدا کرده، به زودی به آنجا خواهم رفت».

ص: 19

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 1، ص 213.

2- دهخدا، لغت نامه ذیل واژه .

من کمی متأثر شدم از این که شش، هفت ماه است در يك زباله دانی با سختی به سر می برم و حجره مناسبی پیدا نکردم؛ ولی این آقا يك هفته نشده، عمویش برای او حجره پیدا کرده است. هنگام مغرب که برای اقامه نماز جماعت، پشت سر مرحوم آخوند خراسانی می رفتم، به در صحن که رسیدم، صورتم را به قبر مطهر علی علیه السلام کردم و با تندی گفتم: «تو به قدر يك عموکار از دستت بر نمی آید که حجره ای برای من پیدا کنی؟»

وارد صحن مطهر شدم، یکی از طلاب خراسانی گفت: «در مدرسه وقفی حجره ای در شرف خالی شدن است؛ از آخوند اجازه بگیر که تو در آن ساکن شوی!» و در فاصله کمی، سه نفر از فضلا همین مطلب را به من، گفتند؛ ولی چون افراد زرنگ تر و معروف تر از من بودند و مرحوم آخوند هم مرا نمی شناخت، من ناامید بودم از اینکه چنان حجره ای به من داده شود.

فردایش باز دیگری گفت و لذا من پس از درس، با کمال یأس مطلب را به عرض آخوند رسانیدم؛ ولی برخلاف انتظار، مرحوم آخوند با صدای بلند فرمود: «از این ساعت، هر حجره ای که در مدرسه وقفی خالی شد، در اختیار این آقا قرار گیرد.»

ناگهان شیخی آمده گفت: «حجره مال من است، بیا برویم آن را در اختیار بگذارم.» و بدین ترتیب من حجره دار شدم، ولی آن طلبه اصفهانی نه تنها عمویش برای او حجره پیدا نکرد، بلکه از نجف به اصفهان رفت و بالاخره معلوم شد که علی علیه السلام خیلی بیشتر از عموها کار از دستش بر می آید.» (1)

حتی بافت اصلی حرم امام علی علیه السلام در نجف نیز، در ابتدا برای حجره های طلبه ها و کلاس درس آن ها طراحی شده بود و به صحن غروی شهرت داشت. بعدها این بافت به شکل کنونی درآمد و مخصوص زائران شد. پس از سال ها که مدارس علمیه تأسیس گردید، از این معماری الگوبرداری

ص: 20

1- آقا نجفی قوچانی سیاحت شرق، ص 311 - 314 (با اندکی تلخیص).

کرده و هر مدرسه ای از چندین حجره کوچک ساخته می شد و محل اسکان طلبه هایی بود که بیشتر از روستاها و شهرهای مختلف، برای تحصیل علوم دینی به مدرسه می رفتند.

امروزه و به ویژه پس از انقلاب اسلامی، مدارس علمیه در مساحت‌های بزرگ و در چند طبقه ساخته می شود که دارای حجره های بیشتر است. نوع معماری این حجره ها مثل گذشته و به شکل سنتی نبوده بلکه معماری مدرن داشته و دارای امکانات گرمایشی و سرمایشی است.

در خاطرات حجت الاسلام والمسلمین قرائتی آمده است:

« سال های اول طلبگی ام در قم خواستم در مدرسه علمیه آیت الله گلپایگانی رحمه الله حجره بگیرم و درس بخوانم. گفتند: «به کسانی که لباس روحانیت پوشیده اند، حجره نمی دهند.» خودم خدمت معظم له رسیدم، ایشان نیز فرمود: «شما که لباس ندارید، معلوم است کم درس خوانده اید.» به ایشان عرض کردم: «گرچه به من حجره ندهید، ولی اجازه بدهید یک مثال بزنم!» اجازه فرمودند، عرض کردم: «می گویند فردی در کاشان به حمام رفت. وقتی لباس هایش را بیرون آورد، همه به او گفتند: «آه، آه! چه آدم کثیفی!» وقتی این برخورد را دید، دوباره لباس هایش را پوشید، خواست از حمام بیرون برود، مردم گفتند: «کجا می روی؟» گفت: «می روم حمام تا بیایم حمام!» (چون اگر کسی تمیز باشد که حمام نمی آید!) حال حکایت شماست که می گویند برو درس بخوان بعد بیا اینجا درس بخوان. روحانی شو، بعد بیا اینجا روحانی شو.» وقتی این مثال را زدم، معظم له خیلی خندید و فرمود: «به شما حجره می دهیم. شما اینجا بمانید.» (1)

ص: 21

حال که تصمیم درست گرفته اید و می خواهید لباس سربازی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را برتن کنید باید بدانیم:

معمولاً در هر حجره، چند طلبه تقریباً هم فکر و هم خوساکن می شوند که ماه ها و سال ها در آن، با هم زندگی می کنند و عبادت، خواب، خوراک آن ها در این مکان سپری می شود و این زندگی، برای سال های بعد خاطره ساز خواهد بود.

معمولاً طلبه هایی حجره نشیناند که اهل شهرستان بوده و شبانه روز در آن ساکن هستند. طلبه های اهل محل و متأهل، کمتر حجره نشینی را تجربه می کنند. آنان شاید شب ها به خانه بروند و روزها در حجره ساکن شوند.

بعضی از مدارس علمیه، شرایطی برای حجره گذاشته اند؛ از جمله: حق استفاده از حجره شبانه، مخصوص افرادی است که حداقل چهار شب از ایام هفته را در مدرسه تا صبح سپری کنند؛ یا شرط تهجد، قرائت قرآن، گناه نکردن در حجره و....

حجره نشینی از زیباترین و ماندگارترین خاطره های دوران طلبگی است که می تواند زمینه ساز و آغازی بر رشد علمی، فکری، معنوی و اجتماعی طلبه باشد و فرصتی طلایی برای خودسازی و تهذیب نفس ایجاد کند. اندکی غفلت از این دوران مهم، سبب از بین رفتن فرصت های طلایی فراوانی می شود که هرگز بر نخواهد گشت و چیزی جز آه و افسوس برای اشخاصی که قدر آن را ندانسته اند باقی نخواهد ماند.

البته این حرف ها بیشتر زمانی درک می شوند که دیگر در حجره نیستیم و به

یاد روزهای حجره نشینی، خاطره ها را از ذهن می گذرانیم. با این حال، هنوز هم می گوییم: تا در حجره هستیم، خوب درس بخوانیم، با قرآن و ادعیه مأنوس باشیم، قدر یک دیگر را بدانیم و بکوشیم رذایل اخلاقی را از خود بزدایم.»

روزی در محضر علامه جعفری رحمه الله بودیم که هنگام سخنرانی، خاطره شیرینی را برایمان نقل کرد و فرمود:

«روزی در جلسه ای، من، شهید بهشتی و تعدادی از بزرگان حضور داشتیم. در مجلس، عالم معنوی و راه رفته ای نیز بود. شهید بهشتی از وی پرسید: «شما چگونه به این مقام دست یافته اید؟» وی گفت: «وقتی سال های اول طلبگی بودیم، با خود می گفتیم چند سالی بگذرد، آدم می شویم. چند سال گذشت آدم نشدیم. با خود گفتیم: «حتما کتاب لمعه را بخوانیم، آدم می شویم. آن را هم خواندیم و آدم نشدیم.» گفتیم: «حتما رسائل و مکاسب بخوانیم، آدم می شویم؛ ولی باز نشدیم درس خارج هم خواندیم، آدم نشدیم.» گفتیم: «حتما ازدواج کنیم، نصف ایمانمان کامل می شود و نصف دیگر را با تلاش به دست می آوریم و آدم می شویم؛ ولی نشدیم. روزی به خود آمدم که ای داد بی داد! عمر نزدیک به فنا است. از آن روز تصمیم گرفتیم که آدم شویم.»

علامه جعفری در ادامه توضیح میدهند که وقتی آن عالم، داستان خود را نقل می کرد، شهید بهشتی آرام می گریست. [\(1\)](#)

به قول حافظ شیرازی که می گوید:

الا ای دولتی طالع که قدر وقت میدانی

گوارا بادت این عشرت که داری روزگاری خوش

حجره نشینی باعث شکل گیری دوستی های دیرپایی می شود که تا آخر عمر می تواند ادامه داشته باشد و این امر میتواند نقش مهمی در زندگی

ص: 23

1- به نقل از مؤلف، مدرسه علمیه حضرت ولی عصر تبریز، سال 1372.

آینده ایفا کند. آغاز رشد بسیاری از بزرگان علمی و اخلاقی، از دوران آغاز طلبگی و حجره نشینی بوده است.

شکل و ساخت حجره

حجره، مکانی به مساحت تقریبی 12 متر مربع یا کمی بزرگ تر یا کوچک تر است که اغلب برای زندگی 2 تا 5 نفر تدارک دیده شده است. بعضی از حجره ها، علاوه بر آن، پستویی نیز دارند که برای نگهداری وسایل شخصی استفاده می شود. شاید بهتر باشد بگوییم بعضی از حجره ها دارای اندرونی و بیرونی هستند.

بعضی از حجره ها پستو ندارند و فقط اتاقی است که در آن کمد دیواری تعبیه شده تا وسایل شخصی را بتوان در آن قرار داد.

اگر حجره دارای پستو است، وسایل شخصی، رختخواب، لباس ها،

وسایل پخت و پز، میوه و امثال این ها را باید به صورت منظم و مرتب در آن جا آن جا قرار داد و به اصطلاح اندرونی به همین منظور ساخته شده است؛ ولی اگر حجره، کمد دیواری دارد، ضمن اینکه وسایل خصوصی و شخصی خود را در آن جا قرار می دهیم، بکوشیم مرتب و منظم نگه داریم؛ چراکه معمولا کسانی که به حجره ما رفت و آمد دارند، متوجه نظم یا بی نظمی ما می شوند و از به هم ریختگی حس بدی پیدا می کنند.

کمد دیواری، ویرین شخصیت ماست، کمد به دیگران نشان می دهد چقدر در کار، درس و زندگی مان منظم هستیم و به تمیزی اهمیت می دهیم. هر وسیله ای را در کمد، در جای خود قرار دهیم و حتی به دیگران اجازه

ندهیم که نظم آن را به هم بزنند.

همچنین حجره را باید همانند خانه خودمان، بلکه بهتر از آن بدانیم و در نگه داری آن، از قبیل سالم نگه داشتن دیوارها، در و پنجره ها، بستوی حجره، فرش، موکت و ... بکوشیم؛ چراکه حجره از سهم امام ساخته شده و متعلق به صاحب ما، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است. باید از امانت خوب نگه داری کرد.

ترکیب هم حجره ای ها

با چه کسی هم حجره شویم؟ چرا باید در انتخاب هم حجره، دقت کنیم؟ هم حجره چه تأثیری در اخلاق و رفتار ما دارد؟ و سؤال های دیگری که معمولاً در انتخاب هم حجره ای با آن ها مواجه هستیم، ذهن ما را به خود مشغول می دارد.

انتخاب هم حجره ای از آن رو بسیار اهمیت دارد که در دوره نوجوانی یا جوانی هستیم و ویژگی این دوره آن است که عناصر شخصیتی و هویتی ما در حال شکل گیری است. در این سن، میزان تأثیر پذیری از هم سالان، به ویژه هم حجره ای ها بسیار بالا است. در دوره سنی نوجوانی و جوانی، هم انگیزه قوی برای تغییر اخلاق و رفتار خودمان داریم و هم زود تغییر و تأثیر می پذیریم؛ بنابراین باید دقت کنیم که چه کسانی در ما تأثیر خواهند گذاشت؛ چراکه تصمیم می گیریم برای مدتی هرچند اندک، با یک دیگر در یک حجره و اتاق زندگی کنیم؛ با اخلاق و رفتار هم آشنا شویم؛ خاطره هایی مشترک و ماندگار پدید آوریم و در طی این اتفاق ها، ناخودآگاه از هم تأثیر

پذیریم. شاید بتوانیم بگوییم که هم حجره ای در سرنوشت ما، تأثیر زیادی

ص: 25

دارد. گاهی یک هم حجره ای فاضل و درس خوان، باعث می شود پله های رشد تحصیلی و معنوی را طی کنیم و گاهی هم حجره ای ناباب ما را به سقوط می کشاند. پس لازم است اقدامات زیر را انجام دهیم:

1. از خداوند بخواهیم فردی را در هم حجره شدن نصیبمان سازد که در درس خواندن و رشد معنوی، نه تنها مانع نباشد، بلکه زمینه های رشد را نیز فراهم سازد. بکوشیم با افرادی هم حجره شویم که از لحاظ اخلاقی و رفتاری، فرهنگی و سطح تحصیل تقریباً شبیه هستیم؛
2. در انتخاب هم حجره ای از مسئولان مدرسه مشورت بگیریم؛
3. از طلبه هایی که سابقه بیشتری دارند، کمک بگیریم.

از آن جایی که طلاب تازه وارد (به اصطلاح مبتدی)، شاید نسبت به اهمیت هم حجره ای آشنا نباشند یا تجربه های لازم را در زمینه انتخاب هم حجره ای نداشته باشند، بعضی از مدیران مدارس علمیه، خود هم حجره ای ها را به فرد پیشنهاد می کنند.

آیت الله شیخ عبدالمجید باقری بنایی، مدیر حوزه علمیه شهرستان بناب، چنین بیان می کنند:

در مورد ترکیب حجرات که چه کسی با چه فردی هم حجره شود، دقت زیادی می کنیم. اگر قرار باشد انسان برای تدریس کتاب پیچیده ای، تلاش زیاد و دقت فراوان نشان دهد، ما بیش از آن مقدار در مورد هم حجره دقت به خرج می دهیم، ارزیابی می کنیم که اگر این چند نفر کنار هم باشند، آیا برای هم مفید خواهند بود یا نه؟ بعد از بررسی و سنجش، پیشنهاد می کنیم که آقای فلانی، این آقا با شما هم حجره خواهد شد، نظرتان چیست؟ البته

باید حوزه هم این ترکیب را تأیید کند. تنها رضایت خود طلبه کافی نیست. (1) بستگی به مساحت حجره و نیز تجربه های مدیریتی مدارس، تعداد افرادی که در یک حجره ساکن می شوند، تفاوت دارد. به طور معمول، افراد ساکن حجره از سه تا پنج نفر است که [در صورت سه نفره بودن] دو نفر آن ها تازه وارد (طلبه مبتدی) و یک نفر، طلبه ای است که سابقه بیشتری دارد و به عنوان مسئول، بزرگ تر و هماهنگ کننده حجره انتخاب می شود.

در برخی از مدارس علمیه، شورایی برای چینش ترکیب حجره ها تشکیل می شود که متشکل است از: مدیر، معاون تهذیب و آموزش، یکی از اساتید که انس بیشتری با طلاب داشته، یکی دو نفر از طلبه های پایه های بالاتر که مورد وثوق مدیر و طلبه های مدرسه است و شناخت بهتری نسبت به اکثریت طلبه ها دارند. این شورا پیش از شروع سال تحصیلی، اسامی طلاب را بررسی و بهترین پیشنهادها را برای ترکیب حجره ها و قرار گرفتن طلاب در کنار یکدیگر ارائه می کنند. (2)

آیت الله مکارم شیرازی در پاسخ به این پرسش که «در انتخاب هم مباحثه ای ها و هم حجره ای ها چه معیارهایی مهم است و چه شرایطی باید داشته باشند؟» می فرماید:

در این مورد علاوه بر تقوی، حسن شهرت، استعداد و خوش سلیقه بودن، هماهنگی سنی و درسی نیز ضروری است. در غیر این صورت با یکدیگر نمی جوشند و کم کم مشکلاتی هم ایجاد می شود. بنابراین هم طراز بودن از نظر

ص: 27

1- حسین خانی، نقش تربیتی مدیران در مدارس علمیه، ص 155.

2- وافی، نسیم هدایت، ص 178.

سن و سال و مسائل درسی را باید کاملاً مد نظر داشت. (1)

آیت الله سبحانی تبریزی نیز در پاسخ به همان سؤال می فرماید: باید بدانیم دو یا سه نفری که می خواهند در یک حجره باهم زندگی کنند، هرچه فرهنگشان به هم نزدیک باشد، بهتر است و قطعاً مشکلات کمتری پیش می آید. (2)

رازدار بودن هم حجره ای

زندگی چند نفر در یک حجره، به طور طبیعی آنان را از مسائل خصوصی یک دیگر آگاه می گرداند که لازم است پوشیده بماند و به کسی گفته نشود. رازداری، قانون نانوشته هم حجره بودن است و نامحسوس، مهر امین و امانت دار بودن بر پیشانی فرد زده می شود.

در رازداری دو چیز بسیار مهم است:

اول: حفظ اسرار دیگران: اگر کسی انسان را امین خود قرار داد و رازی را نزد او به امانت گذاشت، باید در حفظ آن کوشا بود. حتی اگر روزی دوستی میان این دو نفر به هم خورد و کار به دعوا، قهر و کینه و دشمنی کشیده شد، نباید راز را فاش گرداند.

در حدیثی از امیر مؤمنان علی علیه السلام آمده است:

(مَنْ أَفْشَى سِرًّا اسْتُودِعَهُ فَقَدْ خَانَ)؛ (3) کسی که رازی را به او سپرده اند، آن را فاش کند، خیانت کرده است.

دوم: حفظ راز خویشان: در دوست یا هم حجره بودن، باید اندازه را نگه

ص: 28

1- همان.

2- همان، ص 178-179.

3- تمیمی آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ح 4175.

داشت و هر حرف یا رازی را به دیگران نگفت؛ هر چند دوست بسیار

صمیمی باشد. بعضی از مسائل پنهان را باید در سینه دفن کرد امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمود:

(سِرُّكَ أَسِيرُكَ، فَإِنْ أَفْشَيْتَهُ صِرْتُ أَسِيرَهُ)؛ (1) راز تو اسیر توست، اگر آشکارش ساختی، تو اسیر آن شده ای.

شرط مقدس اردبیلی برای هم حجره شدن

مرحوم مقدس اردبیلی در حجره ای تنها زندگی می کرد. یکی از طلاب مدرسه مایل شد که با مقدس هم حجره باشد و در این باره با شیخ حرف زد. شیخ قبول نکرد. او زیاد اصرار و التماس نمود.

شیخ فرمود: قبول می کنم با این شرط که هر چه از حال من اطلاع پیدا کنی، به کسی نگویی و اظهار نکنی. آن مرد قبول کرد. مدتی با هم بودند تا آنکه زمانی رسید که هر دو مبتلا به تنگی معاش شدند؛ به حدی که قوت لایموت هم نداشتند و به کسی هم اظهار نمی کردند، تا آنکه آثار ضعف و ناتوانی از چهره آن مرد نمودار شد. در آن حال کسی از کنار آن مرد عبور کرد، حال او را دید و علت ضعف و بی حالی او را پرسید. او چیزی نگفت؛ ولی عابر زیاد اصرار ورزید و التماس نمود که علت را بگوید.

آن مرد قضیه را فاش کرد که ما دو نفر طلبه علم دین، مدت زیادی است غذا نخورده ایم. آن شخص تا مطلع شد. رفت غذایی تهیه کرده با مقداری وجه به آن طلبه داد و گفت: نصف این غذا و پول مال تو و نصف دیگر را

ص: 29

به رفیقت بده. وقتی که مقدس وارد حجره شد و آن‌ها را دید، سؤال کرد که از کجا رسیده. آن طلبه حکایت را نقل کرد. مقدس فرمود: دیگر هنگام جدایی ما شد. پس آن غذا را خوردند. اتفاقاً همان شب، مقدس محتلم شد. پس زود بلند شد، رفت حمام که به نماز شب برسد. در حمام بسته بود. حمامی در را قبل از وقت باز نکرد. مقدس به اجرت حمام افزود، باز قبول نکرد. آن قدر افزود که رسید به آن مقداری که از آن وجه سهمش شده بود. حمامی در را باز کرد، تمامی آن وجه را داده غسل کرد نماز شب را به جا آورد. (1)

فرصت های حجره نشینی

- حجره نشینی، هم نشینی با بندگان است که در جست و جوی رضایت الهی اند؛

- حجره نشینی بهترین زمان برای تحصیل علم و آراسته شدن به تقوا است .

شاید در زمان دیگری، هیچ گاه این فرصت به دست نیاید؛

- حوزه های علمیه خانه های امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف است و حجره ها اتاق های آن؛ پس حجره نشینی بهترین زمان ارتباط با صاحب خانه است.

- حجره نشینی، گشودن پنجره های نور و روشنایی بر روی دیدگان است؛

- حجره نشینی، نگاه به افق های روشن و تازه اندیشه است؛

- حجره نشینی، گامی در جهت تهذیب و پالایش نفس از رذایل است؛ - حجره نشینی، یافتن دوستان ناب و بی آرایش است؛

- حجره نشینی، فرصتی برای ارتقای مهارت های فردی و اجتماعی در

ص: 30

1- حسینی، مردان علم در میدان عمل، ج 1، ص 78 .

- حجره نشینی، فرصتی برای درست ساختن و شکل دادن به شخصیت خود است؛

- حجره نشینی، مقطعی برای دفع رفع و جذب است؛ دفع و رفع بدی ها و زشتی ها و جذب خوبی ها و نیکی ها؛

- حجره نشینی، فرصتی برای ارتباط است؛ ارتباط درست با دیگران، با

مردم، با دوستان، با خانواده و خویشان، و حتی با خود و سرانجام با صاحب و ولی نعمتman؛

- حجره نشینی، فرصتی برای همدلی و یاری کردن دیگران است؛

- و حجره نشینی....

بیاید قدر حجره نشینی را بدانید و فرصت های ناب آن را از دست ندهید. با کسانی که شما را به یاد خدا می اندازند، بر تقوای شما می افزایند، انگیزه طلبگی را تقویت می کنند، در راه علم اندوزی استوار هستند، با خدا نجواها دارند و به ائمه تمسک می جویند، طرح دوستی بیندازید و بر آن عهد و پیمان تا ابدالدهر بمانید .

تغییر حجره

گاهی اتفاق می افتد که طلبه ای با دیگر هم حجره ای ها سازگاری ندارد و ادامه آن وضعیت، برای همه سخت و مشکل است. تغییر حجره، یکی از راهکارهایی است که می تواند این وضعیت را دگرگون کند. البته تغییر حجره، باید آخرین راه حل برای برطرف کردن مشکل میان هم حجره ای ها باشد. آنان باید بتوانند

تا آن جایی که می‌توانند با یک دیگر مدارا کنند و گاهی از خواسته‌های خود بگذرند. با صبر و تحمل و ارتقای مهارت‌های ارتباطی، امکان حل مشکل وجود دارد؛ ولی زمانی که دیگر هیچ راهی برای ادامه باقی نمانده است، با مشورت مدیر مدرسه، می‌توان حجره را تغییر داد.

یکی از مشکلات شایع در مدارس، تغییر و جابه‌جایی مکرر حجره است که بیشتر به دلیل ضعف در مهارت‌های ارتباطی و آداب معاشرت افراد رخ می‌دهد. نظر به اینکه هر جابه‌جایی می‌تواند آسیب‌ها و پیامدهایی با خود به همراه داشته باشد و تا فرد با حجره و هم‌حجره‌ای‌های جدید انس بگیرد و با خلق و خو و سلیقه و منش آنها آشنا شود و خود را با آن‌ها همراه کند، ممکن است انرژی روانی و وقت زیادی صرف کند؛ بنابراین شایسته است فرد از همان اول، در انتخاب حجره و هم‌حجره‌ای دقت کند و با یادگیری و ارتقای مهارت‌های بین‌فردی خود، زمینه بروز تنش و اختلاف سلیقه را به حداقل برساند.

آیت‌الله بنایی در خصوص تغییر حجره می‌گوید:

اگر طلبه‌ای در يك حجره موفق است؛ یعنی از نظر فکری، اخلاقی و درسی و آداب در سطح خوبی قرار دارد، تغییر حجره او صلاح نیست؛ چرا که ثبات روحی وی را از بین برده و او را متزلزل می‌کند؛ اما اگر ثابت شود که طلبه در این حجره موفق نیست یا با هم‌اتاقی‌هایش نمی‌تواند بماند و یا به درس و اخلاقش نمی‌تواند برسد و... در این صورت جابه‌جایی او مطلوب است. اما اینکه براساس چه معیارهایی تصمیم گرفته شود، باید دید این طلبه با روحیات خاصش، در کدام حجره پیشرفت خواهد کرد. گرچه تنوع هم در کنار اهداف می‌تواند قرار گیرد و هیچ عیبی هم ندارد؛ اما يك چیز را باید مد نظر

قرار داد و آن اینکه نباید جابه جایی يك طلبه، تبعات منفی داشته باشد. برای مثال، در مدرسه جو ایجاد شود که مگرچه شده، فلانی را از آن جا در آوردند و به حجره دیگری بردند؟ مگر هم حجره ای هایش چگونه بودند؟ این تبعات، شخصیت هم حجره ای های قبلی او را مخدوش می سازد. براین اساس، باید در این تغییرات، دقت و ظرافت زیادی به خرج داد. (1)

ص: 33

1- حسین خانی نقش تربیتی مدیران در مدارس علمیه، ص 155 - 156.

گفته شد که در هر حجره ای، چند نفر طلبه ساکن می شوند که معمولاً یکی از آنها از همه بزرگ تر یا از لحاظ درسی، چند سال بالاتر است. طبیعی است که طلبه های تازه وارد او را بزرگتر خود در حجره دانسته و به حرف او گوش کرده یا از تجربه های او استفاده کنند. بعضی از مدیران با بهره گیری از تجربه های مدیریتی خود در حوزه، این ترکیب را در حجره ها مراعات کرده و فردی را که از لحاظ سنی، بزرگ تر و از لحاظ درسی، سطح بالاتری دارد و اخلاقی و دلسوز می باشد، به عنوان مسئول حجره برمی گزینند تا رابط مدیر حوزه با طلبه ها شوند.

آیت الله باقری بنابی می گویند:

در هر حجره، يك نفر را به عنوان مسئول حجره انتخاب می کنیم تا بین دو یا سه نفر دیگر هماهنگی ایجاد کند. نظر این است که او به عنوان امین ما در حجره بوده باشد و به هم حجره ای هایش خط و جهت بدهد؛ به ویژه این که در این مورد حدیث شریفی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است که اگر دو نفر هستید، یکی را به عنوان امیر برگزینید. (1)

ص: 37

1- دیدگاه های تربیتی آیت الله بنابی مدیر مدرسه علمیه ولی عصر بناب، پایگاه اطلاع رسانی مدیریت مطالعات معاونت تهذیب و تربیت حوزه، شناسه خبر: 14955.

مسئول حجره می تواند وظایف زیر را به خوبی ایفا کند:

1. برخی از مشکلات حجره یا فرد را به گوش مسئولان برساند؛

2. در مواردی، واسطه میان مدیر و طلبه ها می شود .

3. میان هم حجره ای ها هماهنگی برقرار کرده و بعضی از اختلاف ها را رفع نموده و از ایجاد تنش ها جلوگیری کند؛

4. به مشکلات درسی طلبه های تازه وارد رسیدگی نماید؛

5. وظایف هر یک از هم حجره ای ها را برای ایفای مسئولیت در حجره تعیین کند؛

6. در صورت کوتاهی از انجام مسئولیت ها، تذکر دهد؛

7. تجربه های تحصیلی و بهره گیری از معنویات را به آنها گوشزد نماید؛

8. از بروز احتمالی برخی آسیب های فردی و گروهی جلوگیری کند؛

9. مشکلات درسی، اخلاقی و مالی هم حجره ای ها را به صورت خصوصی با مدیر در میان بگذارد تا طلبه عزت نفس خود را با درخواست خدشه دار نکند.

از طرف دیگر، بقیه هم می توانند در مدیریت حجره یاری کنند و اجازه

کنند ندهند، اوقات طلاییشان هدر برود یا نظمشان به هم بریزد. «سعی حجره نشینی تان را مدیریت کنید. مدیریت حجره نشینی، اول از همه گنجاندن همه ضرورت های حجره نشینی در حجره است. شما در حجره نشینی هم به خلوت، نیاز دارید و هم به جلوت هم به لحظه های تنهایی و هم به لحظه های در جمع بودن. هم به مطالعه نیازمندید و هم به گعده. در عین حال، به گعده های مفید نیازمندید تا گعده های پر از لغو و بیهودگی و احیاناً گناه. سعی کنید مهار حجره نشینیتان را خودتان در دست بگیرید و نگذارید افسار

از دستتان در برود؛ که این اسب، بیش از اندازه چموش و کنترل ناشدنی است و اگر گریخت، به سادگی در کمند نمی افتد.» (1)

بنابراین پیشنهاد می شود با صراحت لهجه و در عین عطف، مهربانی و انعطاف، نظر خود را بیان کنید.

قوانین حجره

حجره نشینی قوانین نانوشته ای دارد که پس از مدتی طلبه ها با آن قوانین، خود به خود آشنا می شوند. البته ممکن است این قوانین از مدرسه ای به مدرسه دیگر یا از شهری یا استانی به شهر و استان دیگر فرق کند؛ ولی مهم توجه به آن ها و رعایت حال هم حجره ای ها است؛ چراکه اذیت کردن دیگران، موجب سلب توفیق در درس و معنویت است.

معمولاً هم حجره ای ها در کارهای حجره، از قبیل تمیز کردن حجره، شستن ظروف، غذا پختن یا گرفتن، خرید و امثال اینها تقسیم کار کرده و باهم همکاری می کنند. بهتر است ما نیز مسئولیت پذیر بوده و گوشه ای از کارها را به دست گیریم و بار خود را بر دوش کسی نشویم.

موارد زیر را می توان بعضی از قوانین نانوشته حجره به شمار آورد:

مسئولیت پذیری، نظم پذیری، دعوت کردن مهمان در وقت مناسب یا مورد توافق، شب نشینی ها و گعده گیری های به موقع، زمان خواب، بیدارباش، احترام به حقوق شخصی (دست زدن به وسایل شخصی) هم حجره ای ها، سر و صدا نکردن، جمع کردن سفره، رعایت مسائل اخلاقی یا آداب معاشرت، خواندن

ص: 39

1- دیانی، خوش بیاسای زمانی، چند پیشنهاد برای اهالی حجره مجله حاشیه، شماره صفر، ص 83.

قرآن و حدیث یا خواندن برخی از کتابهای، اخلاقی پرهیز از غیبت و غیره. (1) قوانین حجره را خود هم حجرهای ها برای آسایش خود قرار داده اند تا با خیال آسوده درس بخوانند و از مزاحمت های بیجا جلوگیری نمایند؛ قوانینی که بیش از آن که دستوری باشد، اخلاقی است و البته، طلبه باید به مسائل اخلاقی بیش از دیگران حساس باشد و آنها را رعایت کند. با رعایت قوانین حجره در مقیاس کوچک، ما خود را برای مسئولیت پذیری، نظم پذیری و احترام به حقوق دیگران را در مقیاس بزرگ، یعنی جامعه آماده می کنیم. کسی که به حقوق دیگران اهمیت نمی دهد، به طور حتم، در آینده نیز چنین خواهد بود.

وسایل مشترک و شخصی

* وسایل مشترک و شخصی (2)

به طور کلی، وسایلی که در حجره وجود دارند میتوان به وسایل مشترک میان هم حجره ای ها و وسایل اختصاصی هر طلبه تقسیم کرد. وسایلی که به صورت مشترک در حجره استفاده می شود، عبارتند از: فرش یا موکت، پستی، اجاق گاز یا گاز پیک نیک، (3) چوب رختی، کتابخانه، پرده، سفره و.... درباره نگه داری وسایل مشترک، همه هم حجره ای ها مسئول هستند؛ حتی نسبت به وسیله ای که هم حجره ای آورده و دیگران نیز استفاده می کنند.

ص: 40

1- هر یک از موارد را در صفحه های بعدی توضیح خواهیم داد.

2- شاید این بحث، پیش پا افتاده به نظر آید و گفته شود که همه حتی نوجوانان این چیزها را میدانند و نیاز به گفتن نیست؛ ولی تکرار این دانسته ها خالی از فایده نیست و حداقل می تواند برای آنانی که می دانند، یادآوری باشد. البته گاهی مشاهده شده که برخی نیز به این مسأله کم اهمیت میدهند و رعایت نمی کنند.

3- در بعضی از مدارس آشپزخانه مشترکی در مدرسه یا در هر یک از سالن ها یا طبقه های مدرسه وجود دارد که طلبه ها از آنها استفاده میکنند در چنین مواردی همه باید احساس مسئولیت کرده و با تقسیم کار درست، آشپزخانه را بهداشتی و تمیز نگه دارند و از وسایل موجود در آن، مراقبت نمایند.

وسایل اختصاصی هر طبقه، به خود او اختصاص دارد و دیگران به هیچ عنوان مجاز به استفاده نمی باشند مگر اینکه اجازه گرفته یا اجازه ضمنی داشته باشند. برخی از وسایل شخصی را نمی توان حتی با اجازه هم حجره ای استفاده کرد؛ زیرا از لحاظ بهداشتی و سلامت، کار درستی نیست؛ مثل استفاده از مسواک شانه حوله و... اما بعضی از وسایل چنین نیستند و در صورت اجازه داشتن، مشکلی در استفاده پیش نمی آید؛ مانند کیف، وسیله نقلیه وسایل، تحریر کتاب و امثال این ها.

هم حجره ای ها در نگه داری از وسایل مشترک و شخصی خود و دیگران، باید کوشا بوده و آنها را از گزند تلف شدن، ریخت و پاش شکستن و اسراف شدن مواظبت کنند.

چینش وسایل حجره

چینش وسایل حجره، بستگی به شکل ساخت آن دارد. اگر حجره، دارای پستوی طبقه بندی شده یا کمد است، می توان وسایل شخصی را در آنجا به صورت منظم قرار داد و اگر حجره، پستو نداشته و فقط کمد دیواری طبقه بندی شده دارد، جادادن وسایل شخصی در آن مناسب است. چه در پستو و چه در کمد جای خاصی برای هر یک از افراد حجره مشخص شود. بعضی از وسایل مشترک را می توان در پستویا داخل کمد قرار داد؛ مثل گاز پیک نیک جارو، سفره و.... برخی از آن ها که پیوسته در حال استفاده است همانند پستی، پتو و مانند آن، در جایی مناسب از حجره گذاشته یا پهن شود تا مورد استفاده قرار گیرد با آنکه چینش وسایل سلیقه ای است؛

ولی توجه به نکته های زیر مهم به نظر می رسد :

1. داشتن توافق هم حجره ای ها در نحوه چینش وسایل مشترک و شخصی و احترام به توافق؛

2. رعایت نظم و ترتیب در چینش وسایل؛ به طوری که به هم ریخته نباشند. به هم ریختگی وسایل یکی از هم حجره ای ها، نظم و ترتیب بقیه را نیز به هم میزند و اگر این کار ادامه یابد یا موجب اختلاف خواهد شد یا اینکه بی نظمی حاکم می شود .

3. هر از گاهی، جای قرار دادن وسایل را با توافق یک دیگر تغییر دهیم تا حجره از یک نواختی درآید .

ساعت خاموشی و بیدارباش

شاید بعضی از مدارس، ساعت خاصی را برای خاموشی چراغ ها و خواب یا بیداری اعلام کنند و شاید هم حجره ای ها خود تصمیم بگیرند که ساعت خاموشی یا بیدار باش معینی داشته باشند؛ به هر حال، آن چه برای یک طلبه مهم است، خوابیدن به موقع و بیدار شدن به موقع است.

تعیین زمان مناسب برای خواب، آثار جسمی و روحی فراوانی به دنبال دارد. آنان که - همچون پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله وسلم - بخشی از شب را به عبادت و شب زنده داری اختصاص می دهند، می کوشند زمان خواب خود را به تأخیر نیندازند تا جسمشان قوت و نشاط لازم برای بیداری در بخشی از شب را داشته باشد. این مهم در سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله وسلم نیز به چشم می خورد. بنابر روایت نقل شده از برخی همسران پیامبر، آن حضرت اول شب را برای خواب و استراحت خود

بر می‌گزید و بعد از مقداری استراحت بر می‌خاست و به تهجد مشغول می‌شد. (1) طلبه در سن جوانی است و این سن اقتضا دارد که خواب کافی داشته باشد. بیداری تا دیروقت به هر دلیلی مخل آسایش شبانه و رسیدگی به تکالیف روزانه است. هر کس به موقع بخوابد و خواب کافی داشته باشد، هم برای تهجد شبانه بیدار میشود هم صبح سر حال و شاداب به درسهایش میرسد و هم به سلامت جسمی خود کمک کرده است. در طول روز نیز میتوان پیش از اذان ظهر اندکی استراحت کرد؛ همان خواب قیلوله که مستحب بوده و طلاب با آن آشنایی کامل دارند.

اگر هم حجره ای ها باهم تصمیم بگیرند که دیروقت نخوابند، احتمال التزام شان التزام شان به این قانون، بیشتر خواهد بود. مهم تصمیم و سپس عمل به آن است. بنابراین اجازه ندهید عده ای تصمیم جمعی شما را با گعده گیری و شب نشینی بی مورد، بی اعتبار سازند. حتما بر تصمیم خود اصرار ورزید تا دیگران نیز یاد بگیرند. دیدن برنامه های تلویزیون (در صورت داشتن) یا گوش کردن به رادیو یا هر چیزی که برنامه را به هم بزند و اجازه ندهد زودتر استراحت نمایید، حتما تعطیل کنید.

نظم و نظم پذیری

همه این کلام نورانی امیر مؤمنان علی علیه السلام را شنیده ایم که در واپسین لحظه های عمر مبارک خویش، فرزندان را به رعایت نظم وصیت میکنند و می‌فرمایند:

(أَوْصِيكُمْ بِتَقْوَى اللَّهِ وَنَظْمِ أَمْرِكُمْ) (2) شمار را به تقوای الهی و رعایت نظم سفارش می‌کنم.

ص: 43

1- جباری خواب و استراحت در سیره نبوی، مجله معرفت، ش 114، سال 1386 .

2- نهج البلاغه، نامه 47 .

سیره پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و ائمه علیهم السلام همواره بر اساس نظم بود و کسانی که در زندگی فردی و اجتماعی خود موفق بوده اند، یکی از عوامل آن را رعایت نظم می دانند بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران حضرت امام خمینی که پرورش یافته مکتب اهل بیت علیهم السلام است از سنین جوانی همگام با پرورش ابعاد مختلف کمالات روحی و اخلاقی از نظم برای استفاده بیشتر از اوقات عمر خویش بهره می بردند؛ به گونه ای که با تهیه و تنظیم یک جدول شبانه روزی تمام کارهای خود را براساس آن جدول انجام می دادند و تا آخرین روزهای زندگانی خود به آن برنامه پای بند ماندند. آثار نظم در زندگی امام خمینی چنان بود که بعضی از شاگردان ایشان برکات عمر شریف امام را حاصل نظم دقیق ایشان دانسته اند. (1) مشهور است که بعضی از طلاب نجف اشرف در آن چند سالی که ایشان در نجف بودند، ساعت های خود را روی رفت و آمد ایشان به درس و تشریف آن مرحوم به حرم مطهر امیرالمؤمنین علیه السلام در شب ها تنظیم می کردند. (2)

بنابراین لازم است هم حجره ای ها برای پیشرفت در درس و معنویت، نظم داشته و در حجره به آن پایبند باشند. وقت خواب، بیداری، غذا خوردن، استراحت، گعده گیری، درس خواندن، ورزش کردن یا هر چیز دیگری باید با برنامه باشد. شاید طلبه ای در عمل، خود را به نظم ملتزم نداند و برنامه منظمی نداشته باشد؛ ولی او باید بداند که در جمع زندگی می کند و علاوه بر خودش،

ص: 44

-
- 1- ر.ک: سعادت مند درس هایی از امام، نظم و قانون گرایی، ص 7. توصیه می شود این کتاب را برای آگاهی از سیره امام درباره نظم و همچنین کتاب نظم و انضباط، تهیه و تدوین مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما را بخوانید.
 - 2- مجله حوزه، شماره 37-38، مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین سید هاشم رسولی محلاتی .

رفتار او دیگران را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. در چنین مواقعی، کل برنامه دیگران به هم می ریزد و نوعی بی نظمی و شلختگی به وجود می آورد.

طلبه ای که بینظم و نامرتب است و خود را پای بند قوانین حجره نمی داند، در آینده نیز چنین خواهد بود و هر کجا مسئولیتی داشته باشد، فراتر از قانون عمل خواهد کرد؛ زیرا از جوانی که دوره شکل گیری شخصیت انسان است، به بی نظمی عادت کرده و دوباره سخت است در میان سالی، شیوه خود را تغییر دهد؛ گرچه ناممکن نیست.

در حجره نامرتب، هیچ یک از وسایل مشترک و شخصی در جای خود نیستند. گاهی لباس ها، جای کتاب ها و کتاب ها، در جای ظروف قرار

دارند. لباس ها به هم ریخته و کثیف هستند. شاید منطبق چنین فردی، این سخن مشهور و غلط باشد که: «نظم ما در بی نظمی ماست»؛ ولی زندگی بزرگان دین و دانشمندان سرآمد، برخلاف این سخن است و کسانی که به موفقیت هایی دست یافته اند، یکی از عوامل موفقیت شان را داشتن نظم و انضباط برشمرده اند.

شاید عده ای معتقد باشند که وجود نظم دقیق و خلل ناپذیر در زندگی، خود ملال آور است؛ پس گاهی باید با بی نظمی رفتار کرد تا از یک نواختی درآمد. می توان گفت خود این نوع رفتار، تابع نظم است؛ یعنی فردی در طول یک ماه برنامه منظمی داشته و طبق برنامه نیز، در یک روز نظم همه برنامه ها را به هم ریخته و به گونه دیگری عمل می کند و این سیر هم چنان ادامه دارد. علاوه راه های دیگری برای ایجاد تنوع در برنامه ها وجود دارد

که شاید هر فردی بهتر بتواند تشخیص دهد؛ ولی باید توجه داشت که بعضی از برنامه‌ها (مثل برنامه‌های درسی روزانه) در اختیار فرد نبوده و طبق روال تعیین شده مدرسه علمیه انجام میشود؛ بنابراین در برنامه‌هایی که در اختیار ماست یا خللی در برنامه‌های درسی ایجاد نمی‌کند، می‌توان تغییراتی به وجود آورد؛ مثل ورزش، گعده‌گیری یا هر برنامه‌جانبی دیگر.

به منظور داشتن یک برنامه منظم لازم است جدولی تهیه کنید و ساعات شبانه روز و ایام هفته را (به ترتیب در ستون افقی و عمودی) یادداشت کرده و برای هر ساعتی در هر روز از ایام هفته، کار و برنامه مناسب را در آن یادداشت نمایید. مثلاً چه ساعتی از خواب بیدار شوید؛ ساعتی را به نماز و نرمش و صرف صبحانه و دیگر کارها اختصاص دهید؛ ساعت‌های درس، کلاس، مطالعه، استراحت، نظافت و... را نیز دقیق در جدول بنویسید و خود را موظف کنید طبق جدول پیشنهادی خود که متناسب با توانایی‌های خودتان است، عمل کنید

تقسیم کار

امام علی علیه السلام در عهدنامه معروف مالک اشتر، جامعه را متشکل از گروه‌ها و طبقه‌های گوناگونی می‌داند که زندگی برخی جز با کمک برخی دیگر سامان نمی‌یابد. حضرت ضمن تأکید بر نقش اساسی تقسیم کار در تنظیم اجتماعی، طبقه‌ها و گروه‌های اجتماعی را بر اساس نوع کار و نیز ضرورت کارکرد و آثار و نقشی که فعالیت هر گروه برای تداوم نظام اجتماعی دارد، دسته‌بندی می‌کنند و به کارگزار خود یادآور می‌شوند که اهمیت و منزلت

هریک از این گروه های اجتماعی را به منظور دست یابی به یک نظام باثبات و منظم مورد توجه قرار دهد. این امر در مقیاس کوچک حجره نیز مصداق دارد و برای اینکه کارها به صورت منظم و سامان مند پیش برود، چاره ای جز تقسیم کار وجود ندارد.

زندگی گروهی در یک جا، مستلزم همکاری و تقسیم کار است. تاروح تعاون و همکاری میان هم حجره ای ها حاکم نباشد، حجره نشینی نیز در صلح و صفا و صمیمیت نخواهد بود. اگر هم حجره ای ها تصمیم گرفته اند که هر کدام، بخشی از کار حجره را عهده دار شوند، بهتر است تبدلی نکرده، مسئولیت پذیر بوده و کار خود را به نحو احسن به سرانجام برسانند. بی نظمی یک نفر در حجره کارهای بقیه را با مشکل مواجه می سازد.

تیم فوتبالی را در نظر بگیرید که ده بازیکن آن با تیم همراه هستند؛ ولی یک نفر هنگام بازی، هرگونه که خود بخواهد بازی می کند. گاهی توپ را پاس می دهد و گاهی تک روی کرده، فرصت های گلزنی تیم خودش را از دست می دهد. چنین کسی با آنکه یک نفر از یازده نفر است؛ ولی کل تیم را زمین گیر می کند و بقیه بازیکنان روحیه خود را از دست داده و نمی توانند آنگونه که باید، تکنیک های مربی را در زمین به اجرا درآورند. نتیجه چنین بازی ای از قبل قابل پیش بینی است. به احتمال زیاد، این تیم خواهد باخت.

شستن ظرف ها، گرفتن غذا از آشپزخانه مدرسه، تهیه نان یا خرید سایر اقلام مورد نیاز از بیرون، پختن غذا، مرتب، منظم و تمیز کردن حجره (از قبیل جارو کردن، پاک کردن شیشه پنجره، مرتب کردن قفسه کتابخانه و

کتاب ها، مرتب کردن پستوی حجره، تمیز کردن سفره و...) و کارهای دیگر، از جمله مواردی هستند که در یک حجره انجام می شود و انجام دادن این کارها، نیاز به تقسیم کار دارد؛ چراکه یک نفر، هیچ گاه فرصت نمی کند این همه کار را به تنهایی انجام دهد. همیشه بین هم اتاقیان و مهمانان قرعه می انداخت تا مشخص کند چه کسی باید چایی درست کند، روزی به او شک کردم بعد از قرعه، کاغذها را از دستش گرفتم. دیدم نام خودش را نوشته، از آن به بعد، به عنوان حق السکوت نام من را هم نمی نوشت، در عوض نام برخی از دوستان را دوبار می نوشت. چیزی نگذشت که دستمان رو شد. (1)

بعد از اینکه کارها میان هم حجره ای ها تقسیم شد، هر کسی باید به وظیفه خود عمل کند تا بقیه نیز بتوانند به کارهای خود برسند. فرض کنید اگر طلبه ای تنبلی کرده و مسئولیت خود را که پختن غذا یا گرفتن غذا از آشپزخانه است، به خوبی ایفا نکند، آنگاه چه اتفاقی خواهد افتاد؟ شاید به نظر ساده بیاید؛ ولی مسأله آن است که برنامه دیگران را به هم خواهد ریخت و این یعنی مراعات نکردن حق الناس.

در صورتی که در اجرای کارهای حجره، با یک دیگر اختلاف داشتید، بهتر است با مهربانی، گفت و گو و مذاکره کنید و به توافق برسید. می توان حرف های مسئول حجره را به عنوان بزرگ تر، فصل الخطاب دانست و اگر با او نیز اختلاف دارید، از مدیر مدرسه یا هر کسی که هم حجره ای ها، حرف او را می پذیرند، کمک بگیرید. انعطاف داشتن و حتی با بزرگواری از حق خود

ص: 48

گذشتن و ایثار کردن در چنین مواقعی، خوب و سازنده است. ایثار کنیم تا دیگران نیز، ایثار را از ما یاد بگیرند. شاید بگویید حق گرفتنی است و باید آن را گرفت؛ ولی در رفتار با هم حجره ای، گذشت و ایثار اولویت داشته و از اخلاق والای اسلامی به شمار می رود، به سبب وجود مشکلات کوچک، دوستی خود را با هم حجره ای به هم نزیم و ضعف های او را برای رضای خدا تحمل کنیم تا سعه صدر بیابیم.

روحیه بعضی از افراد به گونه ای است که تن به هیچ کار جمعی نمی دهند و هر مسئولیتی به آنها سپرده شود، بر زمین خواهد ماند. چنین افرادی یا باید خود را به تدریج تغییر دهند و در همان حال، دیگران آنها را تحمل کنند و شاهد پیشرفت در تغییر آنان باشند یا اینکه تنهایی زندگی کنند؛ ولی طلبه ای که می خواهد در آینده، برای مردم و نظام اسلامی مفید باشد، لازم است از دوران حجره نشینی، همکاری با جمع و کار تیمی را یاد بگیرد. تقسیم کار در حجره، آموزش یک کار تیمی منسجم است که در زندگی آینده فردی و اجتماعی، فواید بسیاری دارد. هر از گاهی، تغییر مسئولیت ها در تقسیم کار، ضمن این که موجب آشنایی با کارهای مختلف (هر چند ساده) می شود ایجاد تنوع نیز هست و مسئولیت را از یک نواختی در می آورد.

در این میان، طلابی هستند که علاوه بر انجام مسئولیت های خود، گاهی خالصانه کار بقیه را نیز انجام می دهند و حتی لباس های دوستان و هم حجره ایهای خود را هم می شویند. چه بسیار طلابی که نیمه شب در کنار مطالعه و مباحثه و نماز، به نظافت راهروها، آشپزخانه، مدرس ها (کلاس درس)

یا جاهای دیگر می پردازند، بدون آنکه کسی آنها را ببیند یا بشناسد.

آیت الله محسنی ملایری (متوفی 1416ق) نقل می کند:

مرحوم پدرم آیت الله میرزا ابوالقاسم ملایری با مرحوم آیت الله میرزا علی آقای قاضی ملازم بود و وقتی به نجف رفته بودم، مرحوم آقای قاضی فرمودند: پدر شما به ما خیلی نزدیک بود. ما برای هم دیگر غذا می بردیم و لباس هم دیگر را می شستیم. حالا آن حق برگردن ما باقی است و تا شما در نجف هستید، غذای ظهرتان به عهده من است. از فردا دیدم ایشان در حالی که دو قرص نان و قدری آبگوشت پخته در میان سفرهای با خود آورد و پس از آن اصرار و الحاح از من خواستند لباس هایی را که نیاز به شست و شو دارد، به او داده تا معظم له آن را بشوید! من ابتدا ابا [امتاع] کردم؛ ولی اطرافیان فهماندند که حداقل یک دستمال کوچک هم که شده، بدهید ایشان بشویند، والا آقای قاضی ناراحت می شوند. من ناچار شدم چند قطعه لباس خود را برای شست و شو به او بدهم. (1)

خرج مشترک

شهریه اندک و بابرکتی که طلاب از مراجع عظام تقلید، برای گذران زندگی روزمره خود می گیرند، معمولاً خرج خرید کتاب، خورد و خوراک و ضرورت های دیگر می شود. هم حجره ای ها در زندگی جمعی، خرج های مشترکی دارند که باید به طور مساوی، میان خویش تقسیم نمایند. برای همین، هر کدام ماهیانه مبلغی را براساس برآورد هزینه شان در هر ماه، روی هم می گذارند تا دست مسئول خرید در خرید وسایل مورد نیاز مشترک آزاد باشد. بهتر است صندوق ساده ای مثل جعبه کارتونی، جعبه دستمال

ص: 50

کاغذی و امثال این ها) تهیه شود و مبلغ در آن قرار داده شود.

مرحوم آیت الله حاج شیخ محمدرضا طبسی نجفی، از صفا و دوستی که بین طلاب با ایمان و برخوردار از اخلاق اسلامی حاکم بوده، چنین یاد می کند:

زمانی که در قم مشغول تحصیل بودم، هفت نفر در یک حجره ساکن بودیم این خود، در نظر بدوی، مشکل بزرگی است؛ اما هیچ مشکلی نداشتیم و در کمال صفا و صمیمیت، هر یک مشغول خود بودیم و به درس و بحث مان می پرداختیم. و در مخارج روزانه هم اینگونه بود که هر هفت نفر، شهریه خود را در اول ماه درون کیسه ای می ریختیم و در طول ماه، هرکس به مقداری که احتیاج داشت، از آن برمی داشت. (1)

مسئول خرید می تواند برای شفاف بودن هزینه ها، دفتری را تهیه و جزئیات هزینه ها را در آن یادداشت کند و در صورت نیاز، آخر ماه به هم حجره ای ها گزارش عملکرد خود را بدهد. هم چنین دقت در خرج کردن، بسیار مهم است. باید اصل «کیفیت بهتر با هزینه کمتر» شعار مسئول در خرید باشد. هنگام خرید اجناسی که احتمال داده می شود دارای قیمت های مختلف است و در جایی، جنسی را با همان کیفیت، ارزان می دهند، از همان جا خریداری شود. به اصطلاح عامیانه، پول علف خرس نیست، امانتی است دست شما، و تا می توانید باید امانت داری کنید.

یکی از چیزهایی که در هزینه کردن مهم است، اقتصاد و میانه روی است. میانه روی، پرهیز از افراط (زیاده روی) و تقریط (کم گذاشتن) است. امیرمؤمنان علی علیه السلام آنان را که از راه اعتدال به سوی افراط و تقریط کشانده می شوند، جاهل می خواند و می فرماید:

ص: 51

(لا تَرَى الْجَاهِلَ إِلَّا مُفْرِطًا او مُفْرِطًا)؛ (1) همیشه جاهل را نمی بینی، جز این که یا زیاده روی می کند یا کم می آورد.

هم چنین امام رضا علیه السلام به یکی از اصحاب خود فرمود: «طبق فرمایش الهی در مخارج زندگی، نه بخل به خرج دهید و نه اسراف کنید.» (2) بنابراین، وسایلی که احتمال می دهیم بقیه از خرید آن ها ناراضی هستند، نخریم تا پیش از خرید، وسایلی که قرار است، بخریم به اطلاع هم حجره ای ها برسانیم.

طلبه ها بقیه مبلغ شهریه را نیز در امور شخصی هزینه می کنند. در این میان، بعضی از طلبه ها هستند که می کوشند مبلغی از اندک شهریه را پس انداز کرده و به دیگران قرض بدهند و مشکلی از مشکلات طلبه ها را رفع نمایند.

در خاطرات حضرت آیت الله خامنه ای دام ظلّه آمده است:

شیخ حسین ابراهیمی دینانی، هم غذا و هم درس فلسفه سید علی بود. این دو، اتاق های جدا داشتند؛ اما وعده های غذایی را با هم می گذراندند. به همین جهت، یک شب هوس کردند تا در دکان علی نقلی، آب گوشت بخورند. آب گوشت علی نقلی، 13 ریال تمام می شد، اما آن دو می دانستند که باید با یک پرس آبگوشت سیر شوند. «آمدیم دم پیشخوان که پول بدهیم. من هر چه توی جیبم پول بود، درآوردم. او هم دست کرد هر چه توی جیبش بود، درآورد». خوشبختانه 13 ریال علی نقلی بین این دو جیب به نحوی تقسیم شده بود. فردا صبح... به طرف اتاق آقا شیخ حسین رفت. هم غذای او در حال ور رفتن با سماور ذغالی برای آماده کردن چای صبحانه بود. سید علی دست خالی و بدون سنگک، در حال نزدیک شدن به اتاق شیخ حسین بود. «صبح معمولمان این بود که او توی اتاقش [که] سماور داشت، چای درست می کرد

ص: 52

1- نهج البلاغه، حکمت 70.

2- صدوق، الخصال، ج 1، ص 54.

و من هم می رفتم یک دانه نان و یک سیر پنیر می گرفتم، می رفتم توی اتاق او با هم دیگر صبحانه می خوردیم.»

هزینه نان و پنیر را یک هم غذا می پرداخت و مخارج چای و قند را، هم غذای دیگر ... «آن روز صبح می خواستم طبق معمول بروم نان بگیرم. یادم آمد که پول نداریم.» اینجا بود که به فکر کاسه های ماست افتاد. این کاسه ها قیمت داشت. شش ریال می دادند و ماست پنج ریالی را می خریدند. یک ریال اضافی را برای کاسه می پرداختند، گرو می گرفتند. «گاهی 5،6 کاسه می شد و خودش پولی بود... دیدم نه، کاسه ماست... هر چه بوده... هر چه بوده... داده ایم به آقا شیخ حسن بقال و پولش را گرفته ایم و خورده ایم.»

وقتی رسید، آقا شیخ حسین با اشاره دست و صورت به او فهماند که نمی خواهد هم اتاقی اش بفهمد که آه در بساط ندارند و از صبحانه خبری نیست. شیخ حسین آماده کردن صبحانه را بازی می کرد تا پیش هم اتاقی اش (آقا احمد) آبروداری کند. آقا احمد که از حضور بی نان و پنیر سید علی در آنجا متعجب شده بود، تعارف کرد که بر سر سفره او بنشینند و صبحانه بخورند. «گفتم: نه میل ندارم!» در این هنگام، صدای شیرفروش مدرسه حجتیه بلند شد که آی شیر... شیر. شیخ که همچنان در فکر آبروداری و پوشاندن بی پولی خود و رفیقش بود با صدای بلند از سید علی پرسید که شیر می خوری؟ «من فکر کردم... فرجی شده یا با شیر [فروش] حساب دارد، یا یک دفعه یادش افتاده که مثلاً پنج ریال توی جیبش دارد و می شود مقداری شیر بگیرد.» سید علی هم مشتاقانه با صدای بلند پاسخ داد که آری، می خورم. بخر. «یک وقت دیدم از پشت شیشه، بدون با دست اشاره می کند که بگو نه، بگو نه... [من که فهمیده بودم همه این ها برای آبروداری نزد هم اتاقی هاش است] حرف را برگرداندم و گفتم نه شیر نمی خواهم. بیا چای بخوریم!» آن روز، این دو هم غذا، گرسنه، کتاب ها را زیر بغل زدند و یکی به درس آقا شیخ مرتضی حائری رفت و دیگری به دنبال درس و بحث خودش. (1)

ص: 53

زندگی در یک اتاق با دیگران، زندگی با سلیقه های متفاوت است. به طور قطع، هیچ کس سلیقه اش با دیگری صد درصد مطابق نیست و همیشه اختلاف سلیقه وجود خواهد داشت. یکی به استفاده از عطر علاقه مند است و دیگری به آن حساسیت دارد؛ شخصی دوست دارد در غذا از سیر استفاده کند و فردی دیگری از بوی تند آن متنفر است؛ فردی بسیار منظم بوده و همیشه وسایلش را مرتب جای خود می گذارد؛ ولی آن دیگری نامرتب بوده و همواره وسایلش همه جای حجره پخش است و همین طور سلیقه های دیگر.

مهم در زندگی چند نفره آن است که چگونه بتوانیم با سلیقه های گوناگون بسازیم و به اصطلاح مدارا کنیم. مدارا کردن به معنای نرمی، ملایمت، مهربانی، تحمل و بردباری است. (1) مدارا تحمل آزار دیگران است؛ در حالی که می تواند مخالفت کند؛ ولی می کوشد با سعه صدر، سلايق و علايق متفاوت ديگران را تحمل کند يا از خطاهای دوستش بگذرد و به اصطلاح، چشم پوشی کند.

کسی که در برابر سلیقه های ناخوشایند، با مهربانی، نرمی و ملایمت رفتار می کند و می کوشد نفس خود را کنترل نماید، دارای سعه صدر و البته قابل تکریم است؛ چراکه در حدیث آمده است:

(إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الرَّفِيقَ وَيُعِينُ عَلَيْهِ)؛ (2) خداوند مدارا را دوست دارد و انسان را بر انجام آن یاری می کند.

ص: 54

1- دهخدا، لغت نامه ذیل واژه .

2- کلینی، اصول کافی، ج 2، ص 120، ح 12.

البته همه هم حجره ای ها باید نسبت به هم مدارا داشته باشند. اینگونه نباشد که یکی مدام در حجره، طبق سلیقه خودش رفتار کند و دیگران را نادیده بگیرد. زندگی گروهی و چند نفره اقتضا می کند که حال بقیه را نیز باید مراعات کرد و آنها را با رفتارهای شخصی خود آزار نداد؛ هر چند آنان تحمل کنند. اگر فردی نتواند از بخشی از خواسته ها و سلیقه های شخصی خود در رابطه با دیگران چشم پوشی کند، در آینده، فردی مستبد بوده و نخواهد توانست زندگی خانوادگی مسالمت آمیزی داشته باشد یا معمولاً در اجتماع با دیگران درگیری خواهد داشت. حجره جای خوبی است برای تمرین و افزایش ظرفیت و سعه وجودی خود.

یکی از هم حجره ای های مقام معظم رهبری دام ظلّه تعریف می کند:

در مدت یک سالی که با آقا هم اتاقی بودم، یک بار یادم نمی آید از دست ایشان دلخور شده و ناراحت باشم. ایشان مراعات حال همه را می کردند و فرد جامع الاطرافی بودند. درس و تحصیل، تهذیب و اخلاق، توجه به مسائل سیاسی و اجتماعی روز، ارتباطات فردی و دوستانه، همه را به خوبی در حد اعلی داشتند و رعایت می کردند. (1)

نور و روشنایی حجره

در قدیم که یا برق نبود یا خیلی کم بود و همه نمی توانستند از آن استفاده کنند، معمولاً طلبه ها در حجره ها به وسیله شمع، نور ماه یا چراغ نفتی حجره را روشن کرده و به مطالعه می پرداختند. با وجود روشنایی ضعیف و کم، آنان همت و جدیت عجیبی در تحصیل داشتند. اما امروز باید، شکرگزار این نعمت بزرگ

ص: 55

خداوند بود که همه از آن برخوردارند و می‌توانند تا پاسی از شب به مطالعه مباحثه پردازند.

نکته مهم در برخورداری از این نعمت بزرگ الهی، اسراف نکردن است.

مصرف بی‌رویه، موجب ضرر به بیت‌المال و اموال مدرسه است و باید در مصرف آن، تلاش گردد صرفه‌جویی شود. این روش، سیره علمای بزرگ بود، چه در روزگار فراوانی و چه در دوره کمبود. آیت‌الله ابراهیم امینی در خاطراتش از عالمی نقل می‌کند که وقتی طلاب را به زهد و ساده‌زیستن و قناعت دعوت می‌کرد، خودش نیز چنان بود. به طلاب می‌گفت: «برای این که نفت کمتر مصرف کنید، فتیله چراغ نفتی را از شعله پنخش کن بالاتر بکشید» رفتار خودش نیز همین‌گونه بود، ایشان اوایل شب در حجره مدرسه مطالعه می‌کرد و فتیله چراغش را همانگونه که توصیه می‌کرد، بالا می‌کشید. (1) در روزگار ما نیز که همه چیز با برق کار می‌کند، در استفاده از روشنایی باید کاملاً دقت شود که مصرف بی‌رویه وجود نداشته باشد. بنابراین باید از افراط و تفریط پرهیز کرد.

یکی از طلاب آیت‌الله کوهستانی تعریف می‌کند:

ایامی که در دوران نوجوانی در «کوهستان» درس می‌خواندم. احیاناً به علت مشکلات زمانه، دچار کمبودهایی می‌شدم. شبی به علت تمام شدن نفت چراغ مطالعه، در بیرون حجره در زیر مهتاب مشغول مطالعه بودم که آقا جان [آیت‌الله کوهستانی] برای سرکشی طلاب به مدرسه آمدند. وقتی متوجه من شدند، پرسیدند: چه کار می‌کنی؟ عرض کردم: مطالعه. فرمودند: برای چه بدون نور؟ گفتم: نفت چراغ تمام شد. معظم له با صدای بلند، ولی با مهربانی

ص: 56

گفتند: پسر مطالعه نکن، چشمت ضعیف می شود! پس از آن که مدرسه را سرکشی نمودند و به طرف منزل بازگشتند، مشاهده کردم آقاجان در حالی که یک قوطی نفت در دست مبارکش دارد، برگشتند و آن را به من دادند که چراغ را نفت کرده تا در تاریکی وزیر مهتاب مطالعه نکنم. (1)

وجود نور مناسب در حجره، بسیار اهمیت دارد و به طور عمده، لامپ صد وات، لامپ مهتابی معمولی یا لامپ های کم مصرف به کار برده می شود. لامپ کم مصرف از طول عمر بیشتری نسبت به لامپ معمولی برخوردار است و انرژی کمتری نیز مصرف می کند. همین ویژگی ها باعث شده بسیاری به مصرف این نوع لامپ ها روی بیاورند؛ ولی لامپ کم مصرف خطرهایی نیز در بر دارد. مهم ترین عامل خطر آفرین در این لامپ ها، جیوه درون آن ها است. جیوه از عناصر ضروری موجود در لامپ کم مصرف است. لامپ کم مصرف در صورت استاندارد بودن، حدود دو و نیم میلی لیتر جیوه در درون خود دارد. جیوه ماده ای سمی است و انتشار آن در محیط می تواند اثرهای نامطلوبی بر روی مغز یا جنین بگذارد. جیوه هم چنین می تواند به عقیم شدن، سردرد و کاهش حافظه انسان بینجامد. نبود یا کمبود آگاهی در مورد خطرهای ناشی از جیوه موجود در لامپ کم مصرف می تواند آن را به عاملی برضد محیط زیست و انسان تبدیل کند.

ص: 57

1- کوهستانی، بر قله پارسایی؛ به نقل از مرحوم آیت الله محمدی بایع کلایی از شاگردان مرحوم آیت الله کوهستانی

نکاتی که باید رعایت کرد

با این حال تنها با رعایت چند نکته ساده میتوان از این خطرها مصون ماند. نخستین نکته با اهمیت مکانی است که از این لامپها در آن استفاده می شود. در مکان هایی که افراد به صورت طولانی مدت در آنجا هستند، مثل اتاق های کار یا نشیمن؛ از این لامپ ها استفاده نشود. بیشتر سعی شود در جاهایی که فرد از آنجا برای چند دقیقه عبور می کند، مانند راهروها، پارکینگ ها دست شویی ها از آن ها استفاده گردد.

راه دیگر، استفاده از این لامپها به صورت مخلوط است. این لامپ ها دو نوع هستند، مهتابی و آفتابی که دو رنگ مختلف دارند. بهتر است آنها را در کنار یک دیگر و در کنار لامپ های معمولی استفاده کرد تا ضعف یک دیگر را پوشش بدهند یا اگر واقعا باید فقط لامپ های کم مصرف به کار برده می شود، از نوع نور سفید و نارنجی یا اصطلاحاً آفتابی و مهتابی همراه با یک دیگر و فقط از یک نوع استفاده کنند.

آزمایش ها همچنین نشان گر آن است که لامپ های کم مصرف رنگی، اثرهای زیان بخش کمتری نسبت به لامپهای کم مصرف با نور سفید دارند. رعایت فاصله از لامپ کم مصرف نیز در حفظ سلامت انسان تأثیر می گذارد. لامپ های کم مصرف از ویژگی تغییر فرکانس (شدت و ضعف نور) برخوردار هستند که می تواند به چشم آسیب برساند و به بیماری هایی مانند آب مروارید منجر شود. کمترین فاصله از این لامپ ها باید بین 50 تا 60 سانتی متر باشد. نباید از لامپ های کم مصرف برای چراغ های مطالعه استفاده شود و بهترین کار این است که از لامپ های LED که خاصیت کم مصرفی شان را دارند،

ولی فاقد جیوه هستند، به جای لامپ های کم مصرف استفاده کنیم. لامپ کم مصرف (CFL) از خود اشعه فرابنفش یا UV منتشر می کند و بنابراین مدتی که انسان در معرض تابش نور این نوع لامپ ها قرار دارد، نیز در کاهش یا تشدید تأثیرهای آن اهمیت دارد.

اگر لامپ کم مصرف شکست، لازم است چند مسأله رعایت شود. ابتدا محیط را باید 15 دقیقه ترک کرد تا بخارهای پخش شده در محیط، ته نشین شده و وارد سیستم تنفسی نشود. پنجره ها را باید باز کرد تا هوا جریان یابد و مقداری از بخارهای جیوه خارج شود و سرانجام اینکه به هیچ عنوان از جارو برقی برای جمع کردن ذرات ریخته شده لامپ استفاده نشود. چون خود جارو برقی سبب پخش بیشتر ذرات جیوه در محیط می شود و مشکلات آن را خیلی بیشتر می کند، بزرگ ترین خطری که شکستن لامپ کم مصرف می تواند به وجود بیاورد، بریدگی های ناشی از تماس با لبه های تیز شیشه یا حباب لامپ در انسان است. خرده شیشه ها را باید به روش صحیح جمع کرد و در کیسه ای قرار داد. محدوده مورد نظر را نیز باید با دستمال مرطوب تمیز کرد و در کیسه قرار داد. اگر چاره ای جز استفاده از جارو برقی وجود ندارد، باید بعد از اتمام کار، کیسه جارو برقی را تخلیه و داخل محفظه را با دستمال مرطوب تمیز کرد. (1)

عده ای برای مطالعه، از چراغ مطالعه که نورپردازی موضعی دارد، استفاده می کنند. مراعات چند نکته در به کارگیری آن اهمیت دارد:

ص: 59

1. برای مطالعه های طولانی مدت، بهتر است که از نور زرد استفاده کنید؛ چراکه نور زرد نسبت به نور سفید، خستگی کمتری را به دنبال دارد؛

2. بهتر است که نور به صورت مستقیم روی کتاب تابانده نشود؛

3. قبل از خریداری چراغ، بهتر است تصمیم بگیرید که به چه روش مطالعه ای عادت دارید.

برای مثال، آیا عادت دارید که به صورت خوابیده مطالعه کنید؟ آیا عادت دارید که پشت میز مطالعه کنید؟ آیا عادت دارید که قدم بزنید و کتاب بخوانید؟ برای هر کدام از این روش ها، نورپردازی به خصوصی وجود دارد. اگر عادت دارید که پشت میز بنشینید و مطالعه کنید بهتر است چراغ مطالعه رومیزی خریداری کنید. در این روش، حباب چراغ را به گونه ای انتخاب نمایید که پهنای آن، سطح تمام میز مطالعه شما را روشن کند. اگر عادت دارید که خوابیده مطالعه کنید، بهتر است که چراغ های پایه دار کوتاه را بخرید. این چراغ ها با ارتفاع 100 تا 110 سانتی متر از زمین، باید در حالت نشسته با شانه های شما هم تراز باشد. چراغ های پایه دار بلند باید حدود 38 سانتی متر بالاتر از و 50 سانتی متر از مرکز کتابی که به خواندن آن مشغول هستید، عقب تر قرار داشته باشند. به هنگام خرید حباب، کاربری آن را در نظر بگیرید. حباب نیمه شفاف، نور را با تابش ملایمی از خود عبور میدهد و حباب مات، روشنایی را به بالا یا پایین هدایت کرده و برای مطالعه نور مناسبی ایجاد می کند. (1) بهترین حالت نور هنگام مطالعه، باید به این صورت باشد که از سمت چپ مطالعه

ص: 60

کننده و از پشت سر بتابد. هم چنین نور نباید از سطح کاغذ انعکاس داشته باشد. انعکاس نور از سطح کاغذ به چشم ها آسیب می رساند.

قفسه کتاب

با توجه به اینکه طلبه ها با کتاب سروکار دارند، سازندگان مدارس، معمولاً در حجره ها، جایی را، مثل قفسه طاقچه و مانند آن برای گذاشتن کتاب تعبیه می کنند. جای گذاشتن کتاب ها را میان هم اتاقی های خود تقسیم کنید تا مشخص شود که هر کسی، کتابش را در کجا قرار دهد. این امر به نظم و انضباط و گذاشتن و برداشتن آسان کتاب کمک می کند. بنابراین توجه به موارد زیر لازم است:

- از کتاب های خود، لیست تهیه نمایید؛

- مشخصات خود را در کتاب های شخصی بنویسید تا از کتاب های

دیگران متمایز شود؛

- آن ها را به صورت منظم و به ترتیب اهمیت (از لحاظ اینکه کتاب

تفسیری یا روایی است)، در قفسه قرار دهید؛

- هر از گاهی، گرد و خاک قفسه ها را تمیز کرده و دوباره کتاب ها را به صورت منظم مرتب کنید؛

- کتاب هایی که از لحاظ قطع جلد (قطع وزیری، شومیز و...) یکسان هستند کنار یکدیگر قرار گیرند. (1)

ص: 61

1- شاید گفته شود که اگر کتابها را به لحاظ اهمیت کنار هم قرار دهیم، دیگر نمی توان به لحاظ قطع جلد، اولویت را مراعات کرد باید گفت تا جایی که امکان دارد. می توان میان این دو روش جمع کرد و اگر ممکن نشد، بسته به سلیقه خود یکی از دو روش را انتخاب کنید.

برخی افراد به نظم و ترتیب و تمیزی اهمیت زیادی نمی دهند و به اصطلاح عامیانه، شلخته یا کسل و تنبل هستند و ممکن است هر آن چه در دستشان باشد (مثل قندان، سفره، لیوان، ظرف نشسته و...)، در قفسه کتاب قرار دهند. تصور کنید قفسه کتاب یک حجره را که ویتروینی از وسایل نامربوط، نشسته و غیر مرتب است. چه احساسی به شما دست می دهد؟ به طور حتم، احساس خوبی نخواهید داشت و خود همین نامرتب بودن، به کسالت و تنبلی و بی نظمی خواهد افزود. مگر نه این است که مولای متقیان حضرت امیر مؤمنان علی علیه السلام، ما را به نظم در کارها (1) سفارش فرموده است و مگر نه این است که طلبه ها، نخستین مخاطب این فرمایش هستند و باید به آن عمل کنند تا دیگران نیز از آنان یاد بگیرند؟

عکس های حجره

معمولا نصب عکس در خانه، اتاق، حجره یا هر جای دیگر، به دلایل مختلف صورت می گیرد. دوست داشتن، مرجع تقلید بودن، الگو بودن، یادآور حماسه، رشادت، شجاعت و شهادت، یادآوری خاطرات زندگی، عارف و اخلاقی بودن و... از جمله دلایل آن است. چون در حجره، چند نفر باهم زندگی می کنند و هر کسی دلش می خواهد عکس مورد نظر خود را نصب کند، در حجره عکس های مختلف با اندازه های متفاوت وجود خواهد داشت و نمای حجره را به هم خواهد ریخت؛ بنابراین بهتر است در نصب یا گذاشتن عکسها در حجره، موارد زیر رعایت شوند:

ص: 62

1- اوصیکم بتقوی الله و نظم أمرکم؛ شما را به پرهیزکاری و نظم در کارها سفارش می کنم. (نهج البلاغه، نامه 47)

- رعایت سلیقه هم حجره ای ها لازم است و بهتر است در نصب هر یک از عکس ها به توافق رسید. اگر اولویت های نصب عکس را در نظر بگیریم، عکس حضرت امام خمینی قدس سره و مقام معظم رهبری دام ظلّه از لحاظ الگوگیری، اخلاقی بودن، رهبری جامعه اسلامی، سیاسی، اجتماعی، دلسوزی، ایثارگری، شجاعت، تحصیل و امثال آن در اولویت نخست قرار می گیرند.

- عکس ها به صورت منظم و مرتب نصب شوند.

- عکس ها رو به قبله نباشند؛ به طوری که اگر خواستید در حجره نماز بخوانید، عکس ها مقابله شما قرار گیرند. در مقابل بودن عکس هنگام نماز، کراهت دارد.

- از قاب های در اندازه مناسب حجره و یکسان استفاده شود. قاب ها یا عکس ها آن قدر کوچک نباشند که به چشم نیایند و غرض از نصب آن ها حاصل نشود و نیز آن قدر بزرگ نباشند که تمام دیوار را بگیرند. تشخیص اندازه مناسب بر عهده خود هم حجره ای ها است.

- گاهی عکس ها از روزنامه ها، مجله ها یا کتاب ها جدا شده و نصب می شوند. توصیه می شود از عکس هایی که به صورت زیبا چاپ شده اند (هر چند قاب گرفته نشوند)، استفاده شود.

- می توان عکس هایی را که تازه چاپ شده اند، نصب کرد و از به کار بردن عکس های کهنه و کم رنگ شده پرهیز کرد.

- هر از گاهی، عکس ها برداشته و تمیز شوند.

- بهتر است از هر شخصیتی، یک عکس نصب گردد، نه عکس های

مختلف؛ چرا که حجره، نمایشگاه عکس نیست.

- در صورت امکان، می توان هر از گاهی عکس های کهنه را با عکس های جدید عوض کرد.

علمای راستین اسلام ناب محمدی صلی الله علیه وآله وسلم، الگوی طلبه ها در تحصیل، تهذیب و جد و جهد هستند و استفاده از عکس آنان، انگیزه تحصیل و تهذیب را بالا- می برد؛ ولی تنها نصب عکس کافی نیست و در کنار آن، لازم است زندگی، چگونگی تحصیل و تلاش برای علم آموزی، تهذیب نفس و اوصاف اخلاقی و جدیت و مجاهدت های آنان در راه اعتلای اسلام نیز مطالعه شود تا تأثیرگذاری آن بیشتر گردد.

در حجره، عکس های شخصیت هایی نصب گردد که به عنوان الگوی علمی و عملی خود در نظر می گیریم و تلاش داریم پا جای پای آن ها بگذاریم.

نوشته ها در حجره

علاوه بر نصب عکس، در حجره ها از نوشته های، ی مثل آیه، حدیث، شعر و سخنان قصار نیز استفاده می شود که حکمت آمیز بوده و انسان را به تحصیل، تهذیب و رشد معنوی دعوت می کنند. چه بهتر که این سخنان با خط خوب یا خوش نویسی شده و در کاغذ تمیز و مناسب یا قاب گرفته جلوی دیدگان قرار گیرند تا مایه پند باشند. البته استفاده طولانی مدت از آن ها، باعث یک نواختی می شود و دیگر آن تأثیر گذشته را نخواهد داشت؛ پس بهتر است بعد از مدتی، آنها را عوض کرده و جمله های تازه ای به جای آنها خوش نویسی کرده و نصب شوند.

نوشته های گذشته را دور نیندازید، بلکه آن ها را سالم نگه دارید تا بعدها

دوباره بتوانید به کار گیرید. توصیه می شود از سخنان یا شعرهای ناامید کننده، توهین آمیز و تحقیر آمیز استفاده نشود.

استراحت در حجره

حجره، اتافی برای زندگی است و استراحت نیز جزئی از آن است. وقتی از درس و بحث و مطالعه خسته می شوید، می توانید در آن با آرامش کامل به استراحت پردازید و نیروی خود را برای طلب علم، عبادت و خودسازی بازیابید.

توصیه می شود :

1. با وضو بخوابید؛

2. با شکم پر نخوابید. امیر مومنان علیه السلام می فرماید:

پر خوری، و زیاده روی در خواب وجود انسان را فاسد می کنند و کشاننده ضرر و زیان به سوی آدمی هستند. (1)

3. قبل از خواب، حتماً به توالت رفته و خود را سبک کنید و بعد از آن بخوابید؛ زیرا عدم تخلیه در زمان مناسب، فرد را دچار درد کلیه و سنگ کلیه می گرداند.

در ذیل، روایت هایی از امیر مؤمنان علی علیه السلام در مورد چگونگی خوابیدن آورده می شود.

روشهای خوابیدن چهار قسم است :

اول) خوابیدن به روش پیامبران که بر پشت می خوابند و منتظر وحی می باشند.

دوم) خوابیدن مؤمن که رو به قبله و بر روی پهلو راست می خوابد. سوم) خواب پادشاهان و شاهزادگان که از فراوانی غذایی که خوردند، بر

ص: 65

پهلوی چپ می خوابند .

چهارم) خواب شیطان و دوستان شیطان، و هر دیوانه دردمندی که به روی می خوابند و شکم خود را به زمین می چسبانند. (1)

سپس حضرت فرمود: هرگز بر رو نخوابید و اگر کسی را دیدید که بر رو خوابیده است، او را بیدار کنید و به آن حال وانگذارید. (2)

در حدیثی، رسول اکرم صلی الله علیه وآله وسلم از تنهایی خوابیدن نهی فرمودند.

امام صادق علیه السلام می فرماید:

[رسول خدا صلی الله علیه وآله وسلم] خوش نداشت که شخص تنها در منزل بخوابد. (3)

بکوشید در خواب نیز دیگران را اذیت نکنید؛ یعنی :

- اگر موقع خواب، خروپف می کنید، علت آن را جویا شده و برطرف نمایید؛

- اگر موقع خواب، ثابت نمی خوابید و مدام به اطراف می غلتید یا ناخواسته با پالگد می زنید، با تمهیدهایی، این مشکل را حل کنید؛

- اگر زیاد می خوابید و همواره کمبود خواب دارید و بسترتان در طول روز پهن است، شب ها زودتر به استراحت بپردازید و وسط روز، هنگامی که دیگران می خوابند، شما نیز بخوابید:

- هنگام استراحت دیگران، سر و صدا نکنید و بگذارید دیگران آسوده

بخوابند؛

- موقعی که از خواب بیدار شدید، مواظب باشید بقیه را لگدمال نکنید.

ص: 66

1- شیخ صدوق، الخصال، ص 263 .

2- همان، ص 613 .

3- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 3، ص 583 .

حجره تنها خوابگاه نیست، بلکه می تواند محل ترقی شما در علم و تقوا نیز باشد. حجره مکان آرامی برای پیش مطالعه درس ها و بحث ها، خواندن قرآن و ادعیه مطالعه روزنامه یا هر کتاب دیگری است و فرصتی است برای شکافتن امواج ناشناخته علم و روشن ساختن دل، کسانی می توانند از این فرصت طلایی و تکرار ناپذیر بهره ببرند که زمان شناس بوده و عاشق دانش اندوزی باشند.

مطالعه کتب درسی در ایام تحصیلی، بیشترین وقت طلاب را می گیرد و شاید فرصت چندانی برای مطالعه سایر کتب نباشد؛ به ویژه آن که بخواهید بعضی از شروح درس ها را نیز بخوانید. مرحوم علامه طباطبایی در زندگی نامه خود آورده است :

در اوایل تحصیل که به صرف و نحو اشتغال داشتم، علاقه زیادی به ادامه تحصیل نداشتم و از این روی هرچه می خواندم، نمی فهمیدم و چهار سال به همین نحو گذرانیدم. پس از آن، یک باره عنایت خدایی دامن گیرم شده، عوضم کرد و در خود یک نوع شیفتگی و بیتابی نسبت به تحصیل کمال حس نمودم؛ به طوری که از همان روز تا پایان ایام تحصیل که تقریباً هفده سال [طول] کشید، هرگز نسبت به تعلیم و تفکر، درک خستگی و دل سردی نکردم و زشت و زیبای جهان را فراموش نموده ... بساط معاشرت غیر اهل علم را به کلی برچیدم.

بسیار می شد - به ویژه در بهار و تابستان که شب را تا طلوع آفتاب با مطالعه می گذرانیدم و همیشه درس فردا را شب پیش مطالعه می کردم و اگر اشکالی پیش می آمد، با هر خودکشی بود، حل می نمودم و وقتی که به درس

حضور می یافتیم، از آن چه استاد می گفت، قبلا روشن بودم. (1)

اما با این حال می توانید در ایام تعطیلی، با مطالعه کتاب هایی در موضوعات دیگر که مورد علاقه شما هستند، براندوخته های علمی خود بیفزایید.

معمولا- مطالعات پراکنده با آنکه بر اطلاعات فرد می افزایند؛ ولی فایده علمی چندانی ندارند. بهتر آن است که مطالعه جنبی خود را هدفمند

ساخته و به صورت موضوعی، کتاب هایی را انتخاب کرده و بخوانید تا در یک موضوع، تسلط نسبی پیدا کنید. پیش از آن، می توانید چند موضوع را که علاقه به مطالعه آنها دارید، در کاغذی یادداشت کرده و سپس اولویت بندی نمایید و براساس اولویت ها، به دنبال شناسایی کتاب های مربوط به موضوع بروید. پس از شناسایی کتب، آنها را نیز از آسان به سخت انتخاب کرده و مطالعه خود را آغاز کنید. مطالعه چند صفحه از کتاب ها به شما کمک می کند که آسان بودن آن ها را تشخیص دهید و اگر نتوانستید این کار را انجام دهید، با چند نفر از اساتیدی که احتمال دارد بتوانند به شما کمک کنند، مشورت نمایید. برای مثال، شاید بخواهید درباره عقاید، علاوه بر کتاب های درسی، چند کتاب دیگر نیز بخوانید و تسلط پیدا کنید. برای این کار از استاد درس عقاید بخواهید کتاب هایی را به شما معرفی و آنها را از آسان به سخت مشخص کند. پس از مدتی که درباره عقاید تسلط یافتید، به سراغ موضوع دیگری بروید و همین طور ادامه دهید. شاید خواندن کتبی در یک موضوع، مدت ها طول بکشد، ولی از این کار خسته نشوید و هم چنان ادامه دهید.

ص: 68

به این فکر کنید که پس از مدتی، در یک علم و موضوع، اطلاعات کاملی داشته و قله های ناشناخته آن را فتح خواهید کرد.

کسانی که همواره به مطالعه موضوع های پراکنده می پردازند، انبانی از اطلاعات عمومی هستند؛ ولی هیچ گاه در آن موضوع تخصص نداشته حرفی برای گفتن ندارند. اما کسی که موضوعی را به صورت متمرکز مطالعه کرده، در آن موضوع تخصص خواهد داشت و می تواند تدریس کند یا مطلب بنویسد. البته در آغاز برای تقویت مبانی اندیشه اسلامی خود، لازم است مطالعاتی داشته باشید. برای این کار، بهتر است از کتاب های شهید مطهری شروع کنید. سیرهای مطالعاتی متعددی از کتب شهید مطهری برای مخاطبان مختلف طراحی شده است. می توانید با توجه به آن سیرها، مطالعات خود را پیگیری کنید.

شاید بخواهید برای مطالعه تخصصی هر موضوعی، کتاب بخرید؛ ولی این کار لازم نیست. با مراجعه به کتابخانه، آن ها را امانت بگیرید و از اینکه پولی برای خرید کتاب ندارید، خود را از دانش اندوزی محروم نکنید. حجت الاسلام و المسلمین آقای قرائتی تعریف می کنند:

در هندوستان ملاقاتی با وزیر آموزش و پرورش داشتیم. وی می گفت: ما در هند، هفتاد هزار مدرسه داریم که نیمکت و حصیر ندارند. یعنی بچه های هندی روی خاک می نشینند و درس می خوانند و دکتر به دنیا صادر می کنند. قدر امکانات خود را بدانیم و درست درس بخوانیم. (1)

ص: 69

1- بهشتی، خاطرات استاد (از زبان حجت الاسلام محسن قرائتی)، ص 114.

یکی از طلاب آیت الله کوهستانی نقل می کند:

ایامی که در دوران نوجوانی در «کوهستان: درس می خواندم، احیاناً به علت مشکلات زمانه دچار کمبودهایی می شدم، شبی به علت تمام شدن نفت چراغ مطالعه در بیرون حجره در زیر مهتاب مشغول مطالعه بودم که آقا جان [آیت الله کوهستانی] برای سرکشی طلاب به مدرسه آمدند. وقتی متوجه من شدند، پرسیدند: چه کار می کنی؟ عرض کردم: مطالعه فرمودند: برای چه بدون نور؟ گفتم: نفت چراغ تمام شد، معظم له با صدای بلند، ولی با مهربانی گفتند: پسر مطالعه نکن، چشمت ضعیف می شود! پس از آن که مدرسه را سرکشی نمودند و به طرف منزل بازگشتند، مشاهده کردم آقا جان در حالی که یک قوطی نفت در دست مبارکش دارد، برگشتند و آن را به من دادند که چراغ را نفت کرده تا در تاریکی وزیر مهتاب مطالعه نکنم. (1)

مطالعه و عشق به دانستن، سهم هر کسی نیست. کسانی می توانند پیگیر علم باشند که اهداف بلندی را دنبال می کنند و می خواهند در چند علم تخصص داشته باشند؛ وگرنه آنانی که در پی مادیات و پست و مقام هستند، کی توانند لذت دانستن و علم را بچشند.

آیت الله مجتهدی از درس خواندن با وضعیت سخت معیشتی در زمان خود چنین تعریف می کند :

زمانی که ما در قم طلبه بودیم، گاهی چند روز متوالی غذا نداشتیم. صبح که می شد، هم حجره ام می گفت مقداری شکر و آرد نخودچی رسیده است و ما به همان اکتفا می کردیم و نقری یک قاشق می خوردیم و به درس می رفتیم. ظهر که می شد، می گفت مقداری نان خشک پیدا کرده ام. نان را در آب ریخته و می خوردیم و حتی بعضی از رفقا و طلاب آن روز، بر اثر آن گرسنگی ها مریض

ص: 70

1- سایت سراج نت، زندگی نامه آیت الله کوهستانی.

می شدند؛ ولی چاره ای نبود و ما تحمل می کردیم و به کسی هم اظهار حاجت نمی کردیم.

یک شب که برف می بارید، ناگهان از خواب پریدم دیدم از لای در حجره، برف داخل حجره شده و وارد یقه من شده است. یک بار هم وقتی که از خواب بیدار شدم، دیدم از شدت سرما، کوزه آب داخل حجره یخ زده است؛ زیرا در زمانی که ما درس می خواندیم و طلبه بودیم، شوفاژ و وسایل گرم کننده امروزی نبود؛ لذا داخل حجره هم هوا بسیار سرد بود. (1)

از هم حجره آیت الله سیدابوالحسن اصفهانی بشنوید که درباره وی می گوید:

در زمانی که با هم بودیم و غذای مشترک داشتیم، از آن جهت خوراک و غذا اهمیت می دادم و تقریباً آدم پرخوری بودم، همان اول شب سهم خود را می خوردم و سهم سید را کنار می گذاشتم. پس از این که سیر می شدم خواب بر من غلبه می کرد و می خوابیدم. در نیمه های شب که پهلوی به پهلوی می شدم، می دیدم سید غرق در مطالعه است و اصلاً دست به طرف غذا دراز نکرده و گاهی این جریان تا صبح ادامه داشت که وقتی که برای نماز صبح بلند می شدم، غذا همچنان دست نخورده مانده بود. این قضیه مصداق بارز جمله اول حدیث است که خداوند می فرماید: «من علم را در گرسنگی و جهاد با نفس قرار دادم؛ ولی مردم آن را در سیری و راحتی می طلبند.» (2)

هم چنین آیت الله شیخ احمد مجتهدی تهرانی که عمری را با موفقیت به تربیت طلاب گذرانید، در خاطره ای از ایام تحصیل خود می گوید:

آن قدر عاشق درس و بحث بودم که شب عید، برخلاف همه طلبه ها در قم ماندم و به تهران رفتم. عید داخل حجره تنها نشسته بودم و درس می خواندم. موقع شام چند تخم مرغ نیمرو کردم و یادم افتاد الان طلبه های دیگر با خانواده

ص: 71

1- برخوردار فرید، آداب الطلاب، ص 212 - 213.

2- عطایی اصفهانی، ره یافتگان، ص 2260.

نشسته اند و پلوی شب عید می خورند؛ اما با خودم حرف می زدیم و دائم می گفتیم: نیمروی قم، بهتر از پلوی تهران است. واقعا عاشق درس بودم. (1)

در مطالعات جنبی، می توان موضوعات جدیدی را که مسأله روز جامعه و جهان هستند، انتخاب کرد. شبهه هایی که نسبت به دین، احکام، عقاید و .. مطرح می شود، می تواند در اولویت قرار گیرد. یکی از رموز موفقیت استاد شهید مطهری رحمه الله آن بود که مسائل روز و مبتلابه جامعه و جوانان را شناسایی می کرد و پس از مطالعه فراوان، به تبیین جنبه های مختلف آن از دیدگاه اسلام می پرداخت و اکنون پس از سال ها، هنوز کتاب های ایشان روشنگر طلاب، دانشجویان و حتی دانشمندان است. انسان هایی که روشن بین هستند، چنین اند :

خیر الله (2) خیلی به کتاب و مطالعه علاقه داشت و هرچند روز يك بار، کتب جدیدی در حجره اش می دیدیم. يك روز هنگامی که کتاب های او را نگاه می کردم، چشمم به چند کتاب جدید خورد. خوب دقت کردم، کتاب های منافقین بود و مؤلف در اثبات عقاید منحرف آنها قلم زده بود. عصبانی شدم و همه آن ها را سوزاندم. وقتی خیرالله به حجره برگشت و جریان را فهمید، خیلی ناراحت شد و با عتاب گفت: «چرا آن ها را سوزاندی؟!»

گفتم: آن کتاب ها مجاز نیستند و اگر پیش کسی ببینند، او را دستگیر می کنند. از این ها گذشته، این ها کتب منحرفه و ضاله هستند. خیرالله با ناراحتی گفت: «برادر! این کتاب ها را با زحمت به دست آورده بودم. باید آن ها را مطالعه می کردم تا بتوانم با سخنان خود منافقین، آنها را سرکوب کنم.» (3)

ص: 72

1- پایگاه اطلاع رسانی مدیریت حوزه علمیه استان یزد، شناسه خبر 205، تاریخ 1394/01/09.

2- طلبه شهید خیرالله قلی پور

3- www.tasnim554.blogfa.com

هنگام مطالعه، یادداشت و خلاصه برداری کنید و آن‌ها را با آدرس کامل کتاب بنویسید که روزی مفید خواهند بود.

شوخی در حجره

لازمه زندگی اجتماعی و داشتن ارتباط‌های سالم و فرح بخش، مزاح است. البته گاهی مزاح، به کدورت و کینه می‌انجامد و نتیجه معکوس می‌دهد. بعضی‌ها خصلت شوخی و مزاح را چه با گفتار و چه رفتار، به عنوان شاخصه خود قرار داده‌اند. برخی هم میانه خوشی با آن ندارند و اهل شوخی نیستند.

خستگی جسم و روح، با تفریحات سالم و مزاح و لطیفه‌گویی برطرف می‌شود. پرداختن به نشاط روحی و شادابی روان، در سایه لطایف و ظرایف، امری طبیعی و مقبول و مورد حمایت شرع و دین است، البته با مراعات‌هایی خاص.

در فرهنگ دینی، مسأله خوشحالی، شادی، خرسندسازی و «ادخال سرور»، جزء خصلت‌های مؤمنانه، مثبت و پسندیده به شمار آمده است که اولیای دین و بزرگان مکتب نیز در عمل، این‌گونه بوده‌اند. امام صادق علیه السلام فرمود:

هیچ مؤمنی نیست، مگر این که در او «دعابه» است. راوی از امام پرسید: دعابه چیست؟ حضرت فرمود: یعنی مزاح و شوخی. (1)

شوخی کردن، اگر در حدود مرز مجاز و معقول باشد، شادی آور است و در روایات، از ادخال سرور در دل اهل ایمان تمجید شده است:

(إِنَّ مِنْ أَحَبِّ الْأَعْمَالِ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِدْخَالَ السَّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ)؛ (2) از محبوب‌ترین کارها نزد خدای متعال، وارد ساختن شادمانی بردل مؤمنان است.

ص: 73

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 73، ص 60.

2- کلینی، کافی، ج 2، ص 189.

نمونه هایی که از مزاح ها و رفتارهای لطیفه آمیز و سخنان مطایبه انگیز حضرت رسول صلی الله علیه وسلم روایت شده است، نشان می دهد که آن حضرت، در عین حال که خوش رفتاری و گشاده رویی داشت، از مرز حق و سخن درست، فراتر نمی رفت و شوخی هایش باطل، لغو و ناروا نبود. در روایت است که پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم فرمود :

(إِنِّي لَأَمْرُحٌ وَلَا أَقُولُ إِلَّا حَقًّا). (1) من مزاح می کنم، ولی جز حق نمی گویم.

در برخی از روایات توصیه شده که در مسافرت با يك جمع، برای سرور و رفع خستگی، از مزاح و شوخی های سالم استفاده شود که این امر، از آداب سفر بیان شده است. شوخی و تفریحات سالم و مزاح های بدون آزار و دور از تحقیر دیگران و پرهیز از استهزای مردم، به زندگی فردی و اجتماعی نشاط می بخشد، به شرط آنکه نگاه جدی به زندگی، آسیب نبیند و حیات بشری به بازیچه و لودگی و هرزگی کشیده نشود.

انسان ها از نظر تحمل شوخی یکسان نیستند. بعضی ها ظرفیت لازم برای مزاح ندارند، در نتیجه شوخی با آن ها به جای دلشاد کردن، کینه و کدورت می آورد و به جای غم زدایی، اندوه زا می شود. از سوی دیگر، افراط در هر چیز، حتی خندیدن و خنداندن و شوخی و لطیفه گویی ناپسند است و آثار سوء و عوارض تلخ دارد. اگر در تعالیم دینی از «مزاح» نهی شده یا از «کثرت مزاح» مذمت شده است، برای پیش گیری از همین عوارض است.

مولوی گوید:

گوش سر بر بند از هزل و دروغ *** تا ببینی شهرجان را با فروغ

ص: 74

امام باقر علیه السلام به حمزان بن اعرین فرمود:

(إِيَّاكَ وَالْمَزَاحَ، فَإِنَّهُ يَذْهَبُ هَيْبَةَ الرَّجُلِ وَمَاءَ وَجْهِهِ)؛ (1) از شوخی بپرهیز؛ چراکه شوخی هیبت و آبروی انسان را می برد.

شاید اشاره این روایت و روایت های دیگر، به آثار سوء اخلاقی و روحی

دلک بازی هایی باشد که عده ای شغل خود را انجام حرکت های سبک و خندانند ساخته اند و مردم را از واقعیت های حیات و عمق بینش و نگرش به زندگی و مراعات آداب و سنن دور می دارند.

وقتی شوخی از مرز اعتدال فراتر رود و به افراط کشیده شود، موجب تحقیر و اهانت می گردد و طرف شوخی برمی آشوبد و در دفاع از آبروی خود و حفظ موقعیتش به معارضا و برخورد می پردازد. این جاست که شوخی تبدیل به کدورت و دشمنی می شود و به اصطلاح «شوخی شوخی آخرش به جدی می کشد». (2)

به هر حال، در شوخی کردن با دیگران هم باید ظرفیت طرف مقابل سنجیده شود، هم از افراط و زیاده روی پرهیز گردد، هم از تحقیر و توهین و استهزای دیگران اجتناب شود، هم وقار و هیبت خود شخص محفوظ بماند. نشان دادن گل لبخند به چهره ها به قیمت خرد کردن شخصیت يك انسان، و ایجاد شادی در عده ای به بهای غمگین ساختن يك مسلمان، زیبنده و شایسته نیست. (3)

ص: 75

1- همان، ج 73، ص 60.

2- دهخدا، امثال و حکم، ج 2، ص 1033.

3- اقتباس از: محدثی، «اخلاق معاشرت شوخی و مزاح»، ماهنامه پیام زن، ش 88، تیر 1378.

گویند شوخ طبعی به حجره دوست بخیلش رفت. از لای در، داخل

حجره پیدا بود. دید بشقابی انجیر در پیش دارد و می خورد. در را زد. بخیل پارچه ای روی بشقاب انداخت و گفت: در باز است، بفرمایید. کمی که نشستند، به دوست مهمان گفت: صدایت خوب است، چند آیه بخوان. او هم شروع کرد به تلاوت (وَالزَّيْتُونَ وَطُورِ سِيْنٍ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ...). (1) گفت: پس «والتین» کجا رفت؟ با تبسم پاسخ داد: زیر آن پارچه. (2)

شوخی های طلبه ها معمولا با نقطه سنجی ها لفاظی ها و بازی با کلمه ها است؛ ولی مواردی نیز وجود دارد که به شوخی های فیزیکی، مثل کشتی گرفتن، آب بازی و غیره منجر می شود.

در ایام حجره نشینی، روزی تصمیم گرفتیم برای یکی از دوستان جشن پتو بگیریم. با یک پتو پشت در ایستادیم و منتظر ماندیم تا شکار از راه برسد. خلاصه آن بنده خدا وارد شد. پتو را انداختیم و کلی مشت و لگد و... بعد از چند لحظه که بنده خدا را به فیض می رساندیم، یک دفعه یکی از بچه ها با حالت ترس فریاد زد: عمامه. هر کسی به طرفی فرار کرد؛ یکی از در، یکی از پنجره، بعد متوجه شدیم به جای دوستان، مدیر مدرسه را به فیض رسانده ایم. خدا رحمتش کند؛ جانباذ بود و چند سال بعد به علت جراحات دوران دفاع مقدس به فیض شهادت نایل شد. شادی روحش صلوات. (3)

در هر نوع شوخی، باید از افراط و تفریط پرهیز داشت و بهتر است از شوخی های فیزیکی (مثل کشتی گرفتن) نیز دوری کرد که گاهی خطرناک بوده و آسیب زا هستند.

ص: 76

1- تین، آیه، 3-1 .

2- قدیری، شوخ طبعی های طلبگی، ص 119 .

3- همان، ص 37 .

یکی از توصیه های اخلاقی آیت الله مجتهدی به طلاب این بود که نباید طلبه، زیاد مقدس مآب باشد؛ به طوری که اصلا حرف نزنند یا شوخی نکنند و نخندند. ایشان در ادامه می فرمایند:

تقل می کنند یکی از طلبه ها همین طور بود. کلاهی بر سر می گذاشت و با کسی نه حرف می زد و نه شوخی می کرد. کسی هم او را خندان نمی دید و خیلی سنگین و آیت الهی راه می رفت. به حدی که بقیه طلبه ها می گفتند حتما این آقا در آینده از علمای بزرگ می شود و سیمش به ملکوت اعلی وصل است و ممکن است با امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف هم در ارتباط باشد؛ اما بعد از مدتی دیدند که در کلاس درس شرکت نمی کند و غایب است. مدتی بعد او را دیدند که محاسنش را تراشیده، از طلبگی بیرون رفته است. این عاقبت مقدسی زیاد است. از کسانی که اصلا شوخی نمی کنند و نمی خندند و حرف نمی زنند، باید برحذر بود؛ چراکه علما هم گاهی باهم مزاح می کنند و می خندند. (1)

رفت و آمدها

کسانی که در شهر خود یا در شهر دیگری طلبه می شوند، هنوز ارتباط های عاطفی قوی با خانواده دارند و بهتر است این ارتباطها هم چنان حفظ شود. میزان ارتباط های شما با خانواده، بستگی به موقعیت خانوادگی و مسافت محل تحصیل با محل سکونت خانواده تان دارد. اگر خانواده تان در شهر محل تحصیل شماست، می توانید هفته ای یک بار یعنی روز جمعه به دیدار آن ها بروید و در کنارشان باشید و از احوالشان پرس و جو کرده و یاری شان کنید. اگر خانواده شما در شهر دیگری است، با تلفن یا با ابزارهای ارتباطی دیگر در تماس باشید و هر از گاهی (مثلا دو هفته، یک بار

ص: 77

یا هر ماه، یک بار) به دیدارشان بروید .

مهم ارتباط شما با خانواده، به ویژه در اوایل طلبگی است. استمرار این ارتباط ها ضروری است و حداقل فایده آن، حمایت های عاطفی خانواده از شماست که مورد نیاز هر انسانی است. طلبه هایی که سن کمتری دارند، از نظر عاطفی، نیاز بیشتری به حمایت خانواده دارند. البته رفت و آمدها نباید بیش از حد باشد، به طوری که مانع تحصیل شود؛ زیرا بعضی از طلاب، وابستگی عاطفی شدیدی به خانواده دارند و تحمل دوری از آن ها برایشان بسیار سخت است و می کوشند هر طوری شده، شب ها به خانه بروند. توصیه می شود این افراد، کمی صبر و تحمل را بر خود تحمیل کنند تا به تدریج بر دوری از خانواده عادت نمایند، رفت و آمدهای گاه و بی گاه، تمرکز به تحصیل را از بین برده و ذهن را مشوش می سازد.

برخی از طلبه ها، همین که وارد حوزه میشوند دچار نوعی احساس غرور و تکبر کاذب می شوند و گمان میکنند هرچه زودتر باید، ناراستی های خانواده، دوستان و حتی جامعه را اصلاح نمایند و به همین دلیل در رفتار با آنان افراط میکنند. برای مثال مدام از پدر خود می پرسند که آیا خمس داده ای یا نه؟ چرا خمس مالت را نمی دهی؟ چون خمس نمی دهی پس مال و زندگی شما شبهه دار است و نمیتوان در این خانه غذا خورد یا نماز خواند. این افراد خانواده را متهم می کنند که موازین اسلامی را مراعات نمی کنند؛ خواهر حجاب اسلامی ندارد؛ برادر پوشش مناسب ندارد و... . طلبه هایی نیز هستند که ارتباط خود را با خویشان کم رنگ یا قطع می کنند؛

ص: 78

در حالی که اولاً این مسأله بر خلاف اخلاق اسلامی است و ثانیاً در آینده در شأن و منزلت اجتماعی وی مشکلاتی به وجود می آورد که جبران کردن آن به مراتب سخت تر است.

باید گفت اگر اعضای خانواده یا خویشان اشتباه هایی دارند، می توان به تدریج و با روش های مناسب توأم با مهربانی و احترام، اشتباه های آنان را گوشزد کرد و تذکر داد؛ ولی پیش از آن، لازم است در رفتارهای خود تجدید نظر کرده و رفتاری محبت آمیز داشته باشید. اگر طلبه خودش مزین به اخلاق اسلامی باشد، دیگران نیز تحت تأثیر قرار خواهند گرفت.

مطلب دیگر درباره رفت و آمدهای روزانه به بیرون از مدرسه علمیه است. برخی عادت کرده اند که پس از کلاس های روزانه، داخل شهر رفته و گشت وگذار کنند یا به کارهای غیرضرور برسند. این گونه رفت و آمدها برای درس و بحث ضرر داشته و افکار را پراکنده می سازد؛ زیرا گذشته از آن که هزینه بردار است زمان زیادی می گیرد، خسته کننده است و حوصله مطالعه و بحث را از انسان سلب می کند.

شب نشینی و گعده گیری

گعده گیری، هم نشینی های طلاب در عصرگاهی و بیشتر شبانگاهی است که زنگ تفریح و استراحت آنان به حساب می آید. وقتی طلاب از درس و بحث روزانه خسته می شوند، بعضی از آن ها در حجره دوستان خود جمع شده، اغلب با خوردن چایی و گاهی میوه و امثال آن، از هر جایی و موضوعی سخن به میان می آورند در این گعده ها مباحث بسیاری

هم چون موضوعات اخلاقی، سیاسی، مشکلات منطقه، مباحث علمی، فرهنگی، مسائل مدرسه و غیره مطرح می شود که بسیار خوب و ارزش مند است و البته جزء تفریح های طلبه ها شمرده می شود.

گعده گیری ها، در فضای بازی اتفاق می افتد که ممکن است طلبه ها از هر دری سخن گویند. در این هم نشینی ها، دیدگاه ها آشکار و نوع شخصیت آدم ها خود را نشان می دهد و طلبه ها با افکار هم دیگر آشنا می شوند.

باید مواظب بود در گعده ها، به گناه غیبت، دروغ شایعه پراکنی، تهمت و... مبتلا نشد که از انسان سلب توفیق می کند. زمان گعده ها نباید طولانی باشد؛ به طوری که طلبه را از درس و بحث دور کند یا فرصتها به بطلت بگذرد.

در بعضی از گعده ها، معمولا طلاب (به ویژه طلاب بدبین) از وضعیت

مدرسه شکایت کرده و مدام انتقاد می کنند و هر کسی را (از مدیر مدرسه گرفته تا استاد، طلاب، آشپز و...) بی رحمانه از دم تیغ انتقاد می گذرانند؛ بدون این که گاهی نگاهی به وضعیت خود داشته باشند و افکار و رفتار خود را نیز نقد کنند.

شاید بتوان گفت آنچه در گفت وگوهای دوره‌می، بیشتر از هر چیزی سهم دارد و گعده ها را داغ تر و جنجالی تر می سازد، بحث های سیاسی و مسائل روز جامعه است. طرفداری از یک گروه، حزب یا شخصیت انتخاباتی با استدلال های درست و نادرست، گاهی چنان دو طرف بحث را سرگرم می کند که هیجان ها به اوج خود می رسد و کنترل خود و دیگران بسیار سخت می شود. کنترل خود و پرهیز از تهمت، دروغ و... در اوج هیجان ها

بسیار مهم است و اگر کسی بتواند در آن موقعیت، به اخلاق پایبند باشد و تر و خشک را باهم نسوزاند، هنر کرده است. این مجادله‌ها در ایام انتخابات زیاد اتفاق می‌افتد و وقت درس و بحث طلبه‌ها را می‌گیرد. بعضی از طلاب، برای اینکه در بحث‌های سیاسی یا هر بحث دیگری، کم نیاورند و با استدلال، حرف خود را به کرسی بنشانند، ساعت‌ها از درس و بحث کم می‌گذارند و در روزنامه‌ها، مجله‌ها و اینترنت دنبال سابقه هزار ساله یک فرد خاصی می‌گردند. این جاست که باید گفت:

الا يا أَيُّهَا الطَّلَابُ نَاشِي *** عَلَيْنُكُمْ بِالْمُتُونِ لَا بِالْحَوَاشِي

یعنی طلبه باید حواسش را جمع کند و حاشیه‌ها او را از درس و بحث که متن اصلی وظیفه و تکلیف اوست باز ندارد. این امر در مورد طلابی که دنبال عرفان بازی، حفظ شعرهای غیرضرور و مطالعه کتاب‌های نامربوط هستند، نیز صادق است. در خاطرات حجت الاسلام و المسلمین آقای قرائتی آمده است:

شخصی به من گفت: آقای قرائتی! در تلویزیون مثالی زدی که مرا حسابی تکان داد! مثل این بود که گفتی: اگر یک نوار ده تومانی داشته باشی، حاضر نیستی صدای گربه روی آن ضبط کنی، ولی حاضری روی نوار مغزت، هر چرت و پرتی را ضبط کنی؛ چرا شنیدن دروغ، تهمت، غیبت و... برایت بی اهمیت است؟ (1)

گعده گیری با جروبحث، سروصدا و شوخی و خنده همراه است و معمولاً گعده گیران متوجه گذشت زمان و سروصدا و اذیت شدن طلبه‌های سایر حجره‌ها نیستند. مراقب باشید غفلت شما را فراموش کرد و گعده گیری تان شما را

ص: 81

1- بهشتی، خاطرات استاد (خاطرات از زبان حجت الاسلام محسن قرائتی)، ص 19-120.

از زمان استراحت بقیه طلاب غافل نگرداند. خدای نکرده، اگر با جروبحث‌ها، برای کسی مزاحمت ایجاد شود، چه بسا انسان سلب توفیق شود.

بنابراین زمان خاصی را برای دور هم بودن قرار دهید و بیش از آن، به دیگران اجازه ندهید وقت شما را بگیرند. جرأت «نه» گفتن داشته باشید و خیلی محترمانه، از دوستان خواهش کنید که حجره را ترک نمایند. البته این کار با رفتارهای ظریف و لطیف نیز می‌تواند همراه باشد. برای مثال، بلند شوید و رخت خوابتان را برای استراحت پهن کنید. معنای این رفتار آن است که گعده‌گیری دیگر بس است و همین‌طور رفتارهای دیگر.

حضور اساتید یا مدیران در حجره

مدیران مدرسه برای این که از وضعیت مدرسه، درس و بحث نحوه درس خواندن طلبه، میزان پای بندی او به درس و پیشرفت تحصیلی وی شوند و همچنین ارتباط خود را با طلبه‌ها افزایش داده و مشکلات آنان را درک کنند، گاهی به حجره‌ها می‌روند و زمان کوتاهی را با طلاب به گفت‌وگو می‌نشینند و گپ می‌زنند. اساتید مدرسه نیز برای انگیزه دادن، تشویق و اطلاع از وضعیت تحصیلی، مهمان طلبه‌ها در حجره‌ها می‌شوند و ضمن خوردن چایی، سؤال‌هایی را می‌پرسند. آیت‌الله بنایی می‌گوید:

[یک راه ارتباط] از طریق سرزدن به حجره‌ها است. با اینکه حجره‌ها [ی مدرسه] هم در فاصله بیشتری از هم قرار دارند، به هر حجره چند دفعه شخصا سر زده‌ام. ابتدا در می‌زنم؛ حتی گاهی می‌بینم چراغ حجره روشن است، اما چون جواب «بله» نمی‌شنوم یا می‌بینم یکی از افراد حجره خوابیده، بر می‌گردم و اگر جوابی آمد، به حجره رفته و حالشان را می‌پرسم. به پاکیزگی و

نظافت حجره ها و این ها، مشغول مطالعه هستند یا نه؟ توجه می کنم. (1)

وظیفه طلبه در این گونه موارد، اکرام مدیران و اساتید و احترام به آنها و رعایت اخلاق مهمان نوازی است.

مباحثه درس

مباحثه، با یک دیگر بحث کردن درس و پژوهیدن علم است. مباحثه یکی از ویژگی های نظام آموزشی حوزه های علمیه است. در این سنت نیکوی علمی که شاید یکی از بهترین و موثرترین شیوه فهم عمیق و فراگیری سریع علوم و معارف است، بر اساس روش قرآنی «مجادله باحسن» می باشد و از سلف صالح و علمای ربانی به ما ارث رسیده است. مباحثه، کاویدن درس است که میان چند نفر از طلبه ها صورت می گیرد. مباحثه معمولاً در نمازخانه، مسجد، مدرس (کلاس درس)، حجره یا هر جایی از مدرسه علمیه که بتوان نشست و بحث علمی کرد، رخ می دهد. مباحثه آدابی دارد که رعایت آن ها لازم است.

1. وقت شناسی و حضور به موقع برای مباحثه؛

2. جدیت در کار و تلف نکردن وقت مباحثه با صحبت های متفرقه؛

3. مطالعه مبحث مورد نظر و احیانا حواشی و شروح مربوط، قبل از مباحثه؛

4. فهم عمیق و دقت در کشف معنای متون و عبارات؛

5. انصاف در بحث و پرهیز از مرأ و جدال؛ (2)

6. رعایت ادب و اخلاق و داد و بی داد نکردن؛

ص: 83

1- حسین خانی، نقش تربیتی مدیران در مدارس علمیه، ص 169-170.

2- وافی، نسیم هدایت، ص 179؛ به نقل از آیت الله محمد تقی مصباح یزدی.

7. توهین نکردن به هم مباحثه ای و استاد برای اثبات مطلب خویش؛

8. عذر خواهی از اهانت های احتمالی.

اگر مباحثه در حجره صورت می گیرد، التزام به حساسیت های اخلاقی و مراعات کردن دیگران شدیدتر می شود؛ زیرا احتمال اینکه سروصدا دیگران را اذیت کند، بیشتر است؛ بنابراین باید مواظب بود، بحث با سروصدای کمتر باشد. اگر فضای حجره به گونه ای است که احتمال داده می شود حواشی بحث زیاد باشد و به مسائل دیگر بیشتر پرداخته شود تا خود بحث (مثل بحث سیاسی، شوخی کردن، خوردن میوه یا چایی، پلاس شدن و...) بهتر است مباحثه را به جای دیگر انتقال دهید که از احتمال مذکور بکاهد و به بحث آسیبی نرساند.

در خاطرات شیرین یکی از علما آمده است :

مرحوم شیخ محمد علی سرابی از جمله اساتیدی بود که مرد با فاضل و زاهدی بود. او استادی مهربان بود و همیشه چایی در اتاقش حاضر بود. آیت الله راستی کاشانی می گفت: «ما هر وقت تشنه می شدیم و هوس چایی می کردیم، سؤال را بهانه می کردیم و به حجره آقای سرابی می رفتیم؛ چون آن جا همیشه چایی حاضر بود. هم سؤال را مطرح می کردیم و هم چایی می خوردیم.» (1)

ص: 84

1- احمدی، خاطرات حجت الاسلام والمسلمین حاج شیخ محمد فاضل استرآبادی، ص 90.

فعالیت های فرهنگی در حجره

اگر طلبه ای در مدرسه، علاوه بر درس به فعالیت های فرهنگی و هنری مدرسه نیز مشغول است، آن ها را در اتاق مخصوص کارهای فرهنگی انجام دهد، نه در حجره. کار فرهنگی در حجره ای که دیگران نیز در آن حق زندگی و استراحت دارند، مخل آسایش، مطالعه، تفکر و عبادت بقیه است و به طور کلی، فضای حجره را تغییر می دهد و احتمال دارد محل رفت و آمد زیاد باشد؛ مگر این که در حجره کسی نباشد، یا حجره و هم حجره ای ها از آسیب های بالا در امان باشند.

میز مطالعه

میز مطالعه از ابزارهای تحصیلی یک طلبه است. اندازه آن مثل میزهای کتابخانه ای که روی صندلی می نشینند و مطالعه می کنند، نیست، بلکه این میز مخصوص نشستن روی زمین و مناسب متراژ حجره است؛ زیرا اندازه حجره ها معمولاً کوچک ساخته می شود و اگر قرار باشد هر طلبه ای یک میز مطالعه با یک صندلی جداگانه داشته باشد، در حجره جایی برای استراحت و کارهای دیگر نمی ماند.

البته در مدارس که کتابخانه دارند، شاید ضرورتی برای داشتن میز مطالعه احساس نشود؛ ولی بعضی از طلاب دوست دارند در حجره نیز این میز را داشته باشند تا هنگام مطالعه، نوشتن یا کارهای دیگر راحت باشند.

اگر به داشتن میز مطالعه علاقه مند هستید، خوب است موارد زیر مراعات شود:

1. بکوشید پس از مطالعه، میز را در جایی قرار دهید که مزاحم رفت و آمد دیگران نشود؛

2. به تمیزی، سالم و زیبا ماندن میز اهمیت دهید. میزی که روی آن نوشته یا کنده کاری شده یا به جای صندلی استفاده می شود، حالت اولیه خود را از دست می دهد و از حیز انتفاع ساقط می شود.

3. اگر هم حجزه ای خواست از آن استفاده کند، این اجازه را به او بدهید.

رادیو و تلویزیون

اگر از کسانی هستید که به تماشای تلویزیون بسیار علاقه مندید و دوست دارید وقت خود را برای تماشای فیلم ها، برنامه های ورزشی، برنامه های طنز و... بگذرانید، بکوشید به تدریج از تماشای این برنامه ها بکاهید و درس را جایگزین آن سازید. علاقه شدید به جعبه جادویی (تلویزیون)، به طور حتم وقت زیادی خواهد گرفت و از درس خواندن باز خواهد داشت. تماشای تلویزیون در حد ضرورت، مثل اخبار یا بعضی از حوادث سیاسی شاید مشکلی نداشته باشد؛ ولی می توان اخبار را از رادیو نیز پی گرفت.

به هر حال، از کسانی نباشید که مسحور جعبه جادویی هستند و بیشتر وقت خود را جلوی آن می گذرانند، تلویزیون وسیله ای برای سرگرمی عموم مردم است، نه طلبه ای که وظیفه اصلی او درس خواندن می باشد. بدتر از آن، رفتار کسی است که به بهانه مهم و حساس بودن برنامه تلویزیونی، درس را تعطیل کند و پیش خود توجیه نماید که درس را با مباحثه و مطالعه زیاد شرح ها جبران خواهد کرد. آیت الله مجتهدی می فرمایند:

باید کارهای غیر طلبگی را کنار بگذاری. به حلال و حرام بودن کاری ندارم. طلبه ای که وقت کند تلویزیون و فیلم ها و سریال های هفتگی را نگاه کند، معنای طلبگی را نفهمیده است. هیچ کاری را نباید مانع درس قرار بدهید. نگوئید کار داشتیم و به درس نیامدم. (1)

خواندن روزنامه و مجله

خواندن روزنامه یا مجله جهت آگاه شدن از مسائل اجتماعی و سیاسی

جامعه یا مباحث علمی تازه و مطرح، برای روزآمد شدن مهم است و شاید یکی از ضرورت های طلبگی به شمار رود. گاهی مدارس نسبت به تهیه آن ها اقدام می کنند و اتاقی را مخصوص خواندن روزنامه یا مجله قرار می دهند که بهتر است از آنجا استفاده شود. البته توجه به این نکته بسیار مهم است که نباید وقت خود را زیاد به خواندن روزنامه یا مجله های غیر علمی (به ویژه مطبوعات یا مجله های زرد (2)) هدر داد و هر آن چه در آن ها آمده، مطالعه کرد. نگاهی گذرا به اخبار و مسائل مهم برای آگاه شدن کافی است. این که طلبه وقت ارزشمند خود را ساعت ها برای مطالعه روزنامه یا مجله صرف کند و از درس و بحث عقب بماند، درست نیست؛ مگر این که مطلب مهم علمی یا تحلیل سیاسی که به بصیرت و تحلیل وی بیفزاید.

هم چنین ضرورتی ندارد که به همه روزنامه ها یا مجله ها مراجعه گردد؛ به ویژه از طریق سایت ها که معمولاً نسخه دیجیتالی آن ها در اینترنت بارگذاری می شود.

ص: 87

1- برخوردار فرید، آداب الطلاب، ص 208.

2- یکی از ویژگی های مطبوعات زرد، «فقدان کمترین اخلاق» است؛ در نتیجه به جای انتشار اخباری که صحت و سقم آن ها قابل بررسی است، به شایعات میدان می دهند. (<http://rastinews.blogfa.com/post.aspx> 40).

خواندن روزنامه در حجره، گاهی به مباحثات سیاسی بی فایده منجر می شود؛ به طوری که ساعتها درباره مسائل سیاسی گفت و گو صورت می گیرد، بدون اینکه نتیجه ای به دست آید. معنای این سخنان، آن نیست که طلبه از مسائل سیاسی و اجتماعی مهم روز آگاه نباشد و سر در خود فرو برد و فقط درس بخواند، بلکه به معنای پرهیز از پرداختن بیش از ضرورت به مسائل سیاسی است که در آن مقطع تحصیلی نیاز نیست. درگیری های سیاسی و حزبی برای یک طلبه، جزء ضرورت های تحصیلی نیست.

مراجعه به سایت ها

امروزه با گسترش اینترنت، اکثر مردم به آن دست رسی دارند؛ به خصوص که شرکت های خدمات اینترنتی از راه های گوناگون، اینترنت را در اختیار دارندگان تلفن همراه گذاشته اند و امکان دست یابی برای مردم در دور دست ها نیز فراهم شده است. وجود شبکه های اجتماعی، خبرگزاری ها، سایت های گوناگون، گیم ها و... تنوع شگفت انگیزی در اینترنت به وجود آورده که همه را مشغول خود کرده است. اگر طلبه ای بخواهد دائم در شبکه های اجتماعی یا سایت ها و خبرگزاری ها دنبال مطالب گوناگون باشد یا حتی به صورت مختصر در اینترنت گشت و گذار کند، چنان سرگرم می شود که گذر زمان را متوجه نمی شود.

با داشتن چنین امکانات گسترده ای، کسی که بتواند وقت خود را مدیریت کند و از وقت گذرانی بیهوده پرهیزد و تنها برای اطلاع از برخی مسائل مهم در اینترنت به جست و جو پردازد، او خواهد توانست به درس و بحث خود

برسد. سرگرم شدن به مسائلی که فایده چندانی، جز سرگرمی ندارند و انسان را از رسیدن به هدف مقدس و مهم باز می دارند، غیر از پشیمانی از عمر به هدر رفته و بی سوادی سودی نخواهد داشت. پس چرا انسان عاقل کاری کند که بازآید پشیمانی.

کارهای غیر معمول طلبگی

اولویت اول طلبه، باید درس خواندن و درس دادن باشد و از کارهایی که او را از آن دو بازدارد، بپرهیزد؛ ولی کسانی هستند که به کارهایی غیر از تحصیل، مثل نقاشی، طراحی، عکاسی، خطاطی، رایانه و... نیز علاقه مندند و دوست دارند آنها را همراه با دروس حوزوی دنبال کنند؛ بنابراین هرگاه فرصتی به دست می آورند یا می خواهند تنوعی در فعالیت های روزمره ایجاد کنند، به آن کارها می پردازند. شاید بتوان گفت انجام اینگونه کارها تا زمانی که مخل آسایش هم حجره ای ها یا کسان دیگر نشود یا در تحصیل و درس و بحث مانع به وجود نیآورد، مشکلی ندارد و فرد می تواند مهارت های هنری خود را افزایش دهد.

البته یادگیری هنر خطاطی و خوش نویسی، انواع برنامه های آموزشی و پژوهشی رایانه یا برخی از هنرها که در آینده سودمند خواهند بود، برای طلاب لازم و ضروری است؛ ولی بیش از آن بستگی به علاقه فرد دارد.

در زمانی که هنوز حجره نشین هستید و درس می خوانید، از مشغول شدن به کارهای غیر طلبگی، از قبیل کار کردن در اداره ها و مؤسسه ها، کتاب فروشی، امام جماعت شدن در چند جای مختلف شهر و به طور

کلی هر آن چه مانع تحصیل باشد، دوری کنید؛ زیرا این گونه امور، وقت و فکر طلبه را می گیرد و حضور او را در مدرسه و کلاس درس کم رنگ می کند و پس از مدتی متوجه می شود که اشتغال های موقت بیرونی، او را از درس خواندن بازداشته و دیگر حوصله درس نیز ندارد.

این مسأله در مورد کسانی بود که مجرد هستند و می توانند حتی در صورت مشکل مالی، به درس خواندن ادامه دهند؛ اما آنهایی که نیاز خانوادگی یا شخصی ضروری دارند، برای رفع حواجیج در حد ضرورت و آن هم در مقطع خاصی که مشکل برطرف شود، می توانند همزمان با تحصیل، به کار کردن روی بیاورند و به تأمین معاش خود و خانواده بپردازند. اگر کار کردن بازی طلبگی سنجیت داشته باشد، بهتر است. به طور جد از کارهایی که در شأن طلبگی نیست، باید پرهیز کرد.

پلاس بودن در حجره های دیگر

بعضی از طلبه ها، هدف مشخصی در زندگی ندارند و حتی حوصله درس خواندن نیز ندارند و همواره برای گذران عمر، در حجره های دیگر پلاس اند. مدام از این حجره به حجره دیگر در رفت و آمدن هستند و به غیر از خودشان، وقت سایر طلاب را نیز ضایع می کنند. تکلیف با چنین افرادی مشخص است که یا باید در حد توان نصیحتشان کرد تا بلکه از راه نادرست انتخاب شده برگردند یا در صورت عدم تأثیر، باید از آنان دوری کرد. در برخورد با فردی که با هدف وقت گذرانی، وارد حجره می شود، به سه گونه می تواند رفتار کرد:

1. با اخلاق خوب و روی خوش، به او تذکر داده شود که دیگر مزاحم نشود؛

2. او را نسبت به وظیفه طلبگی آگاه سازد و به درس خواندن و هدف داشتن ترغیب کند و سرانجام بی هدفی و بی سوادی را گوشزد نماید. اگر تذکر فایده نداشت، او را به رفتن از حوزه تشویق کند؛

3. از او دوری کند و دیگر به حجره خود راه ندهد.

ورزش در حجره

ورزش برای سلامت جسمی، بهداشت روحی و روانی و آمادگی ذهنی برای ادامه تحصیل، یکی از ضرورت های حیات طلبگی به شمار می رود. بعضی از طلاب امروزی، برخلاف طلاب زمانهای گذشته، ورزشکار هستند و می کوشند در کنار تحصیل، فعالیت ورزشی نیز داشته باشند. مقام معظم رهبری در یکی از سخنرانی های خود، سه انتظار از جوانان را برشمردند که یکی از آن ها، ورزش بود. این انتظار از طلاب نیز مطالبه می شود.

اما دانشجوی موفق، به حیث دانشجویی، این است: باید خوب درس بخواند، به اخلاق و تهذیب نفس پردازد ورزش هم بکند. (1)

ورزش برای رشد و بالندگی، ایجاد توانایی و نیرو، گسترش مهارت در زندگی، تقویت روحیه کار و تحصیل و تأمین نیازهای غریزی و بهداشت روانی، پرورش روح، ایجاد هماهنگی بین قوای جسمانی و روانی، دست یابی به استقامت بدنی، شهامت و آمادگی بهتر برای رویارویی با سختی های زندگی و در یک جمله، لازمه یک زندگی مطلوب و توأم با نشاط و تندرستی است.

با این فرض، طلبه نباید از ورزش دور. بماند طلبه حداقل باید روزی

ص: 91

1- بیانات رهبر معظم انقلاب در جلسه پرسش و پاسخ دانشگاه تهران، مورخه 1377/2/22.

نیم ساعت پیاده روی کند که ساده ترین و کم هزینه ترین ورزش به شمار می رود. پیاده روی یا نرمش کردن در حجره مناسب به نظر نمی رسد و بهتر است در حیات مدرسه صورت گیرد؛ چراکه یا برای دیگران مزاحمت ایجاد می شود، بوی عرق بدن، حجره را نامطبوع می سازد یا اینکه احتمال آسیب دیدن دیوار و وسایل حجره وجود دارد.

مهمان آوردن به حجره

مهمان نوازی بسیار خوب و در روایات به آن فراوان تأکید شده است؛ ولی برای کسی که مشغول تحصیل است، باید زمان آن را مراعات کند. اگر هنگام ناهار، دوستان حجره های دیگر را دعوت می کنید که باهم باشید و سپس بعد از صرف ناهاری که مدرسه داده، هر کدام دنبال کار خود بروید، منحل درس نخواهد بود؛ ولی اگر بعد از ناهار، مدتی را باهم گپ بزنید و از فعالیت های تحصیلی باز بمانید، آفت تحصیل است.

دوستان خوب کسانی هستند که مزاحم وقت دیگران نشوند و بی درنگ پس از صرف ناهار، حجره را ترک کرده و گعده گیری و مهمانی را برای روزهای تعطیلی حواله کنند. اما کسانی که دنبال بهانه ای هستند که دیگران آن ها را برای صرف ناهار یا شام دعوت کنند و فرصت را غنیمت شمارند تا ساعت ها در آن حجره پلاس باشند، باید از آنان دوری کرد؛ چراکه چنین دوستانی، قاطعان طریق تحصیل محسوب می شوند.

مرحوم شهید ثانی در کتاب «منیه المرید» می گوید:

باید طلبه از معاشرت با افرادی که او را از مسیر تحصیل منحرف می سازند، خودداری نماید؛ زیرا ترک معاشرت با چنین افرادی از مهمترین وظایفی است که باید طلبه با

اهتمام کافی آن را رعایت کند؛ به ویژه با افراد نامناسب و نامتجانس، و بالاخص با افرادی که کم خرد و تن پرور و تن آسا می باشند و عمر خویش را به بطالت می گذرانند.

چون طبع و سرشت آدمی، حالات معاشران خود را می دزدد و مانند آنان می شود. مهم ترین آثار معاشرت های نادرست، هدر رفتن عمر انسان و از دست دادن هدف و تباه شدن دین و آیین شخصی می باشد. مسأله ای که باید طلبه در معاشرت خود در نظر بگیرد، این است که فقط با افرادی معاشرت کند که خود به آنها سود برساند و یا آن ها به او منفعتی برسانند و اگر احساس کرد که به یار و رفیقی نیاز دارد، رفیق و همدمی برای خود انتخاب کند که شایسته و دین دار و پرهیزکار باشد. (1)

عده ای بسیار مهمان نواز هستند و دوست دارند همیشه اطرافشان شلوغ باشد و برای همین زیاد مهمان به حجره دعوت می کنند یا به حجره های دیگر می روند. این رفتار نیز به تحصیل آسیب می رساند. یکی از دوستان، بسیار مهمان نواز بود و در حجره اش به روی همه باز، این دوبیت زیبا هم روی دیوار اتاقش جا خوش کرده بود:

از فروغ روی مهمان شد منور حجره ام *** حجره ام فانوس و مهمان شمع و من پروانه ام

در حجره ما روغن اگر نیست، صفا هست *** آن جا که صفا هست، در آن نور خدا هست (2)

از طرف دیگر، این که کسی به بهانه درس و مطالعه ارتباط خود را با همه قطع کند و با کسی معاشرت نداشته باشد، این رفتار هم خوب نیست؛ زیرا چنین فردی فقط درس خوانده و از یادگیری آداب اجتماعی که در آینده

ص: 93

1- شهید ثانی، منیه المرید، ص 229.

2- قدیری، شوخ طبعی های طلبگی، ص 30.

در رفتار با مردم بسیار اهمیت دارد، محروم خواهد ماند و هم چنین دوستی نخواهد داشت که چگونگی معاشرت را بیاموزد.

تنها ماندن در حجره

آنچه از روایات استفاده می شود، تنها خوابیدن در خانه کراهت دارد. هنگام خواب، افکار گوناگون به انسان هجوم می آورد و گاهی او را دچار تشویش می کند، اگر انسان تنها بخوابد، این تشویش ها شدیدتر می شود. علاوه، هنگام تنهایی، افکار شیطانی به قدری بر انسان هجوم می آورد و روح آدمی چنان جولانگاه اندیشه های پست و پریشان می گردد، که ممکن است انسان را به طرف گناه بکشاند. امام صادق علیه السلام فرمودند:

(إِنَّ الشَّيْطَانَ أَشَدَّ مَا يَهُمُّ بِالْإِنْسَانِ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ فَلَا تَبَيْتَنَّ وَحْدَكَ وَلَا تُسَافِرَنَّ وَحْدَكَ)؛ (1) مهم ترین و جدی ترین توجه شیطان به آدمی زمانی است که وی تنها باشد. پس هرگز شب تنهایی نخواب و هیچگاه تنهایی مسافرت نکن.

اگر چاره ای جز تنها خوابیدن و تنها سفر کردن نباشد، باید با توجه بیشتر به خدا و افزودن بر ذکرهای قلبی و زبانی، راه را بر نفوذ شیطان بست و از شر آن دشمن قسم خورده، به آستان قدس و رحمت و فیض و کرم پروردگار پناه برد.

(وَسَبَّحَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ بَيْتًا فِي بَيْتٍ وَحْدَهُ، فَقَالَ: إِنِّي لَأَكْرَهُ ذَلِكَ، وَإِنْ اضْطُرَّ إِلَى ذَلِكَ فَلَا بَأْسَ وَلَكِنْ يَكْثُرُ ذِكْرُ اللَّهِ فِي مَنَامِهِ مَا اسْتَطَاعَ). (2) از امام صادق درباره مردی پرسیده شد که در خانه تنها می خوابد. حضرت فرمود: من آن رازش می دانم و اگر ناچار است؛ پس ترسی نیست [و تنها بخوابد]؛ ولی تا آنجا که می تواند هنگام خواب، زیاد ذکر بگوید.

ص: 94

1- کلینی، الکافی، ج 6، ص 534.

2- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 3، ص 581.

نصب اطلاعیه بر در حجره

بعضی از طلبه ها، وقت خالی یا زمان مناسب و مجاز مراجعه دوستان

خود به حجره را روی کاغذی نوشته و بر در حجره نصب می کنند تا اگر کسی کاری داشته باشد، در آن ساعت ها مراجعه کند؛ به طوری که غیر از آن ساعت، از پذیرش دوستان معذور هستند. چنین رفتاری، از لحاظ اینکه موجب نظم و انضباط در کار خود و دیگران می شود، بسیار خوب و پسندیده است و باعث می شود فرد به کارهای روزمره تحصیلی خود برسد؛ ولی بهتر است هر از گاهی، برنامه ثابت را تغییر داده و در آن تنوع ایجاد کند تا برنامه از خشک بودن درآید. فردی چنین کاری می کند که در برنامه تحصیلی خود جدی است و می خواهد وقتش را هدر ندهد.

ص: 95

چه حس بدی است که وقتی پس از کلاس، وارد حجره شوی و ببینی ساعتی پیش که آن را مثل دسته گل، تمیز و مرتب کرده بودی، اکنون هم حجره ای به هم ریخته است. استکان چایی که جلوی پنجره جا خوش کرده و ته آن تقاله های چایی مانده؛ تکه نان هایی که از سفره روی زمین ریخته و جمع نشده؛ کتاب هایی که کنار میز مطالعه باز ولو شده و منتظر مطالعه اند و حوله مرطوبی که از قفسه کتابخانه دیواری آویزان است. کی خواهد شد روزی ببینم که هم اتاقی من، نسبت به تمیزی و ترتیب اهمیت دهد و به اصطلاح از شلختگی درآید؟ چه می شد که من هم، یک هم حجره ای مثل فلانی داشتم که هر دو به کمک هم، حجره خودشان را همیشه تمیز و مرتب نگه می دارند؟ هر وقت وارد حجره آن ها می شوی، انگار همین الان جارو کشیده اند و وسایل آن را مرتب کرده اند. دوست داری آن جا مطالعه کنی، عبادت کنی و حتی بخوابی .

آن ها در هفته، دو بار حجره شان را مرتب می کنند. یکی جارو می کشد و دیگری وسایل را منظم سر جای خود می گذارد و بقیه روزها هم، آن چنان مواظب هستند که حجره تفاوت چندانی با آن دو روز ندارد. اما من هر روز هم مرتب کنم، وضع همان است. انگار که حجره ما، سال ها متروک شده و کسی در آن زندگی نمی کند.

گاهی به هم حجره ای ام تذکر می دهم که مراعات کند و زیاد ریخت و پاش نکند یا هر از گاهی هم به من کمک کند؛ ولی او اصلا به نظم تمیزی و مرتب بودن اهمیت نمی دهد. او چنین بزرگ شده است و انگار تنها درس خواندن برای او اهمیت دارد و دیگر هیچ، روزی را تصور کنید که من نباشم و او تنها در حجره زندگی کند، واقعا چه اتفاقی خواهد افتاد؟

درس، اتاق، هم حجره ای، نحوه معاشرت با دیگران، جزئی از زندگی هستند و این اجزا، هرگاه در جای خود قرار گیرند، زندگی حالت طبیعی دارد. اگر کسی، تنها به درس اهمیت دهد و بس؛ ولی توجهی به اطراف خود نداشته باشد، او آدم موفق نخواهد شد.

مگر نه این است که اسلام به نظم و انضباط و مرتب بودن بسیار سفارش کرده و پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم بیش از همه، این مسأله را مراعات می کرد. اکنون که ما پا جای پای پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم گذاشته ایم، نباید بویی از رفتارهای ایشان در زندگی برده باشیم؟

این که قبلاً کجا بودیم، چگونه زندگی کرده ایم و چه چیزهایی از مهارت های زندگی نیاموخته ایم، مهم و در زندگی تأثیرگذار هستند؛ ولی می توانیم در سن جوانی، رفتارهای غلط خود را تغییر داده و چیزهای تازه ای بیاموزیم. اگر تمیزی و مرتب بودن را در خانه پدر و مادرمان یاد نگرفته ایم؛ ولی چشم و عقل داریم و حجره بعضی ها را می بینیم که چقدر مرتب است و احساس خوب شادابی، سرزنده بودن و زندگی به انسان می دهد؛ پس ما چرا آنگونه نباشیم؟

اگر یاد نگرفته بودیم، بیاموزیم؛

اگر یاد گرفته ایم و متوجه نیستیم، توجه کنیم؛

و اگر متوجه هستیم و اهمیت نمی دهیم، بدانیم که این رفتار ما، مورد پسند پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم و معصومین علیهم السلام نیست.

حجره ی ما، لباس ما، وسایل ما و حتی خود ما، به تمیزی و مرتب بودن نیاز داریم. با برنامه ریزی می توان در بعضی از روزها، حجره را جارو زد و

ص: 100

مرتب کرد؛ لباسها را شست و اتو کرد و در جای مخصوص قرار داد؛ برای هر کدام از وسایل حجره جایی را مشخص کرد و در جای خود گذاشت و با حمام کردن خود را تمیز نگه داشت و خوش بو ساخت تا دیگران از بوی عرق بدنمان اذیت نشوند.

چه بهتر که پس از تمیزی و جابه جا کردن وسایل، در حفظ تمیزی نیز کوشا بود و بلافاصله پس از مرتب کردن، وسایل حجره را به هم نریخت. اگر هر چیزی را که بر می دارید، پس از استفاده، همان لحظه در جای خود قرار دهید، هیچگاه حجره نامرتبی نخواهید داشت.

بعضی ها هستند که فقط به خودشان می رسند و لباس های تمیز و مرتب می پوشند؛ ولی هیچ کاری با محل زندگی خود ندارند. برای چنین افرادی، فقط خودشان مهم هستند و دیگران زیاد اهمیت ندارند.

استفاده از عطر و خوش بوسازی حجره

استفاده از بوی خوش، جزء مستحبات است و پیامبر هزینه زیادی برای آن می کردند و همیشه معطر بودند. حضرت علیه السلام در روایتی می فرماید:

بهترین بندگان خدا کسانی هستند که به پیمان خود وفا کنند و بوی خوش به کار برند. (1)

اما شما چقدر خود را خوش بو می سازید؟ عطر مورد علاقه شما چه نوع عطری است؟ آیا از بوی تند استفاده می کنید یا ملایم؟ در استفاده از عطر، چقدر دیگران را مراعات می کنید که از بوی عطر شما اذیت نشوند؟

برخی هیچ وقت از عطر استفاده نمی کنند؛ بعضی ها عطرها را ملایم

ص: 101

می زنند و عده ای عطرهایی را به کار می برند که بوی آن ها بسیار تند است و بوی آن به مشام کسی که صد متر آن طرف تر است، می رسد و شاید او را اذیت کند چه رسد به هم حجره ای که در یک اتاق باهم زندگی می کنند.

در استفاده از عطر توجه به نکته هایی سودمند است:

1. حتما خود را خوش بو سازید؛

2. بکوشید بوی عطر شما، دیگران را اذیت نکند و به ویژه هم حجره ای را. عطر انتخابی شما هر چه باشد، باید آن قدر لطیف و نافذ باشد که به «حریم خصوصی» دیگران تجاوز نکند و در عین حال، به قدر کافی دلنشین باشد که دیگران را در اطراف شما نگه دارد. اگر چنین عطری وجود ندارد یا نپسندید، بکوشید در اوقات تنهایی از عطر مورد علاقه تان استفاده کنید؛

3. عطری انتخاب کنید که با رایحه طبیعی پوست بدنتان هماهنگ باشد؛

4. عطر باید بر آراستگی عمومی شما بیفزاید .

گل در حجره

استفاده از گل در حجره، فضای حجره را شاداب می سازد و رسیدگی کردن به آن روح امید و نشاط می آفریند. چه بهتر که در حجره از گل های طبیعی استفاده شود. نگهداری گل های مختلف، هر کدام روش خاصی دارد و از یک دیگر متفاوت هستند. بعضی باید در آفتاب باشند و برخی دیگر، باید زیاد آب داده شوند و... به هر حال، دانستن نکته های نگهداری گل ها در رشد و طول عمر آنها مهم است و می توان اطلاعات لازم را از کتاب ها، مجله ها، سایت ها دریافت کرد. هنگام آب دادن به گل ها، مواظب باشید،

ص: 102

زیاد آب نریزد تا سرریز شود یا از سوراخ ته آن بیرون بریزد و حجره را خیس کند از گلدان هایی استفاده کنید که از نظر ظاهری زیبا هستند و به زیبایی حجره می افزایند.

اگر از گل طبیعی نمی توانید نگهداری کنید یا وقت رسیدگی ندارید، حتما از گل مصنوعی در حجره بهره ببرید و فضای حجره را شاداب سازید، هر از گاهی، آن ها را گردگیری کرده و تمیز نمایید یا جای آن را تغییر دهید تا حجره از یک نواختی درآید.

لباس ها

لباسی که از قدیم میان طلبه ها برای پوشیدن معمول است، اغلب عبارت است از: شلوار با پارچه ای معمولی، پیراهن سفید یقه دار (به اصطلاح یقه آخوندی). اگر طلبه ای معمم شود، علاوه بر آنها، عمامه به سر سرگذاشته، قبایی می پوشد و عبایی روی دوشش می اندازد. در قدیم، معمولا طلبه ها از یک کلاه نیز استفاده می کردند که امروزه تا حدی منسوخ شده است. اما اکنون، طلبه ها تنها به لباس سفید بسنده نمی کنند، بلکه لباس های رنگی و یقه دار نیز می پوشند.

بدون این که لباس خاصی را معرفی کرده باشیم توجه به نکته هایی در پوشیدن لباس ها مهم است :

1. مراعات زی طلبگی در داشتن و پوشیدن لباس ها مهم است. بدین معنا که طلبه نمی تواند لباس هایی به تن کند که جلف و زننده بوده و مردم عادی و نیز علما و طلبه ها آن را نمی پسندند یا لباس هایی که از لباس های

«مشهور» به شمار می روند؛ همانند لباس های تنگ لباس های رنگارنگ و زنده که دید عموم را جلب کند یا پوشیدن لباسهای بلند (دشداشه) که در بعضی از مناطق و شهرها معمول نیست؛

2. وجود حداقل دو لباس برای تعویض مناسب است؛

3. تمیز و مرتب بودن لباس طلبه به ویژه در عصر حاضر بسیار اهمیت دارد؛ چراکه اولاً- مردم، باید تمیزی را از طلبه یاد بگیرند. ثانياً نامرتب بودن خلاف آداب اسلامی است. ثالثاً مردم از فردی که مدعی دین و ایمان و پیرو اهل بیت علیهم السلام است، انتظار دارند نخست خود عمل کرده و بعد دیگران را به عمل فراخواند؛

4. پوشیدن لباس های بسیار کهنه و مندرس یا اتونکرده و حضور در انظار عمومی، بد جلوه داده می شود. شاید عده ای این گونه لباسها را به نشانه معنویت گرایی و دنیاگریزی پسندیده و بپوشند؛ ولی باید گفت که سیره علمای ربانی و روشن ضمیر، هم چون امام خمینی، آیت الله بهجت و دیگر بزرگان چنین نبوده و آنان معمولاً لباس های تمیز و مرتب می پوشیدند و نمی خواستند با پوشیدن لباس های صوفی مآبانه، در ظاهر نشان دهند که گام در راه سیر و سلوک گذاشته اند.

5. کسانی که می خواهند معمّم شوند یا معمّم شده اند، بستن عمامه را یاد بگیرند و آن را درست و زیبا و منظم ببندند. اندازه عمامه ها باید معمولی باشد، نه آن قدر بزرگ یا کوچک که مناسب سن یا میزان سواد فرد نیست. عمامه بزرگ با ریش بلند، برای طلبه های جوان مناسب نیست و عمامه

بسیار کوچک، گاهی توجه‌ها را به خود جلب می‌کند.

اگر فردی چنان متواضع است که خود را لایق بیش از یک متر عمامه نمی‌داند، با این حال، لازم است از عمامه معمولی استفاده کند تا متهم به ریا، بی‌سواد، صوفی‌گری و امثال این‌ها نشود.

آیت الله مجتهدی به طلاب چنین توصیه می‌کند:

روحانی باید از نظر لباس پوشیدن، لباسی ساده و تمیز و در عین حال منظم و مرتب داشته باشد. یک فرد روحانی نباید عمامه را کج و یا دکمه‌قبا را باز و نعلین را روی زمین بکشد یا این‌که عبا و قبا آن قدر بلند نباشد که روی زمین کشیده شود یا اینکه خیلی کوتاه نباشد که جلب توجه کند و هم چنین در نشستن دقت کافی کند و خود را با عبا بپوشاند و سعی کند معطر باشد و خدای نکرده، لباسهای چرکین و بوی عرق ندهد. (1)

بهتر است هر یک از لباس‌ها در حجره، جای خاصی داشته باشند.

لباس‌های به اصطلاح «زیر» در کیف یا کمد خود فرد و دور از دید قرار گیرند و برای سایر لباس‌ها نیز جای مشخصی تعیین گردد. آویزان کردن لباس‌های زیر از رخت‌آویز درست نیست؛ همان‌طور که پخش بودن لباس‌ها در وسط حجره زشت است. لباسهای تمیز و کثیف را با هم به رخت‌آویز نزنیم، بلکه لباس‌های کثیف را جدا کرده و در ظرف جداگانه‌ای (مثل پلاستیک) قرار دهیم و در فرصت مناسب بشوییم. از آنجایی که چرک از لباس‌های سفیدرنگ به سختی پاک می‌شود، نگذاریم این نوع لباس‌ها زیاد کثیف شوند و هم چنین آن‌ها را به مدت طولانی کثیف نگه نداریم، بلکه در اولین فرصت، حمام کرده و آنها را بشوییم و در هوای

ص: 105

1- برخوردار فرید، آداب الطلاب، ص 168.

آزاد و زیر آفتاب پهن کرده و خشک کنیم.

خشک کردن لباس‌ها در حجره از لحاظ بهداشتی درست نیست؛ ضمن اینکه فضای حجره را نامطبوع می‌سازد. لباس‌ها باید به وسیله آفتاب و باد خشک شوند تا میکرب‌ها به کلی از بین بروند. جوراب یکی از لباس‌هایی است که استفاده زیادی داشته و زودتر نیز کثیف می‌شود و شاید عده‌ای با تأخیر و دیر آن‌ها را بشویند؛ بنابراین برای این که بوی نامطبوع آن، خود و دیگران را اذیت نکند، هر از گاهی واریسی (1) گردد که اگر لازم باشد، شسته شده یا تعویض شود. اگر استفاده از اتو در مدرسه مجاز است، حتماً لباس‌ها را اتو کنید و اگر ممنوع است، می‌توانید در منزل پدری اتو کنید و در صورتی که ممکن نباشد، لباس‌ها را موقع شستن، خیلی فشار ندهید تا آب باقی مانده آن تا آخرین قطره فرو ریزد. همین که چرک لباس‌ها تمیز شد، مقداری فشار دهید؛ ولی می‌توانید لباس‌ها را پیش از پهن کردن، به شدت تکان دهید و سپس در هوای آزاد، از بند لباس بیاویزید تا از زیاد چروکی شدن جلوگیری شود.

رعایت عفت عمومی در مدرسه علمیه و به ویژه در حجره ضروری است؛ بنابراین از پوشیدن لباس‌های نازک (زیر پیراهن نازک یا زیر پیراهن رکابی) یا شلوارک خودداری گردد.

هم حجره‌ای مقام معظم رهبری دام‌ظله تعریف می‌کند:

[مقام معظم رهبری] زی طلبگی را بسیار رعایت می‌کردند و در نحوه لباس پوشیدن، صحبت کردن و رفتار هرگز زی طلبگی را زیر پا نگذاشتند و بسیار

ص: 106

1- به دقت رسیدگی کردن.

متین و با وقار بودند. (1)

از آن چه گفته شد، نتیجه می گیریم که :

1. پوشیدگی در لباس مهم است؛

2. رعایت زی طلبگی در پوشیدن لباس الزامی است؛

3. به رعایت عفت عمومی در پوشیدن لباس دقت شود؛

4. از پوشیدن لباس های کثیف پرهیز گردد؛

5. لباس ها را تا خیلی چرکی نشده اند، شسته و در هوای آزاد پهن شوند.

استادمان پیوسته به طلبه ها توصیه می کرد: به تمیزی و نظافت لباس، عبا و عمامه تان رسیدگی کنید. می گفت: می توان لباس ارزان داشت؛ ولی باید تمیز و مرتب باشد. گاهی به مزاح به روحانی ای که شیخ بود و عمامه اش سفید، می گفت: حاج آقا مراقب عمامه ات باش، داری سید میشی ها؛ کنایه از این که عمامه ات کثیف شده. (2)

آینه

یکی از دوستان هم حجره ای روی آینه حجره، این آیه را زده بود: (أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِبِلِ كَيْفَ خُلِقَتْ)؛ (3) آیا به شتر نمی نگرید که چگونه خلقش کردیم؟»

روزی دوست دیگری داشت زلف هایش را شانه می زد که یک دفعه رنگش قرمز شد و گفت: کدوم فلان فلان شده ای، این آیه رو روی آینه زده است. خندید و گفت:

آینه چون نقش تو بنمود راست *** خود شکن آینه شکستن خطاست (4)

ص: 107

1- حوزه (خبرگزاری رسمی حوزه)، تاریخ 1389/8/3، شناسه خبر: 241605.

2- قدیری، شوخ طبعی های طلبگی، ص 40.

3- غاشیه، آیه 17.

4- همان، ص 57.

آینه برای دیدن و مرتب کردن است. هرگاه دست و صورت خود را شستید؛ هرگاه خواستید بیرون بروید؛ هرگاه خواستید کلاس بروید و البته هرگاه نیاز شد حتما در آینه خود را بنگرید و مرتب کنید.

گاهی نیز نه تنها خود را در آینه می بینید، بلکه آینه را نیز بررسی کنید و اگر گرد و خاک روی آن نشسته یا کثیف شده، تمیز کنید تا رخ زیبا، زیباتر دیده شود.

چوب رختی

معمولا در هر حجره ای، چوب رختی (رخت آویز) برای آویز کردن لباس ها وجود دارد. فرقی نمی کند که از چه نوع چوب رختی (پشت دری، دیواری، کمدی، ایستاده و...) استفاده می کنید؛ مهم آن است که کاربرد چوب رختی ها برای به نظم درآوردن لباس ها است و از پخش یا چروکی شدن لباس ها جلوگیری می کند. رخت آویز بیشتر برای آویز کردن لباس هایی به کار می رود که روزمره از آن ها استفاده می شود؛ بنابراین می توانید لباس های مورد استفاده روزانه خود را (از قبیل شلوار، پیراهن، عبا، قبا، بلوز و کاپشن) به صورت منظم از آن ها بیاویزید. البته بهتر آن است که لباس هایی که هنوز استفاده نمی کنید یا اتو کرده اید و بعد می پوشید، از لباس های روزمره جدا کنید. برای این کار، می توان از رخت آویز دیگری (ترجیحا چوب رختی کمدی) استفاده کرد یا لباس های نو و تمیز را درون کاور مخصوص گذاشت.

سر بعضی از چوب رختی ها تیز بوده و ممکن است به لباس (به ویژه عبا یا قبا) آسیب برسانند یا لباس را از فرم بیندازند. برای جلوگیری از این کار، می توان از چوب رختی کمکی بهره برد.

برای جلوگیری از گرد و خاکی شدن لباس ها، می توان پرده پارچه ای روی لباس ها کشید تا علاوه بر تمیز ماندن، مرتب و زیبا نیز دیده شوند.

وسایل خواب

از قدیم در حجره های مدارس علمیه، از تخت خواب استفاده نمی شود؛ زیرا آن زمان، هم امکانات لازم نبود و هم تخت خواب فضای زیادی از حجره را می گرفت و برخلاف زندگی ساده طلبگی بود. فرض کنید اگر سه نفر در یک اتاق 12 متری بخواهند زندگی کنند، با وجود سه عدد تخت خواب، دیگر جایی برای سایر وسایل یا فعالیت ها باقی نمی ماند. امروزه در برخی از مدارس، امکان استفاده از تخت خواب فراهم آمده یا در بعضی از مدارس، سالن هایی به صورت خوابگاهی درست شده که تخت خواب هایی در دو یا سه طبقه تعبیه شده است.

پس از چند ماه استفاده از لحاف، تشک و بالش، طبیعی است که آن ها بوی عرق بگیرند و چرک شوند. تعطیلات تابستان، فرصت خوبی است که آنها را بشویید و اگر نمی توانید به خانه پدری ببرید تا مادر گرمی تان پس از شست و شو، دوباره لحاف، تشک و بالش تازه ای درست کند یا می توانید آنها را به لحاف دوز بدهید.

وسایل خواب اگر از پشم درست شده باشند، بی ضرر هستند؛ ولی در صورتی که از مواد پلاستیکی، مانند پشم شیشه و اسفنج تهیه کنند، طبیعت آن ها سردی بوده و برای بدن ضرر دارند. خاصیت پشم آن است که وقتی چیز مایعی مثل عرق بدن به آن برخورد می کند، زود بو می گیرد و بنابراین لازم است پس از

چند ماه استفاده، شست و شو شده و دوباره از نو بدوزند.

اگر پارچه لحاف، تشک یا بالش کهنه شده و رنگ اولیه آن از بین رفته، می توان به خریدن پارچه تازه ای با رنگ و طرح جدید اقدام کرد. رنگ و طرح آن بستگی به سلیقه شخص دارد؛ ولی از آن جایی که رنگ روشن، زود چرک به خود می گیرد، بهتر است، رنگ های دیگری انتخاب گردد. هم رنگ بودن لحاف، تشک و بالش به زیبایی آن ها می افزاید. البته برای این که وسایل خواب، زود چرکی نشده و بوی عرق نگیرند، بهتر است از ملافه (ملحفه) استفاده شود. یک ملافه روی تشک و بالش و ملافه دیگر را روی خود بیندازید که لحاف روی آن قرار بگیرد تا هر وقت ملافه ها بوی عرق گرفتند و چرکی شدند، به راحتی قابل شست و شو باشند.

حتما در تمیزی وسایل خواب حساس باشید؛ زیرا اگر در حجره ای، چند رخت خواب بوی عرق بگیرند، فضای اتاق، بوی نامطبوعی خواهد داشت و کسی که از بیرون وارد حجره شود، بوی نامطبوع کاملا اذیت کننده خواهد بود.

وقتی از خواب بیدار می شوید، لحاف، تشک و بالش خود را جمع کرده و با پارچه بزرگی، آن ها را ببندید و در جای مخصوص خود قرار دهید؛ حتی اگر کلاس درستان دیر شده باشد. مرتب پهن بودن رخت خواب ها در حجره، کسل کننده و خواب آور بوده و موجب تبلی در فعالیت های تحصیلی است. اگر حجره دارای پستو است، آنها را در پستو قرار دهید و در غیر این صورت، در گوشه ای از اتاق روی هم دیگر گذاشته و با پارچه ای بزرگ بپوشانید تا به هم ریخته نشوند و مرتب دیده شوند.

ص: 110

کسانی که خدمت سربازی رفته اند، می دانند که در خوابگاه های

سربازی، سربازان موظف هستند پس از بیدار شدن از خواب، پتو، لحاف و بالش خود را مرتب کرده و به اصطلاح «آنکارد» کنند. طلبه هایی که از تخت خواب استفاده می نمایند. می توانند خود را موظف به آنکارد کردن تخت خواب کنند.

می توانید وسایل شخصی، از جمله ساک یا چمدان لباس ها را زیر تخت بگذارید؛ ولی هیچگاه به خود اجازه ندهید که زیر تخت، پوششی برای به هم ریختگی شما باشد؛ هرچند دیده نشود. کاغذ باطله ها، دستمال کاغذی مچاله شده، لباس های کثیف و غیره را بی مهابا زیر تخت رها نکنید.

حجره تکانی

حجره تکانی مانند خانه تکانی، نزدیک عید نوروز اتفاق می افتد که مردم، خانه خود و وسایل آن را تمیز، مرتب و شست و شو می کنند تا هر چیزی، رنگ تازگی، پاکی، طراوت و شادابی بگیرد. در بعضی از مدارس، طلبه ها نیز مانند مردم، حجره های خود را از گرد و خاک تمیز می کنند و پرده، موکت، فرش و پتورا می شویند و کتابخانه را خالی کرده و پس از تمیزی، دوباره کتاب ها را مرتب در جای خود می گذارند. در این فعالیت، همه هم حجره ای ها با شور و هیجان خاصی همکاری دارند.

برخی از طلاب مدارس علمیه نیز هستند که در زمان دیگری به حجره تکانی می پردازند و آن، پس از تعطیلی تابستان و هنگام آغاز سال

تحصیلی است. وقتی طلاب پس از تقریباً دو ماه تعطیلی، از مناطق خود

به حوزه بازمی گردند تا دوباره در کلاس های درس حاضر شوند، پیش از آن، حشرات یا گرد و خاک حجره ها را که در تعطیلات جا خوش کرده بودند و کسی نبود آنها را تمیز کند، رفت و روب و شست و شو کرده و حجره را برای یک سال تحصیلی دیگر آماده می کنند.

وقتی حجره تکانی به صورت عمومی در مدرسه انجام می گیرد، معمولاً- همراه با شوخی های طلبگی و آب بازی و امثال این ها است و شور و شوق خاصی میان طلبه ها ایجاد می شود که انگیزه، همدلی، انسجام و اتحاد آن ها را افزایش می دهد. البته باید در این میان از چند نکته غافل نشد:

1. حجره تکانی همکاری همه هم حجره ای ها را می طلبد. این گونه نباشد که کسی از زیر بار شانه خالی کند و به اصطلاح، از زیر کار در برود؛

2. در حجره تکانی تلاش شود که از اسراف آب جلوگیری گردد؛

3. اگر زودتر از دیگران حجره و وسایل آن را تمیز کرده اید، به کمک دیگران نیز بشتابید و رسم دوستی را به جا آورید؛

4. پس از مرتب کردن حجره، حتما در تمیزی آن بکوشید تا زود تازگی و طراوت خود را از دست ندهد.

سفره غذا

سفره یکی از وسایلی است که ما ایرانیها برای خوردن غذا از آن استفاده می کنیم. قبلاً جنس سفره ها از پارچه بود؛ ولی اکنون از پلاستیک و نایلون های رنگارنگ و طرح دار درست می شوند. البته سفره بعضی از طلبه ها یا دانشجویان کمی تفاوت دارد. آن ها گاهی از روزنامه ها به صورت

ص: 112

چند منظوره بهره برداری می کنند که سفره یکی از آن ها است و پس از استفاده دور می اندازند.

کاربرد سفره، بیشتر برای نگذاشتن نان روی زمین و جلوگیری از ریختن غذا یا نان روی فرش، موکت یا ... است. جنس، رنگ و طرح های سفره در اولویت های بعدی قرار دارد. بهتر است پس از خوردن غذا، سفره را تمیز و جمع کرده و در جای مخصوص خود گذاشت. دقت شود نان های اضافی از روی سفره و فرش جمع شده و در ظرفی مخصوص نان خشک گذاشته شود. نان خشک را نباید مثل بقیه آشغال ها در سطل آشغال ریخت. همیشه سفره را با دستمال تمیز نکنیم، بلکه گاهی لازم است جهت نظافت، آن را شست.

نقل است علامه مجلسی در کنار کتابخانه اش، تعداد فراوانی سفره آماده کرده بود. هرکس کتابی از او امانت می گرفت، سفره ای نیز به همراه کتاب به او می بخشید و سفارش می کرد، وقت غذا خوردن، از سفره استفاده کن و کتاب را سفره مساز! (1)

ظرف شستن

ظرف شستن یکی از موارد نظافت و تمیزی است که هر روز چند بار تکرار می شود. کسی که مسئولیت شستن ظروف را دارد، بهتر است پس از صرف غذا، این کار را انجام دهد و آنها را تمیز بشوید. دقت در صرفه جویی آب بسیار مهم است؛ بنابراین نخست ظروف را با مایع ظرف شویی شسته و سپس همه ظرف ها را یک دفعه آب بکشید. ظرف ها را باید از باقی مانده های

ص: 113

غذا و نیز مایع ظرف شویی خوب پاک کرد و پس از شستن، آنها را طوری در جاظرفی قرار داد که آب اضافی خارج شده و ظرف ها خشک شوند. با این که این مطالب از امور بدیهی در شستن ظروف محسوب می شود؛ ولی تذکر آن خالی از فایده نیست و هم چنین بعضی هنگام شستن دقت ندارند و با عجله ظرف ها را می شویند و پس از خشک شدن آن ها و هنگام خوردن غذا، باقی مانده های غذا در ظروف مشاهده می شود که خوشایند نخواهد بود. یکی از هم حجره ای های مقام معظم رهبری دام ظلّه تعریف می کند:

[ایشان آدم] بسیار متین و موقری بودند و از شوخی پرهیز می کردند؛ اما هرگز خشک بر خورد نمی کردند. من را حسین آقا صدا می زدند و ما هم ایشان را حاج علی آقا صدا می کردیم و از آن جایی که ایشان ابهت و متانت خاصی داشتند، همواره احترام ایشان را حفظ می کردیم و حتی سعی می کردیم کارهای حجره، مانند نظافت و شستن ظرف و... را خودمان انجام دهیم که البته با ممانعت ایشان مواجه می شدیم و در کارها سهیم می شدند. (1)

بیماری و تیماری

احتمال دارد امروز شما و فردا دوستتان به هر علتی بیمار شوید. در این موارد، هم اتاقی نقش پدر و مادر را دارد. همان طور که والدین هنگام مریضی فرزندشان، مراقبت های لازم را دارند، هم اتاقی نیز می تواند همین وظیفه را برای رضای خدا بر عهده بگیرد. مراجعه به پزشک، خریدن دارو، تهیه غذاهای مناسب و حتی شستن لباس ها.... از مواردی است که می توانید در حق دوست بیمارتان انجام دهید؛ به ویژه آنکه مدرسه علمیه در شهر

ص: 114

دیگری باشد و بیمار نتواند نزد والدین خود برود.

خدمت کردن به هم حجره ای، به خصوص در دوران سختی و بیماری، از عوامل توفیق طلبه است. دوستان خوب را هنگام سختی باید شناخت؛ وگرنه همه در خوشی و سلامت، ادعای دوستی دارند.

غسل

طلبه ها معمولا در سن جوانی و زمان بلوغ هستند و هنگام خواب، ممکن است محتلم شوند. احتلام یک مسأله طبیعی است و به خروج منی در خواب گفته می شود که به طور ناگهانی و با فشار صورت می گیرد و معمولا با لذت جنسی همراه است. به آن جُنُب شدن نیز می گویند. برای مطلع شدن از احکام آن، می توانید به رساله عملیه مرجع خود مراجعه کنید.

میزان احتلام در افراد مختلف فرق می کند/ در بعضی افراد کمتر و در بعضی دیگر بیشتر اتفاق می افتد، و علت آن هم تفاوت در سیستم بدنی افراد مختلف است. همچنین یک شخص همیشه، و به یک میزان محتلم نمی شود، بلکه گاهی اوقات بیشتر و گاهی اوقات کمتر محتلم می شود، و نیز میزان احتلام به نوع غذا و مقدار آن هم بستگی دارد. در هر صورت محتلم شدن مشکلی ندارد و شاید از این جهت خوب هم باشد که شهوت را در خواب تخلیه می کند و باعث می شود فشار جنسی کمتری وارد شود.

از خوردن غذاهایی مانند خرما، پیاز، فلفل، تخم مرغ، گوشت قرمز، غذاهای پرچرب که گرم و محرک است، تا حد امکان اجتناب و به میزان ضرورت بسنده شود. به ویژه در شب ها غذای سنگین و مقوی نخورید.

برای جلوگیری از احتلام، پیش از خواب ذهن خود را از افکار شیطانی یا تحریک کننده دور سازید و اجازه ندهید چنین افکاری به شما روی بیاورند. با وضو بخوابید و ذکر بگویید. اگر محتمل شدید، لباس خود را خوب واری کنید و آن را خوب بشویید. ماده «منی» اندکی به سختی از لباس پاک می شود؛ بنابراین هنگام شست و شو دقت کنید. اگر از لباس شویی استفاده می کنید، اول محلی از لباس را که با منی آلوده شده، بشویید و سپس آن را در لباس شویی قرار دهید. کسی که محتمل شده، واجب است غسل کند و با آن غسل نیز می تواند نماز بخواند.

جُنُب شدن از مواردی است که معمولاً مایه شوخی کردن طلبه ها با

یک دیگر می شود.

وقتی برای نماز صبح بیدار می شدیم و متوجه می شدیم هم حجره ای ما رفته حمام، به محض بازگشت از حمام همه باهم می خواندیم جان جهان! دوش کجا بوده ای. (1)

ص: 116

1- قدیری، شوخ طبعی های طلبگی، ص 44.

حساب بانکی تان چند صفر دارد؟ چه مدل ماشینی سوار می شوید؟ متراژ خانه شما چقدر است؟ چند باب مغازه دارید؟ چند تا...

همه این ها می تواند سرمایه های مادی یک فرد باشد؛ ولی تمام این ها زودگذر و موقتی هستند. البته هر کسی هم نمی تواند دارای این سرمایه های مادی باشد؛ ولی در مقابل می تواند صاحب بعضی از سرمایه ها گردد که شاید یک فرد ثروتمند، هیچگاه به آنها دست نیابد.

علم، زیبایی، عقل، ادب، معنویت و اخلاق سرمایه هایی هستند که دسترسی به آن ها با آن که با سختی هایی مواجه است؛ اما علم، زیبایی و عقل، آنگاه ارزشمند و قابل احترام می شوند که با اخلاق و ادب همراه باشند. فرد عالم یا زیبا یا عاقلی را تصور کنید که بسیار بی ادب است؛ اهل ناسزاگویی، غیبت، تهمت و بدگویی است؛ آیا دیگران به علم، زیبایی و عقل او احترام می گذارند؟ امیر مؤمنان علیه السلام فرمود:

(لَا عَقْلَ لِمَنْ لَا أَدَبَ لَهُ.) (1) کسی که ادب ندارد، عقل ندارد.

ادب، ظرافت و دقت در عمل است. وقتی انسان متوجه حالات خویش باشد و با ظرافت و زیبایی خاصی عملی را انجام دهد، گفته می شود

ص: 119

1- تمیمی آمدی، غرر الحکم و دررالکلم، ح 446.

که فلائی مؤدب است؛ نظیر ادب نشستن در حال نماز ادب راه رفتن با طمأنینه، (1) احترام گذاشتن به دیگران و

- ادب به کارگیری سخن یا عمل پسندیده است؛

- ادب به دست آوردن آن چه نیکو شمرده می شود؛

- ادب تمرین دادن نفس به ارزش های اخلاقی است.

- ادب تعظیم کردن نسبت به افراد برتر و نرمی داشتن نسبت به افراد

پایین تر از خود است؛

- ادب ملکه ای است که صاحب خود را از آن چه ناپسند است و باعث خواری می گردد، باز می دارد؛

- ادب شکل زیبای اعمال انسان است، چه در کارهای دینی؛ مثل آداب دعا، نماز و... و چه در کارهای اجتماعی؛ مانند آداب ملاقات با دوستان، پدر و مادر خویشان.....

دوست داریم دیگران با ما چگونه حرف بزنند و چگونه رفتار کنند؟ گفتار و رفتار ما با دیگران، باید به گونه ای باشد که دوست داریم دیگران با ما همان گونه رفتار کنند. سلام کردن هنگام ورود به حجره، با احترام صدا کردن و حرف زدن، مسخره نکردن، تکبر نکردن، وظایف خود را به دوش دیگران نینداختن و حرمت نگه داشتن، از جمله آدابی است که رعایت آن برای هم حجره ای ها لازم بوده و ادب شمرده می شود.

ص: 120

1- ر.ک: طباطبایی، المیزان، ج 6، ص 257.

پیرو افتادگی، آخر به جایی می رسد ***قطره ای بودم تنزل کردم و دریا شدم

هم چنین احترام به کتاب های دینی در حجره، همانند قرآن، نهج البلاغه و بقیه کتب حدیثی، جزء ادب بوده و شایسته تکریم اند. معروف است که مرحوم آیت الله بروجردی رحمه الله هرگز در کتابخانه خود نمی خوابید، بلکه برای استراحت به اتاق دیگر می رفت تا کمال ادب کتاب های دینی را مراعات کرده باشد و می فرمود: در تمام عمرم در اتاقی که کتب حدیث باشد، نخوابیده ام. (1) مرحوم محدث قمی در شرح حال فاضل دربندی می گوید:

آن مرحوم کتب حدیث و علمی را زیاد احترام می کرد؛ به نحوی که هر وقت تهذیب شیخ طوسی و امثال آن را بر می داشت، مانند کلام الله می بوسید و روی سر می گذاشت و می گفت: کتب اخبار، مانند قرآن محترمند. (2)

مرحوم محدث قمی بدون وضو و طهارت، حتی دست به جلد کتاب حدیث نمی زد، چه رسد به اصل جملات حدیث. هرگاه می خواست حدیث مطالعه کند یا بنویسد، با وضو و مؤدب رو به قبله می نشست و کارش را آغاز می کرد. (3) حضرت آیت الله مجتهدی در یکی از دروس اخلاقشان می گویند:

به کتب فقهی و حدیثی خیلی احترام بگذارید؛ زیرا در آنها نام خدا و اهل بیت است. شخصی برای آیت الله العظمی سید احمد خوانساری وجوهات آورد و وجوهات را روی کتاب فقهی که در نزد ایشان بود، گذاشتند. حضرت آیت الله العظمی خوانساری ناراحت شدند و پول را با دست پرت کردند و فرمودند: چرا پول را روی کتاب فقهی می گذارید. تو هم دقت کن که مبادا پایت را به

ص: 121

1- محمدی اشتهاردی، داستان دوستان، ج 5، ص 258.

2- قمی، الفوائد الرضویه، ص 54.

3- مختاری، سیمای فرزندگان، ص 272.

طرف این کتب دراز کنی یا کتابی دیگر که مذهبی و دینی نیست، روی این ها بگذاری. در کتابخانه هم این کتاب ها را در طبقه بالا بگذار. اگر هم یک کتاب فقهی یا حدیثی، دیگر قابل استفاده نبود آن را دور نینداز. (1)

با این همه، طلبه جز حجره جایی برای خواب و استراحت ندارد و برای احترام نسبت به کتب حدیثی نمی تواند جای دیگری برود؛ بنابراین بهتر است حداقل موقع استراحت، پاها به طرف کتاب ها دراز نباشد یا آن ها را از زیر پاها جمع کرده و در جای دیگری گذاشته شوند.

چنین موقع استراحت، پاهای خود را به طرف کسی که زیر پای شما قرار دارد، دراز نکنید، بلکه جای خود را تغییر داده و هم عرض او بخواهید. موقع خواب، پاها را بالا نبرده و روی میز کوچک مطالعه یا هر چیز دیگری قرار ندهید.

خرده فرهنگ ها در حجره

علاوه بر فرهنگ کلی حاکم بر هر جامعه، طبقه ها، قشرها، گروه های مختلف جامعه، بعضی از روستاها و شهرها نیز دارای فرهنگ ویژه خود هستند که خرده فرهنگ خوانده می شود. در تعریف خرده فرهنگ گفته اند:

خرده فرهنگ بر دستگامی از ارزش ها، سلوک ها، شیوه های رفتار و طرز زندگی يك گروه اجتماعی که از فرهنگ مسلط جامعه مفروض، متمایز ولی با آن مرتبط است، اطلاق می شود. (2)

طبقه های اجتماعی به لحاظ ویژگی های زیر، تولید کننده خرده فرهنگ های خاص خودشان هستند:

1 از لحاظ درآمد، شغل، تحصیل، منزلت اجتماعی، نحوه سخن گفتن،

ص: 122

1- برخوردار فرید، آداب الطلاب، ص 431-432.

2- سازگارا، نگاهی به جامعه شناسی با تأکید بر فرهنگ، ص 98.

2. شیوه های ازدواج و همسرگزینی، نگه داری از فرزند و الگوهای زندگی خانوادگی؛

3. گذراندن اوقات فراغت در طبقه های مختلف اجتماعی؛ مانند تحصیل کرده ها یا بی سوادان با رجحان برنامه ای که در اوقات فراغت خود دارند، خرده فرهنگ خاص خود را می آفرینند؛

4. عقاید، باورها، ارزش ها و گرایش های اخلاقی، دینی، سیاسی و ایدئولوژی های متناسب با هر طبقه به تناسب، خرده فرهنگ خاص خود را ایجاد می کند. (1)

برای مثال، برخی از روستاها یا شهرها در ایران، گویش ها، خلق و خوی ها، مراسم ازدواج و همسرگزینی و آداب و رسوم خاصی دارند که از کودکی می آموزند و ویژه آن ها است. به این گونه فرهنگ ها، خرده فرهنگ گفته می شود.

طلبه هایی که از شهرها و روستاهای مختلف در یک مدرسه و در یک حجره حضور دارند، خود به خود فرصت طلایی آشنایی با فرهنگ های گوناگون برای آن ها فراهم می شود و می توانند ضمن آشنایی با آداب و رسوم، نقاط قوت و ضعف قومیت ها و خرده فرهنگ ها، سطح مهارت های برقراری ارتباط خود با فرهنگ های مختلف را افزایش دهند. طلبه ها با دقت بیشتری در آداب و رسوم قومی، روستایی و شهری، می توانند از فرصت پیش آمده، در آینده تبلیغی خود بهره گرفته و هر وقت برای تبلیغ به یکی از این مناطق می روند، با آگاهی و رعایت همان آداب و رسوم (در صورتی

ص: 123

که با مبانی اسلام منافاتی نداشته باشند)، در تبلیغ اثرگذار و موفق باشند.

هم چنین آشنایی با خرده فرهنگ ها، باعث می شود که به اصلاح نقاط ضعف (خصلت غرور، خست، تنبلی و...) و تقویت نقاط مثبت (خصلت ایمان، تمیزی و پاکیزگی، احترام و...) سایر خرده فرهنگ ها اقدام شود.

زبان یکی از عناصر فرهنگی است و زبان فارسی و ترکی، دو زبان عمده در ایران هستند که اقوام مختلفی به وسیله آن دوگوش می کنند؛ ولی هر کدام از این زبان ها درون خود، دارای لهجه های بسیاری هستند. حال اگر در یک مدرسه علمیه، طلاب با لهجه های متفاوت ترکی با یک دیگر حرف بزنند، یا عده ای از طبله ها فارسی و برخی ترکی حرف بزنند، چه اتفاقی خواهد افتاد؟ آنان می توانند با لهجه ها آشنا شوند، زبان یک دیگر را بیاموزند یا گاهی با لهجه دیگران سخن گفته و شوخی کنند. (1)

احترام به حساسیت های شخصی هم حجره ای

همانگونه که سیستم ایمنی بدن در برابر برخی عناصر، واکنش هایی مانند عطسه، سرفه، جوش، تغییر رنگ صورت و... نشان می دهد، سیستم ایمنی روانی، نیز در مواجهه با برخی موضوع ها و مسائل حساس بوده و زود واکنش نشان می دهد. بعضی از این موضوع ها عبارتند از: طعنه زدن، فریاد کشیدن، با صدای بلند صحبت کردن، صحبت کردن با تلفن همراه در حجره، دخالت در حریم های شخصی، رنگ های خاص، میوه های خاص، میان صحبت

ص: 124

1- منظور مسخره کردن زبان یا لهجه دیگران نیست. کسی که زبان مادری اش ترکی است، به طور طبیعی نمی تواند همانند فرد فارسی زبان سخن بگوید و مخارج حروف فارسی را مثل فارسی زبانان ادا کند یا برعکس. بنابراین گاهی چنین سخن گفتن هایی بدون تمسخر، خود به خود به مزاح و شوخی منجر می شود.

کسی پریدن، تکان دادن دست و پا، بدقولی کردن، دیر کردن، با سر و صدا غذا خوردن، استفاده دیگری از بالش یا ملافه شخصی، استفاده از دمپایی، و غیره. البته ممکن است بعضی موضوع های دیگر نیز باشد؛ ولی مهم شدت واکنش هیجانی در مواجهه با موضوع های حساسیت برانگیز است.

این مسأله دو جنبه دارد: یکی مربوط به شخصی است که حساس است و رفتارهای واکنشی زود هنگام دارد و دیگری به کسانی مرتبط است که رفتارهای حساسیت برانگیز (چه با شوخی و چه به طور جدی) می کنند. اگر واکنش ها در برابر رفتارهای حساسیت برانگیز شدت یابد، فرد را کم تحمل و آسیب پذیر می سازد و در واقع، سیستم ایمنی عاطفی، ضعیف و ضعیف تر می شود؛ بنابراین لازم است از موضوع هایی که حساسیت می آفرینند، آگاه بود و آن ها را شناسایی کرد تا جهت پیش گیری، اقدام های لازم صورت گیرد.

برای پیش گیری، اقدام های زیر را می توان انجام داد :

1. فهرستی از موضوع های حساسیت برانگیز خود را تهیه کنید؛

2. احساس خود را شناسایی کنید و میزان حساسیت را از صفر تا ده نمره بگذارید؛

3. از خود پرسید: این موضوع، چه فکری را در من بیدار می کند و چه معنایی برای من دارد؟ مثلاً وقتی فردی با صدای بلند صحبت می کند، من عصبانی می شوم. این رفتار چه معنایی برای من دارد و چرا مرا عصبانی می کند؟

4. به پاسخ خود فکر کنید و ببینید آیا از افکار غیر منطقی، مانند مبالغه کردن، فاجعه سازی، برجسب زدن، شخصی سازی استفاده می کنید یا فکر

5. اگر افکار تان غیر منطقی بوده است بکوشید نسبت به موضوع مذکور نگاه خوشبینانه داشته باشید و با بالا بردن آستانه تحمل تان، از میزان حساسیت خود با تمرین و به تدریج بکاهید؛

6. در برابر موضوع های حساسیت برانگیز واکنشهای جدید را نیز بیازمایید. برای مثال کسی که بلند صحبت می کند، بگویید: به به، چه صدای خوبی داری؛ ولی ای کاش کمی آرام تر حرف بزنی. (1)

7. اگر راه های جدید راهگشا، نبود با هم حجره ای یا دوست خود صحبت کنید که من نسبت به این موضوع خاص حساسیت دارم و از شما میخواهم که مراعات کنید.

8. اگر افکار تان منطقی است و طرف مقابل، برای مثال همواره از الفاظ زشت و رکیک یا از وسایل شخصی شما مانند مسواک استفاده می کند، با او صحبت کنید و تذکر دهید که نباید الفاظ زشت به کار ببرد یا از وسایل شخصی دیگران استفاده نماید.

جنبه دیگر مربوط به کسی است که رفتارهای درست یا نادرست (منطقی یا غیر منطقی انجام می دهد؛ ولی به هر حال واکنشهای طرف مقابل را در پی دارد در هر دو صورت نخست بهتر است از انجام رفتارهایی که حساسیت برمی انگیزد، جلوگیری کرد تا به تدریج زمینه برای اصلاح خود (در صورت منطقی و درست بودن رفتار) یا اصلاح دیگری در صورت غیر منطقی و نادرست

ص: 126

بودن رفتار) فراهم شود در صورتی که رفتار شما منطقی و درست است، پس از مدتی ترک کردن، اگر همچنان واکنش نسبت به آن رفتار وجود دارد، از طرف مقابل بخواهید که درباره موضوع، به گونه دیگری بیندیشد و دید مثبتی به آن داشته باشد تا به تدریج از حساسیت کاسته شود؛ ولی اگر خوب توجه کردید و متوجه شدید که رفتار شما اشتباه است، بکوشید رفتار اشتباهتان را اصلاح کنید تا موجب اذیت دیگران نشوید.

با همه این ها، گاهی حساسیت ها به شوخی هایی تبدیل می شود که موجب شادی و سرور میان هم حجره ای ها است. در این گونه موارد، نباید موضوع را خیلی جدی گرفت تا موجب تنش شود، بلکه بهتر است با بالا بردن آستانه تحمل، فضای نشاط ایجاد گردد. البته دیگران نیز نباید موضوع را آن قدر تکرار کنند که به بیهوده گویی و اذیت فرد منجر شود.

رو به قبله بودن

استقبال یا رو به قبله بودن در فقه، احکام متفاوتی دارد که در ذیل توضیح داده می شود :

الف) مواردی که استقبال در آن ها واجب است :

1. تمام نمازهای واجب و مستحب ، مگر نمازهای مستحبی که در حال حرکت خوانده می شود.

2. برخی از توابع نماز، مانند نماز احتیاط یا قضای سجده یا تشهد فراموش شده؛

3. کسی در حال احتضار است؛

4. رو به قبله گذاردن میت، هنگام دفن؛

ص: 127

5. رو به قبله کردن حیوان، هنگام ذبح یا نحر؛

(ب) مواردی که استقبال در آنها مستحب است:

قرائت قرآن، دعا، ذکر، تعقیب نماز، ایراد دعوی نزد حاکم، سجده شکر، سجده واجب یا مستحب، قرآن وضو گرفتن، نشستن و ...

(ج) مواردی که استقبال مکروه است :

هنگام پوشیدن شلوار هنگام جماع در هر حالی که رو به قبله بودن بی احترامی باشد .

(د) موردی که استقبال حرام است :

هنگام تخلی که علاوه بر استقبال، استنبار هم حرام است.

سیره معصومین علیهم السلام و علمای دین بر این بوده که همواره می کوشیدند به طرف قبله قرار گیرند. در برخی از روایت ها، رویه قبله بودن پسندیده شمرده شده است. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که می فرماید:

(كان رَسُولُ اللَّهِ أَكْثَرَ مَا يَجْلِسُ تَجَاهَ الْقِبْلَةِ)؛ [\(1\)](#) رسول خدا صلی الله علیه وسلم اکثر اوقات رو به قبله می نشست.

رو به قبله بودن، فواید جسمی و معنوی زیادی دارد. سیره علمای گذشته نیز آن بوده که تا حد ممکن می کوشیدند در نشستن، خوابیدن یا مطالعه، استقبال را مراعات کنند. در حجره نیز تا جایی که امکان دارد و دیگران اذیت نمی شوند، بهتر است این مسأله رعایت شود.

سلام کردن

ص: 128

1- کلینی، الکافی، ج 2، ص 661 و طباطبایی، سنن النبی، ترجمه حسینی، ص 151.

سلام کردن اولین مرحله برای ارتباط سالم است. سلام، غیر از نماز، در برخوردهای مسلمانان در جامعه اسلامی، یکی از آداب معاشرت و ادب و اخلاق به شمار می آید، که هم جلب محبت و دوستی می کند، هم نشان تواضع و فروتنی است، و هم پاداش بسیار دارد. در اسلام به سلام کردن بسیار سفارش شده و آن را امر مستحبی دانسته اند. امام حسین علیه السلام فرمود:

(لِلسَّلَامِ سَبْعُونَ حَسَنَةً تَسْعُ وَسِتُّونَ لِمُؤْتَدِي وَوَاحِدَةٌ لِلرَّادِ)؛ (1) سلام کردن هفتاد ثواب دارد که شصت و نه بخش آن از سلام کننده است و یک بخش آن برای جواب دهنده.

در روایات آمده است که پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم همواره در سلام کردن از دیگران پیشی می گرفتند و هیچگاه کسی نتوانست در سلام کردن بر آن حضرت سبقت بگیرد.

امروزه توجه به سلام، بسیار کم شده و واژه های دیگری که با فرهنگ

اسلامی و ایرانی ما سازگار نیست، به جای آن رواج یافته است. سلام کردن با واژه های فرهنگ های دیگر، به ویژه برای یک طلبه شایسته نیست. گاهی در اثر استفاده خویشان نزدیک از واژه های دیگر و تکرار آنان، احتمالاً طلبه ای ناخودآگاه تأثیر پذیرفته و او نیز از الفاظ غیر اسلامی استفاده کند. در چنین مواقعی باید تذکر داد؛ چراکه طلبه باید سبک زندگی اسلامی را در عمل در جامعه گسترش دهد. اما با این همه سلام کردن میان طلبه ها، هنوز از ارزش زیادی برخوردار است و هر جا یک دیگر را می بینند، نخست سلام می کنند و فروتنی خود را نشان می دهند که یکی از رفتارهای خوب

ص: 129

البته گاهی اتفاق می‌افتد که برای بعضی از طلبه‌ها، سلام کردن یا جواب سلام را دادن، بسیار سخت است و نمی‌خواهند اولین گام یک ارتباط سالم و سازنده را شروع کنند. عده‌ای نیز بسیار آهسته سلام می‌کنند؛ به طوری که فقط صدایشان را خودشان می‌شنوند و با این حال، انتظار دارند دیگران جواب سلام او را با صدای رسا بگویند.

بہتر آن است وقتی وارد جایی مثل حجره می‌شویم، نخست سلام دهیم؛ زیرا:

1. سلام، آگاه کردن کسی است که در حجره است. شاید هم حجره‌ای در حال عوض کردن لباس است یا کار خصوصی دیگری دارد که مایل نیست کسی از آن آگاه شود. با سلام کردن، او را از ورود خود آگاه می‌کنید؛

2. سلام نشانه فروتنی است؛

3. سلام، دعای خیر در حق برادر دینی است؛

4. سلام، موجب محبت می‌شود؛

5. سلام، آغاز برقراری یک ارتباط سالم، سازنده و مسالمت‌آمیز است.

همین طور در پاسخ به سلام بہتر است از واژه‌های فرهنگ‌های دیگر، مثل مرسی، OK و غیره استفاده نشود.

ورود بی خبر یا سرزده به حجره

گاهی که حال و حوصله دارم، با شوخی ناگهان در حجره را باز می‌کنم و وارد حجره می‌شوم تا دیگران را غافلگیر سازم (اصل غافلگیری)، گاهی هم، چنان در را می‌کوبم که نه تنها ده تا حجره آن طرف تر، لرزه هشت ریشتری بگیرند، بلکه هم اتاقی‌ها که هیچ، ملانکه غافلگیر شوند و به لرزه بیفتند (اصل ترساندن). بالاخره از قدیم گفته اند چهار دیواری و اختیاری. گاهی نیز مثل بچه آدم، به آرامی در را باز می‌کنم و تعجب هم حجره‌ای‌ها را بر می‌انگیزانم و انگشت به دهان، سجده شکر می‌کنند که این بار از اصل دیگری استفاده کرده‌ام (اصل آرامش).

شما از کدام اصل استفاده می‌کنید؟

در اسلام برای وارد شدن به خانه خود، آدابی گفته شده است، چه رسد به اینکه انسان بخواهد وارد حجره‌ای شود که دیگران نیز در آن زندگی می‌کنند، شایسته است پیش از هر چیزی، ورود خود را با در زدن یا «یا الله» گفتن اعلام کنید و سپس به آرامی در را باز کرده و با روی خوش سلام دهید. اگر می‌دانید کسی در حجره نیست، باز در را ناگهانی باز نکنید و پس از ورود به حجره هم، به خود سلام دهید.

(فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةً طَيِّبَةً)؛ (1) وقتی وارد خانه شدید، بر خودتان سلام کنید که این تحیت و برکاتی از جانب خدا بر شماست.

اگر می‌خواهید به حجره دیگری وارد شوید، پیش از ورود، در زده و اجازه ورود بگیرید. در صورتی که کسی اجازه ورود نداد، بهتر است برگردید و بدون

ص: 131

اجازه، وارد حجره کسی نشوید. این قاعده و اصل، براساس گفته مبارک حق تعالی است که فرمود:

(يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتَسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ * فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ اذْجِعُوا فَازْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ) (1)

ای کسانی که ایمان آورده اید! به خانه ای - غیر از خانه خود - وارد نشوید، مگر آنکه اجازه ورود بگیرید و براهل خانه سلام کنید! این برای شما بهتر است. شاید که تذکر بگیرید. اگر کسی را در آن نیافتید، وارد نشوید، تا به شما اجازه دهند و اگر به شما گفتند: برگردید! پس برگردید که این برای شما پاکیزه تر است.

محترمانه با نام صدا کردن

کلمه ها دارای بار روانی و عاطفی هستند که می توانند در روح و فکر مخاطب تأثیرگذار باشند. در طول روز بارها با دیگران در ارتباط هستیم و شاید اولین کلمه ای که با آن توجه مخاطب را جلب می کنیم، صدا کردن وی با اسم است. چگونگی صدا کردن بسیار مهم است و می تواند نشانه ای از دوستی، صمیمیت، نفرت، تحقیر و تمسخر باشد. اگر انتظار احترام از دیگران داریم، باید به او احترام بگذاریم و اولین گام احترام، محترمانه صدا کردن است.

دوست و هم اتاقی شما، درخت، صندلی، میز یا کتاب نیست که با هر کلمه ای خواستید، او را صدا کنید. او نیز مانند شما انسان است و از خوب صدا کردن خوشش می آید؛ چراکه در روان او تأثیر می گذارد. استفاده

ص: 132

از کلمه هایی مانند «این»، «اون»، «ببین»، «الو» و «آهای» برای اشاره یا صدا کردن بی احترامی است! حداقل باید مخاطب را با اسم کاملش صدا کرد و اگر کلمه «آقا» را اول اسم او اضافه نماییم، بهتر و محترمانه خواهد بود و البته بهتر از آن، این است که فرد را با نام خانوادگی مخاطب قرار دهیم و بگوییم: آقای فلانی.

برخی اسم را ناقص می گویند یا غرور و تکبرشان اجازه نمی دهد اول اسم، «آقا» را اضافه کنند. محترمانه صدا کردن دیگران، تنها احترام به آنان نیست، بلکه احترام خود را نیز نگه داشته اید. این نوع رفتار می تواند دیگران را وادار کند که شما را نیز با احترام صدا کنند. این همه در صورتی بود که مخاطب شما، طلبه مکلاً باشد؛ ولی اگر مخاطب، طلبه ملبس به لباس مقدس روحانیت بود، به سبب حرمت لباس، محترمانه صدا کردن تأکید بیشتری خواهد داشت؛ به ویژه توصیه می شود در میان مردم، این رفتار مراعات گردد. اگر میان خودتان، همدیگر را به سبب صمیمیت با اسم صدا می زنید، خوب است در فضای عمومی که مردم نیز حضور دارند، یک دیگر را محترمانه خطاب کنید.

مطالعه سیره علما و بزرگان دین نشان دهد که همواره دیگران را با ادب و احترام صدا می کردند. بعضی از بزرگان آن گونه که در زندگی نامه شان آمده است، حتی فرزندان خود را با احترام صدا کرده و اول اسم آنان کلمه "آقا" را به کار می بردند. چنین خطابی، اعتماد به نفس و عزت نفس مخاطب را افزایش می دهد.

غذا خوردن دارای آدابی است که به صورت مختصر ذکر می شود:

1. داشتن نیت الهی بدین معنا که انسان هر آنچه می خورد و می آشامد، برای خدا باشد و به این نیت بخورد که توان جسمی اش افزایش یافته و در راه خدا آن را به کار گیرد. پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله وسلم در رهنمودی به ابوذر فرمود:

(یا اباذر لَئِنْ لَكَ فِي كُلِّ شَيْءٍ نِيَّةٌ صَالِحَةٌ حَتَّى فِي النَّوْمِ وَلِلْاَكْلِ)؛ (1) ای ابوذر! باید در هر کاری نیت پاک داشته باشی حتی در خوردن و خوابیدن.

مرحوم شیخ رجبعلی خیاط به شاگردان خود بارها تذکر می داد که همه ی کارها باید برای خدا باشد و می افزود :

هرگاه این استکان چای را به قصد خدا بخوری، دل تو به نور الهی منور می شود؛ ولی اگر برای حظ نفس خوردی، همان می شود که خواسته بودی. (2)

آیت الله مهدوی کنی رحمه الله در خاطره ای نقل می کنند:

در آغاز تحصیل و اوایل طلبگی، وقتی خواستم لباس برای خود بخرم - بعد از این که لباس عاریه ی مرحوم برهان را می خواستم پس بدهم - پیش شخصی به نام شیخ رجبعلی خیاط رفتم. در آن هنگام چهارده - پانزده سال داشتم. پارچه ای را برای ایشان بردم. محل کار او در منزلش و در اتاقی نزدیک در بود. قدری نشستیم. ایشان آمد و گفت: خوب! حالا - می خواهی چه بشی؟ گفتم: طلبه. گفت: می خواهی طلبه بشی یا آدم؟ من قدری تعجب کردم که چرا یک کلاهی با یک معمم این گونه حرف می زند؛ سپس گفت: ناراحت نشو! طلبگی خوب است؛ ولی هدف آدم شدن باشد به شما نصیحتی می کنم،

ص: 134

1- طبرسی مکارم الاخلاق، ج 2، ص 370.

2- محمدی ری شهری، کیمیای محبت، ص 188.

فراموش نکن. از همین حالا که جوان هستی و آلوده نشده ای، هدف الهی را فراموش نکن. هرگاه کاری می کنی، برای خدا انجام بده؛ حتی اگر چلوکباب هم خوردی، به این قصد بخور که نیروگیری و در راه خدا عبادت کنی و این نصیحت را در تمام عمر فراموش نکن. (1)

2. وضو گرفتن یا شستن دست ها پیش از غذا: در روایتی از امام حسن علیه السلام آمده که «وضو گرفتن پیش از غذا، سنت است» (2) و همچنین امام صادق علیه السلام در روایتی می فرماید:

(مَنْ غَسَلَ يَدَهُ قَبْلَ الطَّعَامِ وَ بَعْدَهُ بُورِكَ لَهُ فِي أَوَّلِهِ وَ آخِرِهِ، وَ عَاشَ مَا عَاشَ فِي سَعَةٍ، وَ عُوْفِيَ مِنْ بَلْوَى فِي جَسَدِهِ)؛ (3) هر که قبل و بعد از غذا دست هایش را بشوید، در اول و آخر آن غذا به او برکت داده شود و تا زنده است در رفاه به سر برد و از بیماری جسمی در امان ماند.

3. گفتن «بسم الله» و «الحمد لله»: امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

(مَنْ ذَكَرَ اسْمَ اللَّهِ عِنْدَ طَعَامٍ أَوْ شَرِبَ فِي أَوَّلِهِ، وَ حَمِدَ اللَّهَ فِي آخِرِهِ لَمْ يُسَأَلْ عَنْ نَعِيمِ ذَلِكَ الطَّعَامِ أَبَدًا)؛ (4) هر که در هنگام شروع خوردن غذا یا نوشیدنی، نام خدا را به زبان آورد و در پایان، خدا را حمد و سپاس گوید، هرگز در ب-اره نعمت آن غذا از او سؤال نخواهد شد.

4. غذا خوردن با دست راست پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم فرمود:

(إِذَا أَكَلَ أَحَدُكُمْ فَلْيَأْكُلْ بِيَمِينِهِ).... (5) اگر کسی از شما غذا خورد، با دست راست بخورد.

5. آغاز غذا با نمک: از امام علی علیه السلام روایت شده که فرمود:

ص: 135

- 1- همان، ص 189 .
- 2- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 16، ص 539 .
- 3- فیض کاشانی المحجّة البیضاء، ج 3، ص 6.
- 4- حر عاملی، همان، ص 484 .
- 5- مجلسی، بحار الانوار، ج 66، ص 390، ح 28.

(ابدؤوا بالملح في أول طعامكم فلو يعلم الناس ما في الملح لأختاروه على الترياق المجرّب)؛ (1) غذای خود را با نمک آغاز کنید که اگر مردم خبر داشتند از آن چه در نمک است؛ آن را بر نوشدارویی ترجیح می دادند .

6. فوت نکردن به غذا: در روایات از فوت کردن به غذا نهی شده است. فوت کردن می تواند ضررهای فردی و اجتماعی داشته باشد. از جمله این که ممکن است با فوت کردن، چیزی از غذا بر سفره یا درون غذای دیگران بریزد؛ بوی دهان در هوا پخش و به مشام دیگران برسد و گاه موجب انتقال بیماری می شود. (2)

از امام علی علیه السلام روایت است که فرمود:

غذای داغ را سرد کنید؛ زیرا غذای داغی در برابر پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم نهاده شد، آن حضرت فرمود: آن را سرد کنید. خداوند به ما آتش نمی خوراند. برکت در غذای سرد است. (3)

بنا بر نقل امام صادق علیه السلام، «پیامبر صلی الله علیه وآله وسلم از فوت کردن در غذا یا آشامیدنی نهی فرمود». (4)

در کتاب «اعجاز اسلام از نظر اخبار» آمده است :

اگر در دو لوله ی آزمایش، در هر کدام مقداری محلول باز و محلول فنولفتالین ریخته شود، تولید رنگ ارغوانی خواهد کرد. در این صورت اگر به یکی از آن دو لوله آزمایش، مقداری اسید کلریدریک اضافه کنیم، رنگ ارغوانی تبدیل به مایع سفیدرنگی می شود و اگر به جای اسید کلریدریک، در دیگری به وسیله

ص: 136

1- حرعاملی، همان، ص 520، ح 3.

2- ر.ک جواهری، «آداب خوردن و آشامیدن در اسلام» مجله شمیم یاس، ش 12، 1382.

3- کلینی، الکافی، ج 6، ص 518، ح 1.

4- حرعاملی، همان، ص 518، ح 1.

دهان بدمیم، نیز رنگ ارغوانی تبدیل به مایع سفیدرنگ خواهد شد و نیز تحقیق آزمایش ثابت کرده که هیچ ماده ای غیر از اسید کلریدریک نمی تواند رنگ ارغوانی را تبدیل به مایع سفید رنگ کند. با این مقدمه، نتیجه چنین می شود که هوای دهان که مرکب از دو اکسیژن و یک هیدروژن است، اگر به دو محلول باز و فنولفتالین دمیده شود، تولید اسید کرده، رنگ ارغوانی را تبدیل به مایع سفید رنگ می کند و تحقیقات طبی هم ثابت کرده که اسید کلریدریک برای معده ضرر و زیان فوق العاده ای دارد؛ لذا می توان گفت که وصی ششم پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله وسلم از این جهت و جهات دیگری که هنوز برای بشر مخفی است، از دمیدن به چیزهای گرم، اعم از خوردنی و آشامیدنی به عنوان مکروه جلوگیری و نهی نموده است. (1)

7. غذا برداشتن از جلوی خود: ادب غذا خوردن رسول اکرم صلی الله علیه وسلم این گونه بود که از جلوی خود غذا می خورد و از جلوی کسی غذا بر نمی داشت. (2)

8. لقمه کوچک برداشتن و خوب جویدن؛

9. نگاه نکردن به صورت مردم، هنگام غذا خوردن؛ (3)

در روایتی از امام حسن علیه السلام به سه مورد قبلی اشاره شده که جهت اختصار تنها ترجمه آن را در این جا می آوریم.

آداب سفره دوازده تا است که هر مسلمانی باید آن ها را بداند: چهارتای آن ها واجب است، چهار تا سنت (مستحب) و چهار تا از باب ادب می باشد. آن چهار تا که واجبند: معرفت، خشنودی، نام خدا بر زبان آوردن و سپاس گذاری کردن. و آن چهار که سنت است: وضو گرفتن پیش از غذا خوردن، نشستن در طرف چپ، خوردن با سه انگشت و لیسیدن انگشت ها. و اما آن چهار تا که از

ص: 137

1- مرتضوی لنگرودی، اعجاز اسلام از منظر اخبار، ص 58 - 57 .

2- امین، غذا و تغذیه انسان، ص 272 .

3- حر عاملی، وسائل الشیعه، ج 24 ، باب 66 ، ح 30803 - 30805 .

باب رعایت ادب می باشد: خوردن از آن چه در جلوی توست، کوچک گرفتن لقمه، خوب جویدن غذا و کمتر نگاه کردن به صورت مردم.

(1)

10. با صدا غذا نخوردن: این صدا ممکن است عبارت از جویدن، قورت

دادن یا غیر این ها باشد. وقتی در جمع غذا مصرف می شود، بهتر است حال دیگران نیز مراعات شود. عده ای هنگام غذا خوردن متوجه نیستند که با صدا غذا می خورند یا حتی برخی آن را زشت نمی دانند؛ در حالی که اندک توجهی به واکنش دیگران، نشان خواهد داد که صدای خوردن آن ها را می رنجاند و حتی میل به غذا را در آن ها از بین می برد. چه بهتر که با دهان بسته غذا خورده شود تا صدای جویدن، کمتر به گوش کسی برسد و هم چنین کسی غذای جویده شده را در دهان نبیند. با آرامش کامل و بدون اضطراب و استرس، غذا را خوب بجوید و سپس قورت دهید که معده به راحتی بتواند آن را هضم کند.

(ب) مقدار خوردن در سن جوانی (افراط و تفریط نکردن)

طلبه ها معمولاً در سن جوانی وارد حوزه علمیه می شوند و سن جوانی، مرحله ای است که بدن از لحاظ رشد جسمی به اوج خود می رسد و بنابراین به غذای لازم و به اندازه فعالیت ها نیاز دارد. با ورود به حوزه، تغذیه فرد از لحاظ کیفی و تنوع، اندکی متفاوت از غذای خانگی خواهد شد. اغلب مدارس علمیه، برای طلبه ها ناهار فراهم می کنند؛ ولی تهیه صبحانه و شام به عهده خود آنان است. طلبه های جوان و مبتدی که تازه

ص: 138

1- حر عاملی وسائل الشیعه، ج16، ص 539.

از غذای دست پخت مادر محروم شده و خودشان تجربه آشپزی ساده را هم ندارند، شاید در ابتدا دچار مشکل شوند. این مشکل میتواند به وسیله هم حجره ای های با سابقه رفع شود تا اینکه خود نیز به تدریج بتوانند صبحانه یا شام را تهیه کنند.

مهم تر از تهیه غذا آن است که بعضی در سن جوانی تمایل دارند به علت تنبلی، خستگی، به بهانه تهذیب نفس یا الگوگیری از طلبه های بزرگ ترکم بخورند؛ در حالی که شاید متوجه نباشند سن جوانی به تغذیه کافی برای رشد جسمی و ذهنی نیاز دارد و اگر به اندازه غذا نخورند، در آینده دچار سوء هاضمه شده و مشکل جسمی پیدا می کنند و شاید زندگی آینده شان را نیز با مشکل مواجه سازند.

آن چه در این سن اهمیت دارد، جذب به اندازه (نه زیاد و نه کم) ویتامین، پروتئین و املاح معدنی به بدن است؛ چیزی که با زیاد خوردن و کم خوردن منافات دارد. زیاد خوردن، شکم بارگی است و باعث افزایش وزن، بیماری، کسالت، تنبلی، قساوت قلب و کندذهنی می شود و کم خوردن، سوء هاضمه، زانو درد و کمر درد می آورد و مانع رشد خواهد بود. به اندازه خوردن، نیرومند ساختن بدن برای فعالیت های تحصیلی و عبادی است و منافاتی با تهذیب نفس ندارد. معنای تغذیه به اندازه در روایتی از پیامبر صلی الله علیه و آله وسلم چنین آمده است:

(كُلْ وَأَنْتَ تَشْتَهِي وَأَمْسِكْ وَأَنْتَ تَشْتَهِي)؛ (1) وقتی اشتها داری، غذا بخور و در حالی که [هنوز] اشتها داری [و کامل سیر نشدی]، از خوردن دست بکش.

ص: 139

یادم می آید در ایام طلبگی، هم حجره ای ام که دو سالی زودتر از من طلبه شده بود، مشغول تهذیب نفس بود. کمتر حرف می زد و کمتر می خورد مقداری از غذایی را که مدرسه برای ناهار می داد، می خورد و قسمتی را برای شام نگه می داشت. من نیز به پیروی از او چنین می کردم تا اینکه پس از مدت ها دچار کمبود ویتامین در بدن شده و پوست دستانم ضعیف و نازک شده بود و زود آسیب می دید و هم چنین زانوانم قدرت خود را از دست داده بودند. این جا بود که فهمیدم بدن هنگام رشد به تغذیه مناسب نیاز دارد.

آیت الله ابراهیم امینی در خاطراتش از دوران تحصیل می نویسد:

سلامت جسم و اعصاب یکی از بزرگ ترین نعمت های الهی و سرمایه دوران جوانی است. جوان از سلامت نسبی برخوردار است، نیرو و نشاط دارد، هوش و حافظه اش نسبتا خوب است و به همین جهت می تواند در پرورش استعدادهای خود تلاش کند و به موفقیت های فراوانی دست یابد؛ ولی جوانان باید به این نکته مهم توجه داشته باشند که هوش و حافظه و نیرو و نشاط به حفظ سلامت و عافیت جسم و اعصاب بستگی دارد. بنابراین مهم ترین وظیفه یک جوان، مراقبت کامل از حفظ سلامت و عافیت خود می باشد.

جوانان نباید به هوش و حافظه و نیروی جوانی مغرور شوند و از حفظ سلامت خود غفلت کنند که اشتباهی است بس بزرگ . . . برای طلاب جوانی که به موفقیت خود می اندیشند، رعایت چند امر مهم ضرورت دارد:

1. تغذیه کافی و مناسب؛ 2 خواب مرتب و به مقدار نیاز. 3. ورزش و تحرک 4. تفریح و استراحت 5. اعتدال در مطالعه و درس و بحث و اجتناب از افراط و تفریط، با رعایت امور مذکور، سلامت انسان تضمین می شود و می تواند با بدنی سالم و اعصابی آرام و هوش و حافظه ای نیرومند، سال ها در کسب دانش جدیت کند و در خدمت دین و مردم باشد.

متأسفانه خود من در اثر اشتباه یا غفلت در آغاز دوران تحصیل، در رعایت حفظ سلامتی کوتاهی کردم. در جوانی از سلامت کامل برخوردار بودم. هوش و حافظه ام از حد متوسط بالاتر بود و به مقدار کافی نیرو و نشاط داشتم. اگر قدر این نعمتها را دانسته بودم، امید میرفت به موفقیت های بزرگی نایل گردم؛ ولی متأسفانه چنین نشد. تغذیه کافی و مناسب نداشتم؛ در مطالعه درس و بحث اعتدال را رعایت نمی کردم و به اصطلاح می خواستم زودتر «ملا» شوم. به مقدار نیاز خواب نداشتم. برای این که کمتر بخوابم و بیشتر مطالعه کنم، قهوه می خوردم تا خوابم کمتر شود. ورزش و تفریح اصلاً نداشتم.... ولی به هر حال، این غفلت ها آثار بد خود را به جای گذاشت و بعد از چندی به ضعف اعصاب شدید، بی خوابی، اضطراب و دلهره، سردرد دائم، یأس و ناامیدی مبتلا گشتم. (1)

ج) همکاری در تهیه غذا و جمع کردن سفره

بهتر است تهیه صبحانه ناهار و شام، با همکاری همه هم حجره ای ها صورت گیرد. برای این کار می توان هزینه ای را به صورت مشترک جمع کرد تا کسی که با تقسیم کار مسئول خرید شده، بتواند وسایل مورد نیاز را فراهم کند. تقسیم کار می تواند به صورت دوره ای میان هم اتاقی ها تغییر یابد.

در حجره معمولاً کسانی آشپزی می کنند که نسبت به بقیه با تجربه تر هستند؛ آنانی که یا از قبل به آشپزی علاقه داشتند یا آن هایی که چند سال زودتر از بقیه طلبه شده اند. به هر حال پس از مدتی، اکثر طلبه ها در پختن نیمرو، املت، یتیمچه، برنج، سیب زمینی و غذاهای ساده و زودپز تا حدی ماهر می شوند و می توانند گلیم خود را از آب بیرون بکشند.

ص: 141

گاهی پختن غذا به عهده یک نفر که نسبت به دیگران مهارت بیشتری دارد، می باشد و گاهی دوره ای بوده و هر روز یک نفر این مسئولیت را می پذیرد. برنامه شما در پختن غذا، هرچه باشد، بهتر است با همکاری صورت گیرد و در تهیه مقدمات آن (خرید، پوست کندن، تمیز کردن سبزی و...)، دیگران نیز کمک کنند تا وقت یک نفر خیلی گرفته نشود.

شد وقتی سفره پهن و غذا میل گردید، به گونه ای نباشد که از سفره فاصله گرفته و به استراحت پردازید، بلکه نخست با همیاری ظروف را جمع کرده، کسی مسئولیت شست و شو را بپذیرد و فرد دیگری سفره را به صورت مرتب و تمیز جمع و اگر نان یا غذایی از سفره، روی فرش یا موکت ریخته، پاک کند.

در خوردن و نیز تهیه غذا از اسراف پرهیزید. مطالعه زندگی علمای بزرگ در این زمینه، در دوران طلبگی و حجره نشینی و حتی بعد از آن بسیار مفید است؛ زیرا طلاب آن دوره به علت نبود امکانات لازم، در تنگنای بس عجیبی زندگی را می گذراندند؛ ولی با این حال، هیچ گاه از درس و بحث فاصله نگرفته و با جدیت و تلاش تمام به تحصیل ادامه می دادند.

در زندگی نامه مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای دام ظلّه آمده است:

معیشت دوران طلبگی او مانند بسیاری دیگر از طلاب، سخت و طاقت فرسا بود. هم دوره ای های او می گویند: آن چه خورده می شد، در حد نان و ماست و خیار، یا نان و پنیر و انگور، گاه تخم مرغ و سیب زمینی بود و هزینه همین اقلام نیز تأمین نمی شد. برخی از طلاب مدرسه حجتیه و از جمله سیدعلی خامنه ای، بدهکار نانوائی و بقالی بودند و یکی از این طلبکاران، شیخ حسن بقال بود که در کوچه مدرسه حجتیه مغازه داشت و مایحتاج طلاب را به صورت نسیه می داد.

آقای خامنه ای در وصیت نامه ای که فروردین 1342 نوشت، بدهی های خود را هم یاد کرد: «شیخ حسن بقال، کوچه مدرسه حجتیه؛ آقای هاشمی رفسنجانی؛ کتابفروشی مروارید؛ کتابفروشی مصطفوی و...»

عسرت و تنگ دستی طلاب آن دوره، سفره آنان را پر از داستانهای ریز و درشت کرده بود. هر چند میتوان احتمال داد که با گذر زمان، فقر نهفته در این داستان ها کم رنگ تر شده باشد؛ اما همچنان در اواخر دهه سی، گریبان گیر بیشتر درس آموزان قم نشین بوده است.

غذای رایج برادران خامنه ای (سید محمد و سیدعلی)، هنگامی که در مدرسه حجتیه باهم به سر می بردند، تخم مرغ بود. تخم مرغ ها را در ظرف داغ شده ای که روغن نداشت، می شکستند و نیمرو می خوردند. روغن گران بود و و امکان قراردادن آن کنار دیگر مواد غذایی وجود نداشت. غذای دیگر آنان، نان و کره بود که گاه با مربا نیز همراه می شد. کمتر اتفاق می افتاد که غذایی بپزند و اگر پخته می شد، چیزی جز ماش پلو نبود. «این بهترین و آبرومندانه ترین غذای من بود که خیلی اوقات میهمان دعوت می کردم». یکی از میهمانان او سید مصطفی خمینی بود که چند نفر دیگر را هم با خود می آورد. از قضا ماش پلو را هم دوست داشت. سیدعلی به یاد می آورد که این سفره چندبار رنگ تاس کباب را نیز به خود دیده است. (1)

در خاطرات آیت الله شیخ احمد مجتهدی تهرانی نیز آمده است:

یک سال با استادمان حضرت آیت الله حاج شیخ علی اکبر برهان، سه ماه به گیلاوند رفتیم... در آن سه ماه، ما یک ریاضت کامل کشیدیم؛ زیرا با وجود این که جوان بودیم و خوش خوراک؛ ولی با غذاهایی که به ما می دادند، پدرمان را در آوردند. مثلاً ظهرها سفره که می انداختند، یک کاسه ماست، یک طرف سفره و یک کاسه شیره طرف دیگر؛ و اعلام می کردند که ماستی ها یک طرف بنشینند و شیره ای ها طرف دیگر، (هر دو نفر یک کاسه). صبح هم

ص: 143

یک نان و چند دانه زردآلو به عنوان صبحانه به ما می دادند و شب ها هم یک ذره گوشت را داخل چندین لیتر آب می کردند و به عنوان آبگوشت به 30، 40 نفر می دادند. هر موقع هم به قول خودشان، آبگوشت کم می آمد، آب رودخانه را در آن جاری می کردند.

حضرت آیت الله مجتهدی از روی مزاح می فرمایند: همه چیز برکتش با خدا است، مگر آب گوشت دوران طلبگی ما که برکتش با آب رودخانه بود. (1)

در زندگی نامه علامه محمدتقی جعفری رحمه الله آمده است:

در دوران تحصیل در حوزه قم، استاد درگیر فقر شده تا حدی که یک بار مدت دو شبانه روز گرسنگی می کشد و برای تهیه مواد غذایی به بقال محل سکونت خود رجوع می کند تا مقداری برنج و روغن و خرما تهیه کند. بقال پس از آنکه آنها را وزن می کند، تقاضای پول می کند و چون ایشان اظهار می کند که بعداً وجه آن را پرداخت خواهد کرد، آن مواد غذایی را به جای خود بازمی گرداند و ایشان را ناامید روانه خانه می سازد. استاد بر اثر گرسنگی در حجره خود دچار بی حالی می شود که ناگاه طلبه ای جهت رفع اشکال درسی خود به ایشان رجوع می کند و استاد را جهت صرف نهار به حجره خویش دعوت می کند. به این ترتیب استاد از گرسنگی نجات پیدا می کند. (2)

تقلات

دهخدا در لغت نامه اش، آن را به معنای «تقل ها و آجیل ها و شیرینی ها و هر چیزی که کم کم و گاه گاه خورند» (3) و عمید در فرهنگ لغت به معنای «انواع

ص: 144

1- برخوردار فرید، آداب الطلاب، ص 452.

2- مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چراغ فروزان؛ استاد علامه آیت الله محمدتقی جعفری تبریزی (یاران امام به روایت اسناد ساواک) کتاب هفتم ص 12-13.

3- دهخدا، لغت نامه، ذیل واژه.

آجیل، خشکبار، شیرینی، میوه و امثال آن (1) آورده اند.

تقلات را می توان به مفید و مضر تقسیم کرد. انواع آجیل های خام و خشکبار، مثل بادام های مختلف، گردو، پسته، فندق، انجیر، کشمش، خرما، خشک شده میوه ها و... از تقلات مفید بوده و دارای پروتئین های زیادی هستند. چیپس، پفک، شکلات و سایر شیرینی جات خامه دار، جزء تقلات مضر به شمار می روند. خوردن تقلات مفید به اندازه و جذب پروتئین ها برای بدن ضروری است؛ ولی استفاده از تقلات مضر توصیه نمی شود. البته عده ای هر از گاهی که دلشان می خواهد (هوس می کنند)، از چیپس، پفک و امثال آن استفاده می کنند؛ به شرطی که میزان خوردن آن ها بیشتر نشود.

به هر حال، با اینکه تقلات گران هستند و خرید آنها برای طلبه ها

اندکی مشکل است؛ ولی می توان با مدیریت هزینه ها، ماهی یک بار آجیل خرید و استفاده کرد یا در گعده ها همراه دوستان میل نمود. هنگام خرید دقت کنید که تخمه و آجیل، تازه و خام و دارای رنگ طبیعی باشند نه شور و با رنگ مصنوعی. هم چنین گردو، پسته فندق، بادام و مانند این ها را با پوست تهیه کنید، نه پوست کنده، که پوست برای سالم و تازه ماندن آن ها مفید می باشد. بهتر است محصولات کارخانه ای به دلیل به کار بردن مواد افزودنی (اسید سیتریک، نمک، رنگ ها و غیره) تا حد امکان کمتر مصرف شود. پس از خوردن، آشغال های ریخته شده جمع آوری و حجره تمیز شود.

ص: 145

1- عمید، فرهنگ فارسی، ذیل واژه .

استفاده از میوه ها و سبزیجات، یکی از بهترین شیوه های دست یابی به شادابی، سلامت و تعادل جسمی است؛ چون این مواد دارای املاح معدنی و ویتامین های اختصاصی بسیار ضروری برای بدن هستند و به ندرت در سایر مواد غذایی یافت می شوند. هم چنین به دلیل داشتن مقدار زیادی فیبر، اجابت مزاج را آسان و دفع مواد زاید بدن را افزایش می دهند.

معمولاً وجود سبزی در سفره ایرانی ها و خوردن آن به دلیل خواص بسیار رایج است؛ ولی احتمال دارد طلبه ها به علت اشتغال به تحصیل و کمبود وقت، نتوانند سبزی تهیه کرده و آن را پاک کنند. با این حال، خوردن آن ضرورت دارد و هرچه قدر بیشتر مصرف گردد، برای سلامتی مفید است. با برنامه ریزی درست و تنظیم دقیق وقت، می توان نسبت به تهیه آن اقدام و در طول هفته، چندبار مصرف کرد.

ترشیجات

زمستان فصل ترشی است و بیشتر خانم ها از سبزیجات این فصل استفاده کرده و برای تمام سال، به اصطلاح ترشی می اندازند. ترشی از قدیم، روشی رایج برای نگهداری از میوه ها و سبزی ها برای مدت طولانی بوده است. بعضی ها می گویند فرآوری ترشی، خواص آن را بیشتر می کند. عده ای دیگر معتقدند ترشی چربی سوز است. برخی هم آن را چاق کننده می دانند. با همه این ها، ترشیجات فواید و مضراتی دارد. در تهیه ترشی ها معمولاً از سبزیجات و میوه جات مفید و ارزشمند و با خواص تغذیه ای خوب

استفاده می شود. از آن جایی که در فرآیند تهیه آن ها حرارت وجود ندارد، پس خواص تغذیه ای آنها تا حدی حفظ می شود.

طی تخمیر، خاصیت اسیدی ترشی مضاعف شده و در صورت مصرف بیش از حد، باعث افزایش ترشح اسید معده می شود و برای مبتلایان به زخم و ورم معده و اثنی عشر و ریفلاکس مضر است یا مصرف بیش از اندازه آن، برای مینای دندان آسیب رسانده و باعث پوسیدگی دندان می شود. (1)

اگر هنگام خوردن غذا از ترشی استفاده می کنید، توجه به نکاتی اهمیت دارد:

1. ترشی را در ظرف شیشه ای نگه دارید؛

2. بیش از اندازه مصرف نکنید مثلاً روزی یک بار؛

3. تا آن جایی که ممکن است از ترشیهای کارخانه ای به دلیل به کار

بردن مواد نگه دارنده استفاده نکنید .

4. از ترشیهایی که با سرکه طبیعی تهیه میشوند استفاده کنید.

بوی ترشی معمولاً اشتها آور و تحریک کننده مذاق انسان است. چه بهتر که به تنهایی آن را نخورید و دیگران (به ویژه هم حجره ای ها و دوستان خود) را نیز شریک گردانید.

مرباها

مربا یکی از خوراکی هایی است که گاهی اوقات می تواند در وعده صبحانه تنوع ایجاد کند. اگر فردی مانند بسیاری از افراد، تمایلی به خوردن صبحانه ندارد، می تواند در صبحانه از آن استفاده کند؛ ولی باید به خاطر داشت که در خوردن مربا، افراط نشود. زیاده روی در خوردن مربا، قند خون را افزایش می دهد و در طولانی مدت برای بدن ضرر دارد .

ص: 147

حجره تنها مکانی برای خواب استراحت و آسایش نیست، بلکه جایی

برای خلوت های شبانه، راز و نیاز و عبادت و فرصتی برای پرواز در دل شب است. حجره، قربانگاه است؛ جایی برای نزدیک شدن به معبود حقیقی، هر که در این بزم، مصمم تر، نزدیک تر.

حجره، به آشیانه ای مانند که پرنده در آن رشد کند و پرواز آموزد و اگر طلبه در حجره، خود را رشد ندهد، دیگر شاید، فرصت رشد نیابد و پرواز نداند. تا در حجره ای، بال های پروازت را با عبادت و راز و نیازهای شبانه ات بساز. اگر تنها درس خوانی و علم آموز، علم تنها، تورا نپیراید و حجاب اکبر شود و اگر تنها در پی پیرایش نفس از رذایلی، چه بسا بدون علم، افراط و تفریط روی و گمراه شوی. پس بهتر است هر دو بال، باهم قرین گردند و به حرکت در آیند؛ چه که پیرایش با چراغ علم، به سر منزل مقصود رساند و بدبخت آن کسی که نه علم داند و نه پیرایش.

اگر از دسته سوم هستی (که نه علم داند و نه پیرایش)، بدان که (حَسْبَ الدنیا والآخرت)ی. فرصت حجره نشینی را غنیمت دان و خود را از خسران برهان؛ پس قرآن بخوان، قرآن ما را به علم و قیام شب فرا می خواند.

ص: 151

(هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ)؛ (1) آیا کسانی که می دانند با کسانی که نمی دانند یکسانند؟

(قَمِ اللَّيْلِ إِلَّا قَلِيلًا * نِصْفَهُ أَوْ انْقِصُ مِنْهُ قَلِيلًا)؛ (2) شب را جز کمی، به پا خیز * نیمی از شب را یا کمی از آن کم کن .

انسان های متعادل، هر دو بال را به یک میزان می پروراند؛ به طوری که نه در علم و نه در پیرایش نفس، افراط و تفریط ندارند؛ متعادل اند و با تعادل، به تعالی می رسند. اگر روزی چند ساعت صرف خواندن و آموختن می کنند، اوقاتی را نیز برای خواندن قرآن، ادعیه، نماز شب و خواندن کتب اخلاقی می گذرانند و دل را برای شنیدن مواعظ گوناگون می گسترانند تا آب زلال حکمت در آن جاری گردد.

در روایات، از عالمان غیر مهذب بسیار سرزنش شده است. امیر مؤمنان علی علیه السلام می فرماید:

(قَصَمَ ظَهْرِي عَالِمٌ مُنْهَتِكَ وَ جَاهِلٌ مُتَسَدِّكٌ. فَالْجَاهِلُ يُغْضُ النَّاسَ بِتَسَدِّكِهِ وَ الْعَالِمُ يُنْفِرُهُمْ بِتَهْتِكِهِ)؛ (3) دو گروه کمر مرا شکستند: دانشمند بی شرم و حیا و پرده در، و نادان مقدس مآب زاهد نما. نادان با تزهّد خود و تظاهر به پارسایی، مردم را فریب می دهد و عالم بی پروا، با پرده دری خود انسان ها را از دین و مذهب گریزان می کند .

البته همان طور که درس خواندن، حوصله، صبر، تحمل و پشتکار لازم دارد، رام کردن نفس چموش نیز همت و اراده می خواهد و اراده زمانی نیرومند می شود که حتما چیزهایی را (مثل خواندن قرآن، ادعیه، نوافل و...) برنفس

ص: 152

1- زمر، آیه 9 .

2- مزمل، آیه 2 - 3 .

3- مجلسی، بحار الانوار، ج 2، ص 111.

خود تحمیل کنی و هیچگاه خسته نشوی. استقامت، یکی از راه های بسیار مهم در رسیدن به سر منزل مقصود است؛ چه علم باشد و چه تهذیب نفس.

یک نفر به آیت الله بهجت رحمه الله گفت: می خواهم آدم بشوم؛ ولی نمی شود.

آقا فرمودند: چه کسی نمی گذارد؟

گفت: شیطان؟

ناگهان رو کرد به ایشان و گفتند: کو؟ کجاست؟

گفت: کی؟

ایشان گفتند: شیطان کو؟ تا دستش را بشکنم، کوش؟

و ادامه داد: شیطان کاری ازش میاد؟ خودت نمی خواهی و بعد ایشان را به خودسازی با قدرت اختیار و اراده دعوت کردند! (1)

عبادت در حجره

حجره می تواند خلوت گاهی برای عبادت باشد: خواندن قرآن، نماز مستحبی و گفتن ذکر. حتی تحصیل، کمک به هم حجره ای در درس خواندن، رشد اخلاقی و حل مشکلات او عبادت محسوب می شود. شرط عبادت، بنده بودن است و بندگی. نیازمند اخلاص و نیت پاک. یعنی اگر در تحصیل، تدریس، کمک به دیگران و حتی در خواندن قرآن و نماز، اخلاص نباشد، نام بندگی نشاید گفت. بندگی وقتی تحقق می یابد که با نیت الهی همراه شود؛ چرا که خداوند متعال فرمود:

(فَمَنْ كَانَ يَرْجُو لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ أَحَدًا)؛ (2) پس هرکس به لقای پروردگار خود امید دارد باید به کار شایسته پردازد و هیچ کس را در پرستش پروردگارش شریک نسازد.

ص: 153

1- قدیری، شوخ طبعی های طلبگی ص 155.

2- کهف، آیه 110.

در حدیثی امیر مؤمنان علی علیه السلام فرمودند:

(الدُّنْيَا كُلُّهَا جَهْلٌ إِلَّا مَوَاضِعُ الْعِلْمِ وَالْعِلْمُ كُلُّهُ حُجَّةٌ إِلَّا مَا عُمِلَ بِهِ، وَالْعَمَلُ كُلُّهُ رِيَاءٌ إِلَّا مَا كَانَ مُخْلِصًا وَالْإِخْلَاصَ عَلَى خَطَرٍ حَتَّى يَنْظُرَ الْعَبْدُ بِمَا يُخْتَمُ لَهُ)؛ (1) دنیا همه اش نادانی است، مگر جایگاه های دانش، و دانش تمامش حجت و دلیل خداوند (علیه انسان) است به جز آن مقدار که بدان عمل شود، و عمل تمامش ریا است، غیر از آن چه خالصانه انجام شود، و اخلاص در معرض خطر است تا اینکه انسان ببیند عاقبتش چه می شود.

آیت الله ابراهیم امینی وضعیت عبادی و معنوی طلاب زمان تحصیل خود را در اصفهان چنین توصیف می کند :

وضع عبادی و اخلاقی اکثر طلاب خوب بود. غالباً در نماز جماعت شرکت می کردند و به انجام نوافل یومیه و تهجد و سحرخیزی و نماز شب مقید بودند. قبل از اذان صبح چراغ اکثر حجره ها روشن بود از کنار حجره ها که عبور می کردم، صدای گریه و مناجات شنیده میشد نزدیک چاه مدرسه «جده بزرگ»، حجره مخروبه و تاریکی بود که یکی از طلاب ساده لوح نجف آبادی در آن سکونت داشت. هنگام سحر که برای تهیه آب وضو از درب حجره عبور می کردم، صدای گریه و زمزمه مناجات آن طلبه مخلص را می شنیدم که با زبان ساده می گفت: خدایا! به من علم بده. خدایا! به من علم بده.

بامداد صوت قرآن از اکثر حجره ها شنیده می شد. طلاب به خواندن دعا و از جمله دعای کمیل و سمات مقید بودند. شب های جمعه در تخت فولاد، مراسم دعای کمیل برگزار می شد که تعدادی از طلاب مقید به شرکت در آن بودند. (2)

مرحوم شیخ مرتضی طالقانی، از اساتید حوزه نجف و بسیاری از مراجع و علمای معاصر بود. بسیار پرکار بود؛ به گونه ای که یا در حال درس و بحث

ص: 154

1- مجلسی، بحار الانوار، ج 70، ص 242.

2- امینی خاطرات آیت الله ابراهیم امینی، ص 75.

و یا عبادت به سر می برد. وی تا آخر عمر مجرد بود و در یکی از مدارس نجف، حجره ای داشت. یکی از بزرگان می فرماید:

روزهای چهارشنبه در حجره را بر خویش می بست و خلوت می کرد و کسی نمی دانست به چه مشغول می شود. تنها می فهمیدیم که به مراقبه و عبادت مشغول است. وی بسیار وقت شناس و برای ساعات عمر خویش ارزشی بسیار قائل بود. (1)

خواندن قرآن در حجره

دوران تحصیل و در حجره ماندن فرصت خوبی برای انس با قرآن است. امام خمینی در صحیفه نور می فرماید:

... و این جانب از روی جد، نه تعارف معمولی می گویم از عمر به باد رفته خود، در راه اشتباه و جهالت تأسف دارم و شما ای فرزندان برومند اسلام! حوزه ها و دانشگاه ها را از توجه به شئون قرآن و ابعاد بسیار مختلف آن بیدار کنید. تدریس قرآن در هر رشته ای از آن را محط نظر و مقصد اعلائی خود قرار دهید. مبدا خدای ناخواسته در آخر عمر که ضعف پیری بر شما هجوم کرد، از کرده ها پشیمان و تأسف برایام جوانی بخورید، همچون نویسنده... (2)

خواندن قرآن برای طلبه، باید آن چنان اهمیت داشته باشد که آن را از هر چیزی واجب تر بداند. تا طلبه با قرآن مأنوش نشود، نور ایمان در دل او روشنی نبخشد. خواندن قرآن، فضای اتاق بیرون (حجره) و فضای درون (دل یا قلب) را نورانی می کند و صفا می بخشد. سیره بزرگان دین و علمای عامل، بیانگر این حقیقت است.

امام [خمینی رحمه الله] هیچ گاه از اذکار و نوافل و مستحبات غافل نمی ماند و حتی

ص: 155

1- مولایی، رازدار خلوت نشین، ص.

2- امام خمینی، صحیفه نور، ج 20، ص 20.

در حال قدم زدن، ذکر می گفت و زیارت می خواند. روزانه چند نوبت در هر فرصت مناسبی که پیش می آمد، قرآن می خواند و معمولاً بعد از نماز صبح، قبل از نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا و یا در هر فرصت دیگر، مقید به این مستحب الهی بود و ما بارها که در روز خدمت ایشان می رسیدیم، ایشان را مشغول خواندن قرآن می یافتیم. (1)

آیت الله توسلی از نزدیکان امام دام ظلّه، در زمینه قرائت مداوم و روزانه قرآن می گوید:

امام با همه اشتغالاتی که داشتند، به انجام مستحبات به ویژه خواندن قرآن، دعا و نماز اول وقت اهمیت می دادند. امام هر روز، سه تا پنج مرتبه قرآن می خواندند. در ماه مبارک رمضان، سه بار قرآن را ختم می کردند. (2)

امام روزانه چندین نوبت قرآن می خواند و در هر فرصت مناسب که برای ایشان پیش می آید، قرآن می خواند و معمولاً بعد از نماز صبح، قبل از نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشاء و یا در هر فرصت دیگر مقید به این مستحب الهی هستند و ما بارها که ضمن روز خدمت ایشان می رسیدیم، امام را مشغول خواندن قرآن می یافتیم. (3)

قرآن خواندن به درس و زندگی برکت می دهد؛ ذهن را تقویت می کند؛ موجب صفای باطن و در تهذیب نفس، بسیار ثمربخش است؛ ولی باید توجه داشت که در خواندن قرآن در حجره، رعایت نکته هایی لازم است:

1. قرآن را با وضو بخوانید؛

2. تجوید قرآن را یاد گرفته و درست بخوانید؛

ص: 156

1- مختاری، سیمای فرزندگان، ص 135.

2- ستوده، پایه پای آفتاب، ج 2، ص 103.

3- مجله پیام انقلاب ش 48، ص 53؛ به نقل از حجت الاسلام والمسلمین انصاری کرمانی؛ رجایی برداشتهایی از سیره امام خمینی، ج 3، ص 5.

3. هنگام خواندن، تلاش بر این باشد که به معانی آن نیز توجه شود؛

4. حداقل تدبر و اندیشه درباره یک آیه از قرآن هنگام قرائت، ذهن را به تکاپو وامی دارد؛

5. هنگام تدبر درباره آیه، با سؤال به سراغ آیه بروید تا پاسخ آن را از آیه بگیرید، اول آیه را ترجمه کرده و سپس سؤال هایی که به ذهنتان می رسد، پرسید و آنگاه درباره پاسخ، بیندیشید و جواب دهید و پس از آن به سراغ تفسیر رفته و پاسخ درست را دریابید؛

6. هنگام قرائت، بکوشید برای دیگران مزاحمت ایجاد نکنید؛

7. به قرآن احترام بگذارید و آن را خوابیده یا در حالی که پایتان دراز است، نخوانید؛

8. پس از خواندن قرآن، آن را روی زمین نگذارید، بلکه در جایی (مثل

قفسه کتاب) قرار دهید که بی احترامی نشود؛

9. قرآن را مانند سایر کتاب ها، تندتند ورق نزنید؛

10. در سالم ماندن جلد و صفحه های قرآن، دقت لازم را داشته باشید. بعضی از مدارس علمیه، خواندن آیاتی از قرآن در هر روز را شرط ورود به مدرسه اعلام می کنند. در وقفنامه برخی از مدارس حوزه علمیه و حجره ها، قرآن خواندن (حداقل یک حزب یا 50 آیه)، نماز شب و برخی دیگر از آداب و اخلاق این چنینی ذکر گردیده است که البته رعایت این موارد بر اساس وقف نامه، فرصتی است تا زمینه رشد اخلاقی و خودسازی طلبه فراهم گردد.

ص: 157

بیداری قبل از اذان صبح - هر چند کوتاه - و تهجد و خواندن نماز شب،

توفیقی است که نصیب هر کسی نشود و تنها کسانی به این توفیق بزرگ دست می‌یابند که به آن اهمیت دهند و دست‌یابی به موفقیت‌های بزرگ را در گرو آن بدانند. هیچ کس مقرب درگاه الهی نشد و هیچ کس به قله‌های رفیع علم و اخلاق و معنویت دست نیافت، مگر این که اهل تهجد و نماز شب بود. آیت الله میرزا جواد ملکی تبریزی رحمه الله از عرفای نامدار می‌گوید:

استادم [مولا حسین قلی همدانی] به من فرمود: فقط متعجبین به مقاماتی نائل می‌گردند و غیر آنان به هیچ جایی نخواهند رسید. (1)

علامه طباطبایی رحمه الله نیز می‌گوید:

چون به نجف اشرف برای تحصیل مشرف شدم، به لحاظ خویشاوندی گاه‌گاهی به محضر مرحوم قاضی شرفیاب می‌شدم. تا یک روز در مدرسه ای ایستاده بودم که مرحوم قاضی از آنجا عبور می‌کردند. چون به من رسیدند، دست خود را روی شانه من گذاردند و گفتند: «ای فرزند! دنیا می‌خواهی نماز شب بخوان، آخرت می‌خواهی نماز شب بخوان.» این سخن آن قدر در من اثر کرد که از آن به بعد تا زمانی که به ایران مراجعت کردم، پنج سال تمام، در محضر قاضی به سر می‌بردم و آنی از ادراک فیض ایشان دریغ نمی‌کردم. (2)

آنان که به معنویت و صفای باطن اهمیت می‌دهند و برای تقرب به

خداوند در تلاش هستند به سحرخیزی اهتمام دارند و می‌کوشند شب زودتر بخوابند تا برای راز و نیاز سحرگاهی بیدار شوند. شاید برخی بپندارند

ص: 158

1- ملکی تبریزی، اسرار الصلاة، ص 289.

2- حسینی طهرانی، مهر تابان، ص 16.

که شب زنده داری و نافله شب با درس خواندن منافات دارد و مانع تحصیل و اتلاق وقت است؛ در حالی که تهجد، بهترین وسیله برای کسب توفیق در تحصیل است و زندگی بسیاری از علمای بزرگ دین و اظهارهای آنان بیانگر این حقیقت است که حتی عالم شدن، در گرو رابطه عاشقانه با خداست. آیت الله ملکی تبریزی رحمه الله می گوید:

من بسیاری از محصلین را میشناسم که از شب زنده داران بودند و همین موضوع سبب شد که فهمی عمیق و استقامتی بی نظیر در امر تحصیل نصیبشان شد و به مراتب و مقامات والایی رسیدند و بالعکس، کسانی هستند که در مطالعه کتب علمی کوشش بسیار دارند؛ ولی به جایی نمی رسند و از علم خویش سودی نمی برند و برکتی نمی بینند. (1)

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ *** از یمن دعای شب و ورد سحری بود

مرا در این ظلمات آن که رهنمایی کرد *** نیاز نیم شبی بود و گریه سحری

در خاطراتی از دوران طلبگی امام خمینی قدس سره آمده است که «تقید و اهتمام امام به نماز جماعت و نوافل شب از نکات مهم دوران طلبگی ایشان است» (2). «در ایامی که من با امام بودم و توفیق خدمتگزاری ایشان را داشتم، نماز شب را ترک نکردند. آقایانی که قبل از آن با ایشان بودند، حتی هم دوره ها و هم حجره ای های ایشان نقل می کردند که امام از اوان جوانی که مشغول تحصیل بودند، در نماز شب جدیت داشتند.» (3) خوشاوندان امام که از پانزده سالگی با ایشان بودند، می گفتند: از پانزده سالگی ایشان که ما

ص: 159

1- ملکی تبریزی، همان، ص 295.

2- رجایی، برداشت هایی از سیره امام خمینی، ج 3، ص 113؛ به نقل از آیت الله سیدصادق لواسانی، روزنامه کیهان، 1359/1/16.

3- ستوده، پایه پای آفتاب، ج 2، ص 301؛ به نقل از آیت الله غلامرضا رضوانی.

در خمین بودیم، آقا یک چراغ موشی کوچک می گرفتند و می رفتند به یک قسمت دیگر که هیچ کس بیدار نشود و نماز شب می خواندند.» (1)

حضرت امام نسبت به اذیت شدن دیگران بسیار حساس بودند و نمی خواستند کسی تهجد ایشان را متوجه شود؛ به طوری که همسرشان نقل می کنند:

تا حالا نشده که من از نماز شب ایشان بیدار شوم؛ چون چراغ را مطلقاً روشن نمی کردند. نه چراغ اتاق را روشن می کردند، نه چراغ راهرو را و نه حتی چراغ دستشویی را. برای اینکه کسی بیدار نشود، هنگام وضوی نماز شب، یک ابر زیر شیر می گذاشتند که آب چکه نکند و صدای آن کسی را بیدار نکند. (2)

علمای بزرگ، همواره فضای معنوی حجره را بر دیگر جاها ترجیح می دادند و حتی پس از ازدواج نیز می کوشیدند حجره را جای خلوتی برای راز و نیاز برگزینند. این مسأله برای کسانی که هنوز حجره را ترک نکرده اند و مشغول تحصیل هستند، باید مهم شمرده شود و قدر و ارزش ایام حجره نشینی را بدانند و فرصت را غنیمت شمارند.

آیت الله سید محمد حسینی همدانی صاحب تفسیر «انوار درخشان» می نویسد:

در سال 1347 قمری که من در مدرسه قوام نجف اشرف بودم، روزی سیدعلی آقا [قاضی تبریزی] به مدرسه آمد و از متصدی آن حجره ای درخواست کرد و وی نیز با کمال احترام پذیرفته و حجره ای کوچک در طبقه فوقانی در اختیارش گذاشت. بعد معلوم شد که قاضی حجره را به عنوان مکان خلوتی برای تهجد و عبادت می خواستند. چون تصور می کردند تهجد ایشان شب هنگام در خانه، باعث مزاحمت بچه ها می شد. به همین خاطر، شب ها حدود ساعت

ص: 160

1- رجایی، همان؛ به نقل از نعیمه اشراقی سروش، ش 476، ص 14.

2- همان.

دوازده - که معمولا طلبه ها برای آمادگی جهت درس های فردا به استراحت می پرداختند - شب زنده داری قاضی آغاز می شد. (1)

اگر جزء بیداران سهر هستی، سکوت شب، فرصت خوبی برای خلوت گزینی و راز و نیاز است. ولی باید مواظب بود که دیگران متوجه و اذیت نشوند.

پرخوری نکردن (هرچند نان خشک باشد)، دوری از گناه و با وضو خوابیدن، از عوامل بیداری است. انتظار اینکه هم می توان سیر خورد و به دیگران تهمت زد و پشت سر آنان غیبت کرد و هم برای نماز شب بیدار شد، توقع بی جایی است. گناه از عوامل سلب توفیق است و وقتی کسی توفیق نداشت، به طور قطع حال و حوصله عبادت نخواهد داشت.

مرحوم شهید قدوسی در کنار توجهی که به نظم امور مدرسه داشت، به شدت مراقب تربیت اسلامی شاگردان مدرسه بود به نظر وی، شخصیت و تربیت اسلامی طلاب، مقدم بر یادگیری علم و دانش است و چه بسا ضعف های علمی و درسی شاگردان قابل حل است؛ ولی فردی که به لحاظ عقیدتی و اجرای واجبات و مستحبات دچار تردید باشد، هرگونه سرمایه گذاری بر روی چنین افرادی اشتباه است.

ایشان به اجرای واجبات و مستحبات توسط طلاب حساسیت زیادی داشت و در اخراج طلبه ای که در این زمینه ضعف داشت، تردید نمی کرد. شهید قدوسی، هر از چندگاهی نیمه های شب به مدرسه می رفت و کنترل می نمود که کدام یک از شاگردان مدرسه، نماز شب می خواند. در این زمینه، خاطره ای را آیت الله صانعی نقل می کند که شهید قدوسی شخصا

ص: 161

به ایشان گفته بود:

من از یکی از مراجع اجازه گرفته ام که به طور غیررسمی و به طوری که صاحب حجره متوجه نشود، گاهی در اتاق ها را باز کنم، ببینم آیا آقایان مثلا اول صبح مشغول تلاوت قرآنند یا خوابند؛ به طوری که آن ها متوجه نشوند. من این اجازه را گرفتم، چون شبهه می کنم که در اتاق را بدون اجازه باز کنم. من به ایشان گفتم: شما به هر حال ناظر امور مدرسه هستید و مجاز هستید. ایشان گفت: نه، احتیاطا من از مراجع اجازه گرفتم. گاه می گفت: بعد از نیمه های شب به مدرسه حقانی سر می زنم که ببینم آیا طلبه ها در آن موقع برای نماز شب آماده اند یا نیستند؟ چه مقدارشان آماده نمازند و چه مقدارشان نیستند.

بارها از شهید قدوسی نقل شده که می گفتند:

من عدد نمی خواهم. تعداد برای من مهم نیست و من کیفیت می خواهم. می خواهم طلبه ای باشد متدین و و بانقوا. (1)

توسل در حجره

طلبه هر چقدر با استعداد و باهوش هم باشد و تمام تلاش و توان خود را در راه تحصیل علم و کسب کمالات به کار برد، بنده ضعیفی است که هر لحظه به لطف خدا و توجه و عنایت اولیای او برای وساطت و شفاعت نیازمند است. خداوند نردبان صعود را در توسل و دعا قرار داده است؛ چرا که دعاها، قرآن صاعد هستند. (2)

آیت الله جعفر سبحانی می گوید: توسل به معنای گزینش وسیله است. اولین

ص: 162

1- موسوی آشان، زندگی نامه ی شهید آیت الله علی قدوسی، ص 52-53.

2- حضرت امام خمینی از صحیفه سجادیه به عنوان قرآن صاعد یاد می کند و آن را زبور آل محمد مینامد و می فرماید: «صحیفه کامله سجادیه، نمونه کامل قرآن صاعد است و از بزرگترین مناجات عرفانی در خلوتگاه انس است که دست ما کوتاه از نیل به برکات آن است؛ آن کتابی است الهی که از سرچشمه نور الله نشأت گرفته و طریقه سلوک اولیای بزرگ و اوصیای عظیم الشان را به اصحاب خلوتگاه الهی می آموزد.» (صحیفه امام، ج 21، ص 209)

وسيله انسان، اعمال خود انسان است...؛ ولی در عین حال، وسایل دیگری هم داریم که قرآن به ما معرفی کرده است. از جمله این که همیشه متوسل به دعای صالحان و پاکان و انبیا و اولیا باشیم. فرزندان حضرت یعقوب با همان فطرت خود دریافتند که ننگ آن گناه کبیره پاک نمی شود، مگر با دعای پیامبر خدا. لذا دست به دامن پدر شدند. (قَالُوا يَا أَبَانَا اللَّهُ تَعَفَّرَ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ)؛ (1) گفتند: ای پدر! برای گناهان ما آمرزش خواه که ما خطاکار بودیم.» او هم وعده داد که من برای شما استغفار می کنم. قرآن مجید هم مسلمانان را مأمور می کند موقعی که گناهی را مرتکب شدند و قصد توبه دارند، اگر می خواهند فیض الهی را متوجه خود سازند، سراغ پیغمبر صلی الله علیه وآله وسلم بروند، دست به دامن او زنند و پیغمبر در حق آنان دعا کند. (2) ... در حقیقت توسل عبارت است از دست زدن به دامن پاکان، که برای ما دعا کنند و از طریق آنها مشمول فیض خدای متعال شویم. اصولاً عالم، عالم اسباب است. خدا هیچ گاه مستقیماً فیض را به ما نمی رساند، بلکه از طریق اسباب، که همان اولیای خدا هستند، از فیض الهی بهره مند می شویم. ... البته این توسل هم باید از طریق صحیح انجام شود. باید دنبال توسل های صحیح رفت، نه توسلات باطل، مثل وردهایی که معلوم نیست از کجا آمده، یا دعاهایی که وارد نشده، بلکه در اویش درآورده اند. توسل باید همانگونه باشد که از طریق صحیح، از ائمه اطهار علیهم السلام به ما رسیده است. (3)

ص: 163

1- یوسف، آیه 97 .

2- نساء، آیه 64 .

3- وافى، نسیم هدایت، ص 281 - 283 .

بنابراین دعا و توسل از نیازهای ضروری طلبه است و باید به آن اهتمام ویژه ای داشته باشد. آیت الله شیخ رضا استادی می گوید: «گمان نمی کنم کسی بدون دعا و مناجات در خلوات و نیز توسل به ساحت قدس رسول الله صلی الله علیه و آله وسلم و اهل بیت علیهم السلام به جایی برسد. همه افراد به ویژه طلبه و روحانی، نیاز شدید به استمداد از آن بزرگواران و جلب امداد آن ها را دارد. برخی از بزرگان فرموده اند: با گدایی از درگاه خدا باید به مراتب عالی روحانیت رسید. بنابراین توسل هر روز به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف و دعا و یاد آن حضرت، سلام به حضرت سیدالشهدا علیه السلام و ذکر مصایب ایشان و گریه کردن، خواندن

دعای ندبه در جمعه ها و دعای کمیل در هر شب جمعه، انس با صحیفه سجادیه و دعاهاى ائمه اطهار علیهم السلام در توفیقات ترقی هر کس به خصوص طلاب عزیز بسیار سودمند و مؤثر است.» (1)

دعا و توسل برای رفع گرفتاریهای معنوی و مادی تأثیر زیادی دارد و سزاوار است که همواره در گرفتاری ها به خدا و اولیای او پناه برد؛ ولی علاوه بر آن، برای رشد معنوی و ترقی روحی نیز باید توسل جست و از خدا خواست که موانع احتمالی رشد معنوی و اخلاقی را برطرف سازد و توفیق های او را هرچه زودتر افزون تر فرماید.

محدث قمی می نویسد:

سید نعمت الله جزایری چون در اوایل تحصیل، قادر بر تهیه چراغ برای مطالعه نبود، از نور مهتاب استفاده می کرد و بر اثر کثرت مطالعه و نوشتن، چشمش ضعیف و کم نور شد. از این رو تربیت سیدالشهدا علیه السلام و سایر ائمه علیهم السلام را به

ص: 164

چشم خود می کشید و از برکت آن تربت ها، روشنی دیده اش افزون می گشت. (1) یکی از طلاب مدرسه استاد مجتهدی می گوید:

زمانی که من از شهرستان به تهران آمدم و در حوزه علمیه حاج آقا مجتهدی حجره گرفتم، در همان اوایل ورود، بیمار شدم و با هم حجره ام به دکتر مراجعه کردم و مقدار پولی که من و هم حجره ام داشتیم، همه را صرف دکتر و دارو کردیم، به حدی که با دست خالی، البته همراه مقداری دارو برگشتیم. اتفاقاً آخر هفته، هم حجره ام، چون ایشان هم شهرستانی بود، می خواست به شهر خود برگردد و من پولی نداشتم که بدهکاریم را به ایشان بپردازم و چون از شهرستان آمده بودم، هنوز با طلاب آن حوزه آشنایی کامل نداشتم که از آن ها پول قرض بگیرم و لااقل بدهکاریم را بپردازم.

از طرفی هم حضرت آیت الله مجتهدی بارها در سر کلاس اخلاق می فرمودند: اگر در دوران طلبگی، به مشکلات و کمبودهایی روبه رو شدید، به کسی اظهار حاجت نکنید، بلکه به وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف متوسل شوید. لذا من هم به کسی نگفتم و به آن حضرت توسل کردم و عرض نمودم: یا امام زمان، من در این تهران غریبم و کسی را نمی شناسم. هم خودم به پول احتیاج دارم، به جهت مخارج زندگی، و هم رفیقم که می خواهد به شهرستان برود.

خلاصه، بعد از دو روز از توسل کردم باز هم خبری نشد و بسیار این لحظات بر من سخت می گذشت. خصوصاً شرمنده هم حجره ام بودم می خواست به شهرستان برود و به پول احتیاج داشت؛ لذا روی این اصل، قصد کردم به یکی از طلاب اظهار حاجت کنم. با همین نیت، وارد مسجد مدرسه شدم که نزدیک وقت اذان مغرب و عشا بود. وقتی که وارد مسجد شدم، در هما ورودی مسجد، جناب استاد و عده ای از طلاب نشسته بودند و من چون به فکر کار و حال خودم بودم، سلام کردم و از مقابل آن ها عبور

ص: 165

کردم و می خواستم در یک گوشه ای بنشینم تا بعد از نماز یک فکری بکنم.

ناگهان استاد مرا صدا کردند و اشاره نمودند که در کنار ایشان بنشینم، و بعد از احوال پرسی فرمودند: شنیده ام که مریض شده ای. عرض کردم: بله و بحمد الله کسالتم بر طرف شده. فرمودند: دکتر هم رفتی؟ عرض کردم: بله. مقداری مکث کردند و چند لحظه بعد به طوری که کسی متوجه نشود، مقداری پول به من دادند و فرمودند: این پول دکتر و دوی شماس است. من از شدت خوشحالی، دست ایشان را بوسیدم و به جای اینکه به صف جماعت بروم، به طرف حجره برگشتم و چون داخل شدم و پول را شمردم، با کمال تعجب متوجه شدم که همان مقداری بود که من و هم حجره ام برای خرج دکتر و دوا مصرف کرده بودیم و من بدین وسیله هم بدهکاری خودم را پرداخت کردم و هم پول اولیه ام را به دست آوردم. (1)

اگر گاهی متوجه شدید که حوصله درس خواندن یا حال عبادت و دعا

ندارید یا گرفتار انقباض روحی و معنوی شده اید، به قرآن، معصومین یا حتی به یکی از علما و اولیای الهی متوسل شوید یا اگر توانستید گرفتاری فردی را برطرف کنید تا خداوند گرفتاری شما را برطرف سازد.

اما در توسل کردن و خواندن ادعیه در حجره، حال هم حجره ای ها را نیز باید مراعات کرد و مزاحم آنان نشد. دعا خواندن با صدای بلند، نه تنها هم حجره ای ها، بلکه ممکن است برای سایر طلاب در حجره های دیگر نیز مزاحمت ایجاد کند. بنابراین بهتر است یا با صدای آرام راز و نیاز کرد یا در جای دیگر (مثل نمازخانه) به عبادت پرداخت.

مراقبت از نفس با هم حجره ای

ص: 166

1- برخوردار فرید، آداب الطلاب، ص 233-234.

تهذیب نفس و متخلق شدن به اخلاق اسلامی، از الزام های ضروری طلبگی است و همه انتظار دارند طلبه، خود را به اخلاق آراسته کند. وجود دوستان و هم حجره ای ها در کنار هم، فرصت خوبی است که بتوانند با هم دیگر و با کمک هم به تهذیب نفس بپردازند. دوستان و هم اتاقی ها آینه هم هستند و خوبی ها و بدی های یک دیگر را نشان می دهند. طلبه ای که می خواهد تهذیب نفس کند و رذایل اخلاقی را از خود بزدايد، خوشحال می شود که دوستانش، عیب و نقص او را به خود او تذکر دهند و در واقع، هم چون آینه، عیوب و نواقص باطنی و درونی او را منعکس سازند. حتی بعضی از طلبه ها با هم اتاقی ها و دوستان خود قرار می گذارند که در موارد مشاهده ناهنجاری های اخلاقی، مثل غیبت، حسد، دروغ، عُجب و...، به هم دیگر تذکر دهند و مانع انجام گناه شوند.

آن ها برای این که از انجام رذایل اخلاقی دور بمانند، میان خود جریمه ای (نقدی، عبادی، علمی و...) را مشخص و تعهد می کنند که در صورت بروز رفتارهای ناهنجار اخلاقی، جریمه بدهند تا نفس خود را رام کنند.

آیت الله شیخ محمد کوهستانی رحمه الله در خاطراتش می فرماید:

در دوران طلبگی، چند سال با طلبه اردبیلی هم حجره بودیم. ابتدا که می خواستیم باهم در حجره درس بخوانیم و زندگی کنیم، تعهد کردیم که جز حرف های واجب و مستحب، حرفی دیگر نزنیم. در طول این چند سال کوشیدیم به این تعهد عمل کنیم و عمل هم کردیم.

(1)

و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین

ص: 167

الف) کتاب ها

قرآن .

. نهج البلاغه

1. آبرکرامبی، نیکلاس و دیگران؛ فرهنگ جامعه شناسی؛ ترجمه حسن پویان؛ تهران: چاپخش، چ 1، 1367.

2. آقاجفی قوچانی، محمد حسن؛ سیاحت شرق تهران: امیر کبیر، 1393.

3. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی؛ تحف العقول؛ ترجمه بهراد جعفری تهران: نشر صدوق، 1377.

4. احمدی، محمدرضا (تدوین)؛ خاطرات حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ محمد فاضل استرآبادی؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1387.

5. امین، مهدی (گردآورنده)؛ غذا و تغذیه انسان (تفسیر موضوعی المیزان)؛ تهران: مفتاح دانش، بیان جوان، 1388 .

6. امینی، ابراهیم؛ خاطرات؛ تهران: مؤسسه فرهنگی هنری و انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1392 .

7. برخوردار فرید، شاکر؛ آداب الطلاب؛ تهران: لاهوت، 1385.

8. بهبودی، هدایت الله؛ شرح اسم: زندگی نامه آیت الله سیدعلی حسینی خامنه ای؛ [بی جا]، موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی، 1392.

9. بهجت، محمدتقی؛ استفتانات از محضر حضرت آیت الله العظمی بهجت؛ قم: دفتر حضرت آیت الله العظمی محمدتقی بهجت، ج 3، 1386.

10. بهشتی، سید جواد (تدوین گر)؛ خاطرات استاد (خاطرات از زبان حجت الاسلام محسن قرائتی)؛ تهران مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن، 1375 .

ص: 169

11. پاینده ابوالقاسم؛ نهج الفصاحه، قم: انصار المهدی، 1388.
12. تمیمی آمدی، عبدالواحد محمد، غرر الحکم و دررالکلم؛ ترجمه محمد رحمتی شهرضا؛ قم صبح پیروزی، 1392.
13. حرعاملی، محمد بن حسن؛ وسائل الشیعه؛ بیروت: دار احیاء التراث العربی، 1362.
14. حسن زاده، صادق، اسوه عارفان: گفته ها و ناگفته ها درباره مرحوم علامه سید علی آقا قاضی به ضمیمه شرح حال مرحوم آیت الله سید عبدالکریم کشمیری؛ قم: آل علی، 1385.
15. حسین خانی نائینی، هادی؛ نقش تربیتی مدیران در مدارس علمیه؛ قم: مرکز مدیریت حوزه های علمیه، 1395.
16. حسینی تهرانی، سید محمد حسین، مهرتابان: مشهد علامه طباطبایی، 1431ق.
17. حسینی، سید نعمت الله؛ مردان علم در میدان عمل؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، 1375.
18. دشتی، محمد؛ امام علی و بهداشت و درمان؛ [بی جا]، سازمان تحقیقات نیروی مقاومت بسیج، 1380.
19. دهخدا علی اکبر؛ امثال و حکم؛ تهران: امیرکبیر، 1361.
20. رجایی، غلامعلی برداشت هایی از سیره امام خمینی؛ تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج، ج 3، ج 3، 1385.
- 21/ سازگارا، پروین؛ نگاهی به جامعه شناسی با تأکید بر فرهنگ، تهران: کویر، چ 1، 1377.
22. ستوده، امیررضا؛ پایه پای آفتاب گفته ها و ناگفته ها از زندگی امام خمینی؛ تهران: پنجره، 1373.
23. سعادت‌مند، رسول؛ درس هایی از امام: نظم و قانون گرایی؛ قم: تسنیم، 1389.
24. شهید ثانی، زین الدین بن علی؛ منیه المرید فی أدب المفید و المستفید؛ قم: مکتب الاعلام الاسلامی، 1372.
25. صدوق، محمد بن علی بن بابویه؛ الخصال؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، ج 1، ج 1، 1362.

26. طباطبایی، سید محمد حسین؛ المیزان في تفسير القرآن؛ قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج 6، 1390 .
27. سنن النبی؛ ترجمه سید علی حسینی؛ تهران اندیشه مولانا، 1390.
28. طبرسی، حسن بن فضل؛ مکارم الاخلاق [بی جا]، تهران: رضی، 1371.
29. عطایی اصفهانی، علی، ره یافتگان؛ قم انصاری، 1381.
30. عمید، حسن، فرهنگ عمید، تهران، امیر کبیر، 1380.
31. فاضل لنکرانی، محمد جواد؛ جامع المسائل؛ قم: امیر العلم، ج 1، 1380.
32. فیض کاشانی، محمد؛ المحجة البيضاء؛ تصحیح علی اکبر غفاری؛ قم دفتر انتشارات اسلامی 1362 .
33. قدیری، محمد حسین؛ شوخ طبعی های طلبگی؛ اصفهان: دانا کتاب، 1393.
34. قمی، شیخ عباس؛ الفوائد الرضویه فی احوال علماء المذهب الجعفریه؛ تحقیق ناصر باقری بیدهندی؛ قم: بوستان کتاب، 1385.
35. کلینی، محمد بن یعقوب؛ اصول کافی؛ [بی جا]، دفتر نشر فرهنگ اهل بیت، ج 2، ج 6، [بی تا].
36. کوهستانی، عبدالکریم؛ بر قله پارسایی (شرح حال عالم ربانی، فقیه سبحانی حضرت آیت الله شیخ محمد کوهستانی)؛ تهران: انتشارات ادباء، ج 7، 1392.
37. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، بیروت، دار احیاء التراث العربی، 1403ق.
38. محمد ری شهری، محمد؛ میزان الحکمه؛ ترجمه حمید رضا شیخی؛ قم دار الحدیث، 1383 .
39. کیمیای محبت: زندگی نامه مرحوم رجبعلی خیاط؛ قم دار الحدیث 1378.
40. محمدی اشتهاردی، محمد؛ داستان دوستان، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ج 5، 1370-1371 .
41. مختاری، رضا: سیمای فرزندگان: قم: بوستان کتاب، 1391.
42. مرتضوی لنگرودی، محمد مهدی؛ اعجاز اسلام از منظر اخبار در اوضاع،

اختراعات و علوم امروزی قم کتاب فروشی صحفی، [بی تا].

43. مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، چراغ فروزان؛ استاد علامه آیت الله محمدتقی جعفری تبریزی (یاران امام به روایت اسناد ساواک) کتاب هفتم، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، 1377.

44. ملکی تبریزی، جواد؛ اسرار الصلاه قم دار الکتب الاسلامیه [بی تا].

45. مؤسسه فرهنگی مطالعاتی شمس الشموس؛ عطش: ناگفته هایی از سیر توحیدی کامل عظیم حضرت آیت الله سید علی قاضی طباطبایی؛ تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعاتی شمس الشموس، 1383.

46. موسوی آشان، سید مسعود؛ زندگی نامه ی شهید آیت الله علی قدوسی؛ تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1384.

47. موسوی خمینی، روح الله صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، 21، 1378.

48. صحیفه نور تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ

انتشارات، ج 20، 1379.

49. مولایی، عادل؛ رازدار خلوت نشین؛ قم: نشر جمال، 1378.

50. وافی علی نسیم هدایت رهنمودهای بزرگان به طلاب جوان؛ قم: شفق، 1388.

ب) نشریات و سایت ها

51. جباری، محمدرضا؛ «خواب و استراحت در سیره نبوی» مجله معرفت، ش 114، سال 1386.

52. جواهری، سید محمدحسن؛ «آداب خوردن و آشامیدن در اسلام»؛ مجله شمیم یاس، شماره 12، 1382.

53. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم؛ «زندگی نامه علامه طباطبایی» نشریه پیام حوزه، سال اول، شماره دوم، تابستان 1373.

54. «مصاحبه با حجت الاسلام و المسلمین سیدهاشم رسولی محلاتی»؛ مجله حوزه، شماره 37 - 38، 1369.

ص: 172

55. دهخدا، علی اکبر؛ لغت نامه 56 www.vajehyab.com

56. دیانی؛ مسعود؛ «خوش بیاسای زمانی چند پیشنهاد برای اهالی حجره»؛ مجله حاشیه، شماره صفر خرداد 1390.

57. محدثی، جواد؛ «اخلاق معاشرت: شوخی و مزاح». ماهنامه پیام زن، شماره 88، تیر 1378.

58. «مصاحبه با مرحوم آیت الله حاج شیخ محمد رضا طبسی»؛ مجله حوزه، شماره 34، مهر و آبان 1368.

59. نمایندگی ولی فقیه در سپاه؛ ماهنامه «پیام انقلاب»؛ شماره 48، تیر 1390.

60. www.hawzahbonab.com

61. www.irnaeaha.blogspot.com

62. www.mcys.ir

63. www.moghadaseardebili.blogfa.com

64. www.motaleat.tahzib-howzeh.ir

65. www.narges-c.ir

66. www.shafaf.ir

67. www.shahidain.ir

68. www.tasnim554.blogfa.com

69. www.akairan.com

70. www.mantalabeh.blogspot.com

71. www.hawzahnews.com

72. www.hawzahnews.com

تازه های نشر :

□

ص: 174

بسمه تعالی

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه موفق به تولید نرم افزارهای تلفن همراه، کتاب خانه های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملاً مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیبانی می شود.

برای خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوئیم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آبا ده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

